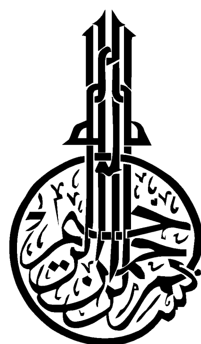


چهرۀ زن در آئینه اسلام



مؤلف:

حلیمه (صاحبزاده)

بنت مرحوم مولوی محمد سرور فیضی

مدرسه حضرت علی کرم الله وجهه

کتابخانه مرحوم مولوی محمد سرور فیضی



مهتمم:

ابوالحسن صاحبزاده

چهرهٔ زن در آئینه اسلام

✦ مؤلف: حلیمه (صاحب زاده) بنت مرحوم مولوی محمد سرور فیضی
✦ چاپ: نشر نون
✦ شمار: ۵۰۰ جلد
✦ نوبت چاپ: اول ۱٤۰۳

مراکز پخش:

ـ هرات، شهرنو، پایحصار، کوچه گدام، نشر نون.
تلفن: ۰۷۹۹۱۵۹۱۷۱ ـ

فهرست مطالب

بسم الله الرحمن الرحیم

بنده چند مضمون این کتاب را به نظر خاسرانه دیده برای هر طبقه‌ای مسلمان مرد و زن انتهای مفید یافتم مطالعه کردن این کتاب و عمل نمودن به مضامین آن باعث سرفرازی و کامیابی هر دو جهان و خشنودی الله و رسول او ﷺ است محترمه مصنفه مضامین و مسایل ضروریه را جمع کرده به امت مسلمه خصوصاً به طبقه‌ی نسوان احسان عظیم کرده اند؛ الله ﷻ این محنت همشیره محترمه را به درگاه خود مقبول بفرماید.

احقر عبدالهادی عفی عنه

استاذ الحدیث جامعه شمس المدارس غفور

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العلمین و الصلوة و السلام علی سید المرسلین و علی آله و صحبه و من تبعه الی یوم الدین (اما بعد) این کتاب در نوع خود از نظر بنده بسیار مفید است مخصوصا برای طبقهٔ اناث که چون تصنیف کنندهٔ آن زن است و برای آن زحمت کشیده لذا امیدوارم که عموم از آن استفاده کنند خصوصاً زنان مؤمنهٔ مسلمان و خداوند این را از جهت رضای خود گرداند.

و السلام

ابوالحسن صاحبزاده مهتمم.

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس و ستایش مر خداوندی راست که آفرید جفت مرد و زن را و بین آن دو محبت و رحمت قرار داد و از آن دو مردان و زنان بسیاری پیدا کرد تا قدرت و حکمت خود را آشکار سازد و درود و سلام بر فرستادۀ بر حقش سید رسولان و خاتم پیامبران ابوالقاسم محمد و بر آل و اصحاب او همه تا روز جزا!

اما بعد خوانندۀ محترم کتابی که هم اکنون در دسترس شما قرار دارد به نام (چهرۀ زن در آئینه اسلام) نام گذاری شده است چون حقیقت و هویت زن را از نگاه اسلام به ما معرفی می‌نماید بر شما واضح است که اکثریت جامعۀ ما را بیسوادها و اکثریت بیسوادها را زنا ن تشکیل می‌دهند؛ پس معلوم است که زنان باسواد در اقلیت قرار دارند و اکثریت باسوادها را نیز کم سوادها تشکیل می‌دهند، بنابرین سعی شده است که کتاب حاضر در نهایت کوتاهی، ساده گی و روانی نگارش یابد، تا عموم مردم مخصوصا خواهران مسلمان بتوانند از آن استفاده نمایند، در این کتاب کوشش شده است به مسائلی پرداخته شود که بیشتر مربوط به زنان می‌باشد؛ مثلا شناخت و حقوق زن و نیز باورها و رسومی که غالبا در بین زنان رواج دارد، امید است مطالب این کتاب که گرفته وخلاصه کرده شده از قرآن‌کریم و سنت پیامبرﷺ می‌باشد وسیلۀ برای هدایت خواهران به راه راست ونیز وسیلۀ جهت بالا بردن سطح حقوقی و فرهنگی آنها گردد در پایان باید تفهیم گردد چون بنده هیچ تجربۀ در نویسندگی ندارم، بنابرین از خوانندگان گرامی تقاضا می‌شود اینکه نه تنها از عیوب وکاستی‌های این کتاب چشم پوشی نمایند، بلکه در صدد اصلاح و رفع عیوب آن نیز برآیند و نیز تقاضا می‌شود که این بندۀ گنهکار را از دعای خیر خود محروم نگردانند؛ خداوندا مرا و پدر و مادرم را و همۀ مسلمانان را مورد عفو و مغفرت خویش قرار بده. آمین

حلیمه صاحب زاده

خودشناسی زن مسلمان

خواهر عزیز! قدر خویش را بدان، هویت و غیرت سابق خود را فراموش مکن؛ این تو بودی که گوی سبقت را در میدان ایمان از مردان ربودی؛ یعنی سیده زنان عالم حضرت خدیجهٔ کبری ﵂ معاون و همسر پاک رسول خدا ﷺ قبل از مردان رسالت پیامبر ﷺ را تصدیق نموده و به او ایمان آورد و نیز اولین کسی که نهال نو پای اسلام را با خون خویش آبیاری نمود تو بودی؛ یعنی حضرت سمیه ﵂ همسر حضرت یاسر ﵁ مادر حضرت عمار ﵁ که در راه اسلام پس از تحمل سخت‌ترین شکنجه‌ها به دست شقی‌ترین مردم یعنی ابوجهل به شهادت رسید، پس ای خواهر مسلمان! رخوت و سستی را به خود راه مده تو همان زن سابق هستی اگر همت سابق را داشته باشی به هوش باش تا اصالت دینی و فرهنگی خویش را فراموش نکنی، گوش به طبل خالی طاغوت زمان ندهی که دم از آزادی دروغین تو می‌زند می‌خواهد تو را بازیچهٔ دست خود قرار دهد او می‌خواهد غیرت دینی تو را از تو سلب نماید، تا همچون عروسکی در دست او قرار گیری تا تو را به دلخواه خود به وادی ضلالت و گمراهی بکشاند آن جذبهٔ دینی زنان صدر اسلام را یاد کن یکی از آن شیر زنان حضرت اسماء ﵂ دختر گرامی حضرت ابوبکر صدیق ﵁ مادر حضرت عبدالله ابن زبیر ﵁ بود هنگامی که حضرت عبدالله ﵁ با لشکریان حجاج که یکی از امیران ظالم بود، مشغول جنگ بود؛ حضرت اسماء ﵂ سخت بیمار بود، باری حضرت عبدالله ﵁ جنگ را وقفه داده جهت احوال پرسی نزد مادرش آمد مادرش او را سرزنش نموده، گفت پسرم چرا میدان جنگ را خالی گذاشتی برو در راه هدف (پاسداری از دین) خود ایستاده‌گی کن و در این باره هیچ ترس و بیمی به خود راه مده، از آن پس حضرت عبدالله ﵁ راهی میدان جنگ شد، حضرت اسماء ﵂ در حالی که نود سال از عمرش گذشته بود دست

به دعا برداشته و گفت پروردگارا! روح مرا قبض مکن تا بدن عبدالله را تکه تکه و خون آلود نبینم؛ دعایش مستجاب گردیده حضرت عبدالله رضی الله عنه به شهادت رسیده جسد پاره پاره وخون آلودش را نزد مادرش آوردند، حضرت اسماء رضی الله عنها خداوند جل جلاله را سپاس گفت چون رسالتی که بر دوش او قرار داشت به نحو احسن به انجام رسانیده بود حضرت اسماء رضی الله عنها پس از شهادت حضرت عبدالله رضی الله عنه بعد از بیست روز وفات نمود.

چه سعادتی است بهترکه به حق دهیم جا ن را

به عـــوض ازوستانیم راحـــت ملک جنا ن را

خواهر عزیز! از غیرت این مادر تعجب مکن وقتی که ایمان قوی باشد سخت‌ترین مصیبت‌ها نزد انسان مانند خوردن عسل شیرین می‌شود، بلی آنها دنیا را مانند پلی می‌دانستند که با گذشتن از آن به منزل خود می‌رسیدند در حین گذشتن از پل اگر خار و خاشاکی به پای ایشان می‌خلید، آنرا تحمل می‌کردند و همچنان یکی از زنان غیور صدر اسلام حضرت خنساء شاعرۀ مسلمان بود که به همراه چهار فرزندش به جهاد رفت، او با سرودن اشعار پر سوز فرزندانش را به جنگ علیه کفار تشویق می‌کرد؛ آنها یکی پس از دیگری در میدان جنگ به شهادت رسیدند او با تقدیم نمودن تمام فرزندانش در راه اسلام شعله‌های آتش درونیش را تسکین داده و احساس آرامش می‌کرد چون وظیفۀ مادری خود را که همانا تربیت فرزندان با ایمان و غیور می‌باشد به انجام رسانیده بود. پروردگارا! به برکت آن شیر زنان سابق شعلۀ دینی را در سینۀ زنان ما مشتعل بساز، آنها را غیرت دینی عطا بفرما؛ آنها را از فریب شیطان صفتان محفوظ بدار ایمان آنها را همچون کوه استوار بساز. آمین

از امومت هست بنیاد جوامع استــــــــوار

از امومت مــی‌رسد ملت به اوج اقــــتدار

ای که می باشی به شفقت مظهر لطف خدا

ای که داری تو مدال افتخار از مصطفیﷺ

ای که نقش مادری را حق به دوش تو نمود

ملت اســـلام دارد از تو مــــحکم تار و پود

حضرت مریم چوبود فرمانبر و هم پاک جَیب

می‌رسید تأیید حقش زان بر دنیای غــیب

آسیه بنگر که بوده زوج فرعون پلید

حق کند تحسین او در لـــوح قرآن مـجید

او به صبر و استقامت مؤمنان را پیشوا

هم به ایمان و دیانت بهر مــــا شد رهنما

در دل تاریک آن تاریـــخ بی نور هـدا

می‌درخشد همچو خورشید فروزان در سما

گفت احمدﷺ جنت آمد زیر پای مادران

حرمت شان واجب آمد بر همه دین پروران

مادری کو مثل زهرا پرورد چندین حسین

این مجاهد پروری بر دوش او باشد چو دَین

هرکجا بینی به عالم شهسوار قهرمان

بی گمان دارد غیوری را ز فیض مادران

زن شاهکار آفرینش

آیا تا به حال پیرامون خلقت انسان فکر کرده اید؟ آیا می‌دانید چرا انسان اشرف مخلوقات است؟ آیا می‌دانید هدف از آفرینش انسان چیست؟ مسلما یکی از شاهکارهای خداوند جل جلاله انسان می‌باشد.

قرآن‌کریم ﴿وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالأُنثَى﴾ [لیل: ۳]

و سوگند به آنکه بیافرید مرد و زن را.

وقتی که خداوند جل جلاله به چیزی سوگند یاد می‌کند، عظمت آنرا به ما تفهیم می‌کند. خداوند جل جلاله در قرآن‌کریم به مخلوقات زیادی سوگند یاد نموده است که از آن جمله شب و روز می‌باشد.

قرآن‌کریم: ﴿وَاللَّيلِ إِذَا يَغشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى﴾ [لیل: ۲-۱]

سوگند به شب وقتی که می‌پوشاند و سوگند به روز وقتی که نور آن منتشر می‌شود.

وقتی که خداوند جل جلاله به شب و روز سوگند یاد می‌نماید، این دو را از عجایب آفرینش خود محسوب می‌دارد تا انسان را نسبت به این دو به تفکر و تدبر وادارد اما وقتی به ذات خود سوگند یاد می‌نماید.

قرآن‌کریم: «وسوگند به آنکه بیافرید مرد و زن را» عظمت بیشتر این دو مخلوق را نسبت به تمام مخلوقات یادآور می‌شود، بین این سوگند و آن سوگند تفاوت زیادی موجود است آنجا تنها به مخلوقش سوگند یاد می‌نماید، اینجا ضمن اینکه قدرت و توانایی خود را به نمایش می‌گذارد، عظمت مرد و زن را نیز نشان می‌دهد مثالی بیاورم تا قضیه روشن‌تر شود مثلا شخصی از کنار ساختمانی می‌گذرد می‌گوید؛ بَه بَه این ساختمان چقدر زیبا ساخته شده است پستر از کنار ساختمان دیگری رد می‌شود، می‌گوید مرحبا و آفرین به معماری

که چنین ساختمانی را ساخت او ضمن اینکه مهارت و استادی معمار را نشان می‌دهد، بهتری و برتری این ساختمان را نسبت به ساختمان قبلی نیز نشان می‌دهد مرد و زن نسبت به مخلوقات دیگر برتری‌های زیادی دارد انسان چه مرد و چه زن آئینۀ ذات خداوند ﷻ است و خلیفۀ او بر روی زمین می‌باشد هدف از آفرینش تمام موجودات انسان و هدف از آفرینش انسان پرستش پروردگار می‌باشد.

قرآن‌کریم: ﴿وَ مَا خَلَقتُ الجِنّ وَالانسَ اِلاّ لیَعبُدُونِ﴾ [ذاریات: ٥٦]

و نیافریدم جن و انس را مگر آنکه مرا پرستش کنند.

خداوند ﷻ با هدیه کردن عقل و روح به انسان او را از تمام موجودات مستثناء گردانیده و او را مخصوص عبادت و پرستش خود قرار داد و شب و روز را در خدمت او قرار داد تا او را وسیلۀ باشد جهت نیل به سعادت ابدی.

تفاوت‌های جسمی و روحی مرد و زن

هر چند اصل آفرینش مرد و زن از یک جنس، یک ماده و یک کارخانه می‌باشد.

قرآن‌کریم:

﴿یَاَیُّهَا النّاسُ اتّقُوا رَبّکُمُ الّذِی خَلَقَکُم مِن نّفسٍ وَاحِدة﴾ [نساء: ١]

ای مردمان بترسید از پروردگار خود آنکه شما را از یک تن آفرید.

اما خداوند ﷻ خلقت ظاهری وباطنی آنها را متفاوت گردانید همان طور که در یک ذرۀ اتم بار مثبت ومنفی را بوجود آورده است.

زن و مرد را نیز با آنکه از لحاظ انسان بودن یکی ولی از نظر جسمی و روحی دو موجود مجزا و تقریبا مخالف هم قرار داد بله حکمتش چنین اقتضا نموده است تا آفرینش انسان نظام بهتری یابد و به عبارت بهتر تا چرخ زندگی انسان بهتر بچرخد، خداوند ﷻ ظاهر مرد را قوی، درشت و نیرومند آفرید و در مقابل ظاهر زن را کوچک، زیبا و لطیف آفرید؛ همچنان مرد را از لحاظ روحی دوراندیش با تفکر و با تحمل آفرید و متقابلا زن را از لحاظ روحی حساس، مهربان و مشفق آفرید و به هر کدام طبق توانایی که در وجود او سرشته است وظیفه داده است مثلا مرد چون نسبت به زن نیرومندتر است خداوند ﷻ کارهای سخت و سنگین را برعهدهٔ او قرار داده است مانند نفقهٔ زن و فرزندان و کارهای بیرون از منزل و زن را به دلیل ظرافت جسمی از کارهای سنگین و نیز کارهای بیرون از منزل معاف نموده است، یعنی در این باره هیچ مسؤلیتی بر دوش او نیست این بدان معنی نیست که زن بیرون از منزل کار نکند مسلما اگر زنی توانایی انجام کار بیرون از منزل را داشته باشد با مشورهٔ خوانواده می‌تواند بیرون از منزل کار نماید در این باره از نظر اسلام برایش هیچ محدودیتی وجود ندارد به شرطی که عفت و پاکدامنی خود را حفظ نماید ببینید که اسلام چه توجه خاصی به زن نموده است و واقعیت‌های جسمی و روحی او را نادیده نگرفته است، مسلما اکثریت زنان به سبب ظرا فت جسمی و نیز به دلیل مسائل بارداری و شیر دهی اولاد توانایی انجام کارهای بیرون از منزل را ندارند، اکثرا کارهای منزل را بیشتر ترجیح می‌دهند اسلام نیز برایشان تخفیف ویژهٔ قائل شده است و این مسؤلیت سنگین را از دوش آنها برداشته است.

ایراد مخالفین وجواب آن

کسانی که مدعی حقوق زن هستند از خصوصیات جسمی و روحی مرد و زن غافل هستند و یا نمی‌خواهند آنرا ببینند برای اسلام ایراد می‌گیرند که چرا اسلام نسبت به زن تبعیض قائل شده است؟ یعنی چرا قانون اسلام مرد را قیم و سرپرست زن قرار داده است و نیز اختیار طلاق را به مرد سپرده است در حالیکه مرد و زن هر دو انسان و مساوی هستند، مسلما آنها با پیروی از خواهشات نفس از نزد خود قانون وضع می‌نمایند و به اصطلاح حقوق و وظائف مرد و زن را مساوی قرار می‌دهند و خصوصیات روحی مرد و زن را نادیده می‌گیرند در حالیکه این ظلمی فاحش می‌باشد که چیزی را بر خلاف طبع آن سوق دهیم می‌دانید چرا خداوندﷻ اختیار طلاق را به مرد سپرده است؛ زیرا تحمل و دور اندیشی را در وجود او سرشته است اگر در مقابل اختیار طلاق را به زن می‌سپرد با توجه به اینکه طبع زن حساس وکم تحمل است، مسلما او با کوچک‌ترین جر و بحثی در خانواده شوهرش را سه طلاقه می‌کرد، پس معلوم است که چه بلایی بر سر مرد، زن، اولاد و خانوادۀ آنها می‌آمد، چگونه نظام خانوادگی آنها به سرعت از هم می‌پاشید همان طوری که بر سر خانواده‌های غربی آمده است چون قانون آنها بر خلاف ظرفیت و توانایی زن به اصطلاح به او حقوق داده است، آیا این در حق زن ظلم نیست که او را بر خلاف طبعش سوق دهیم، بدانید که مرد به خار و زن به گل شباهت دارد اگر از خار بخواهیم که همچون گل لطیف و خوشبو شود واضح است که این کار از عهدۀ خار بر نمی‌آید؛ زیرا طبیعتش کاملا بر خلاف گل است و در مقابل اگر از گل بخواهیم که همچون خار تیز و درشت شود گل هم نمی‌تواند این دستور شما را عملی سازد؛ زیرا هیچگونه شباهتی به خار ندارد و به عبارت بهتر ما باغی داریم پر از درختان میوه دار و گل‌های رنگارنگ اگر ما جهت محافظت از باغ بر سر دیوار

آن به جای خار گل بگذاریم می‌دانیم که چه بلایی بر سر باغ و گل‌های نگهبان می‌آوریم، آیا ما گل را که خودش نیاز مبرمی به حفاظت دارد محافظ قرار دهیم ستمی در حق آن انجام نداده ایم؟ آیا این عدالت است که از گل به جای خار استفاده کنیم؟ آیا احمقانه نیست که از چیزی بر خلاف طبیعتش بهره برداری نماییم؟ پس معلوم گردید که زن توانای انجام وظائف مرد را ندارد، حضرت علی رضی الله عنه می‌فرماید: (زن گل خوشبو است قهرمان نیست) یعنی زن ظرافت جسمی و روحی دارد؛ لذا نمی‌تواند کار مرد را انجام دهد در واقع بسبب تفاوت‌های ذاتی مرد و زن است که قرآن‌کریم می‌فرماید:

﴿وَلِلرِّجَالِ عَلَيهِنَّ دَرَجَةٌ﴾ [بقره: ۲۲۸]

مردان را بر زنان برتری است

و همچنان برای اینکه شخصیت و حیثیت زنان محفوظ بماند خداوند جل جلاله مردان را سرپرست زنان قرار داده است. قرآن‌کریم:

﴿اَلرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللّٰهُ بَعضَهُم عَلى بَعضٍ﴾ [نساء: ٣٤]

مردان قیم و سرپرست زنان می‌باشند بسبب آنکه خداوند بعضی را بر بعضی برتری داده است

یعنی برتری که در خلقت آنها وجود دارد، مسلما جوامعی که قوانین آنها سرپرستی زنان را از عهدهٔ مردان سلب نموده است چه ظلم بزرگی در حق زنان مظلوم انجام داده اندآنها به نام تمدن وآزادی چه بلای بر سر زنان بی دفاع آورده اند؛ زیرا آنها با این عمل خود زنان را به سوی بی بند و باری و بدنامی سوق داده اند اگر به جوامع غربی بنگریم این حالت را به خوبی در ایشان مشاهده می‌کنیم که چه قدر بنیاد خانواده در ایشان سست ومتزلزل گشته است وچه قدر

زنان ایشان آله دست شیادان وهوسبازان قرار گرفته اند ایراد دیگری که دشمنان اسلام می‌گیرند اینست که می‌گویند؛ چرا اسلام سهم ارث زن را به اندازه نصف سهم ارث مرد قرار داده است؟ این بی عدالتی است که اسلام نسبت به زن روا داشته است حقیقتا ما می‌دانیم که سر چشمهٔ قوانین اسلام وحی آسمانی می‌باشد و احکام خداوندﷻ عین حکمت و عدالت می‌باشد که اگر از نگاه اسلام به حقوق زن بنگریم می‌بینیم که اسلام نفقهٔ زن را بر دوش پدر، همسر ویا فرزندش قرار داده است وقتی که نفقهٔ زن بر عهدهٔ مردان خانواده قرار دارد معلوم می‌گردد که زن مانند مرد نیاز به مال ندارد، پس دیگر لزومی ندارد که زن به اندازهٔ مرد ارث ببرد از اینجا روشن گردیدکه قوانین اسلام منصفانه وبه مصلحت مرد و زن می‌باشد خردهٔ دیگر دشمنان این است که می‌گویند چرا اسلام شهادت زن را به اندازهٔ نصف شهادت مرد قرار داده است باید بدانید که این مربوط می‌شود به طبع ظریف وحساس زن وبه عبارت بهتر یکی از عواملی که شهادت زن را به اندازهٔ نصف شهادت مرد قرار می‌دهد همین حساسیت طبع او می‌باشد مثلا اگر شهادتش به ضرر کسی بینجامد ممکن است احساسات بر او غلبه کرده و یا رحمت و شفقتی که در وجود او نهفته است او را وادار به شهادت ناحق نماید عامل دیگری که شهادت او را به نصف می‌رساند فراموشی است که قرآن‌کریم نیز به آن اشاره نموده است:

﴿وَاستَشهِدُوا شَهِيدَينِ مِن رِجَالِكُم فَاِن لَّم يَكُونَا رَجُلَينِ فَرَجُلٌ وَامرَاَتَانِ مِمَّن تَرضَونَ مِنَ الشُّهَدَاءِ اَن تَضِلَّ اِحدَاهُمَا فَتُذَكِّرَاِحدَاهُمَا الاُخرى﴾ [بقره: ۲۸۲]

وگواه گیرید دو شاهد را از مردان خویش پس اگر نباشند دو مرد پس یک مرد و دو زن کفایت است از کسانی که رضامند باشید از گواهان تا اگرفراموش کند یک زن یادآوری کند یکی دیگری را.

این فراموشی که بر طبع زنان غلبه دارد ممکن است به سبب کوچکتر بودن مغزشان نسبت به مردان باشد ویابه سبب گرفتاری ومشغلهٔ که در رابطه با خانواده وفرزندان شان دارند باشد پس روشن گردید که قوانین اسلام بر روی استعدادها وظرفیتها پایه گذاری شده است حکمت وعدالت خداوندﷻ چنین اقتضاء نموده است که زن و مرد را از حیث انسان بودن یکی ولی از لحاظ جسمی و فکری متفاوت آفریده و به هر کدام طبق ظرفیتش وظیفه داده است اگر این قوانین اسلام بر مذاق مدعیان دروغین حقوق زن خوش نمی‌آید باید بدانند که قرآن‌کریم همیشه کسانی را که از روی عناد ولجاجت در مقابل احکام و قوانینش قد علم نمایند به مبارزه طلبیده و از آنها جهت صحت ادعای شان حجت و دلیل می‌خواهد.

قرآن‌کریم: ﴿تِلۡكَ أَمَانِيُّهُمۡ قُلۡ هَاتُواْ بُرۡهَٰنَكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ﴾ این آرزوهای (باطله) ایشان است بگو حجت و دلیل خود را بیاورید اگر راستگو هستید.

فکر کوتاه بشر را قابل مقیاس نیـست

با قـــوانین خـــداوند حکیـم کــاردان

ای بشر داری تو اکنون ادعای عقل وهوش

مرتو را چیزی نبخشد عـقل وهوشت جز زبان

بهتر آن باشد لجام دین به گردن افگنی

سوی گمراهی شتابد اســب بگسسته عنان

حقیقت زن

زن از نگاه اسلام موجودی است پاک، خوب، مکمل و مایۀ آرامش مرد خلقتش یکی از شاهکارهای خداوندﷻ می‌باشد که اگر روی اخلاق آن سرمایه گذاری دینی شود و به عبارت بهتر اگر تربیت دینی یابد مسلما به قله‌های بلند صعود خواهد کرد ولی اگر تربیت دینی نیابد استعداد فاسد شدن را دارد در حقیقت زن همچون میوۀ انگور است که تا وقتی که بر طبیعت اصلی خود باشد، یکی از میوه‌های خوب و مفید محسوب می‌گردد؛ اما وقتی آبش را می‌فشرند و طبیعتش را به طرق خاصی دگرگون ساخته و از آن شراب می‌سازند نه تنها فاسد، بلکه فاسد کننده نیز می‌شود؛ یعنی هم خود آن پلید می‌شود و هم کسی را که از آن استفاده نماید پلید می‌سازد، به این علت که طبیعت سالم و مفید خود را از دست داده است؛ پس زن هم اگر بر فطرت اصلی خود باشد و در زیر چتر دین پرورش یابد، مسلماً یکی از بهترین آفریده‌های خداوندﷻ بوده و مظهر عطوفت و رحمت می‌باشد، اما اگر خدای ناکرده از فطرت پاک خود منحرف شود نه تنها فاسد، بلکه فاسد کننده نیز می‌شود؛ یعنی می‌تواند به واسطۀ فساد خود جامعه را به فساد و تباهی بکشاند.

رسول اکرمﷺ فرمودند: «زنان دام‌های شیطان هستند»؛ یعنی زنان منحرف وسیلۀ گمراه کننده در دست شیطان هستند.

در واقع شیطان از هیچ وسیلۀ به اندازۀ زن استفاده نکرده است علتش هم این است که خداوندﷻ ظرافت و جذابیت خاصی در وجودش به ودیعت نهاده است به این سبب شیطان به عنوان بهترین وسیله از وجود او استفاده نموده تا بتواند جامعه را به فساد وگمراهی سوق دهد.

اگر تو دام شیطانی برون از راه انسانی

و گر پاکیزه دامانی بدان مرآت رحمانی

مسلماً هیچ چیزی به اندازۀ دین از زن حمایت و حفاظت نمی‌کند، زیرا دین روی اخلاق و معنویات زن سرمایه گذاری می‌کند؛ در نتیجه شخصیت و انسانیت او محفوظ می‌ماند، دین پاکی و عفت زن را تضمین نموده وسعادت او را بیمه می‌کند ولی جوامع منحرف وگریزان از فطرت چون روی ظاهر ومادیاتش سرمایه گذاری می‌کنند در نتیجه نمی‌توانند سعادتش را بیمه نمایند؛ زیرا معنویت و درون سازی بهتر و بالاتر از مادیت و بیرون سازی می‌باشد مثلا اگر عمارتی بر پایه‌های مستحکم بنا شده باشد، اگر نقش و نگار و رنگ کاری ظاهری نداشته باشد مسلماً ضرری برای آن ندارد ولی اگر آن عمارت برپایه‌های سست و بدون فنون مهندسی بنا شده باشد، مسلماً نقش و نگار ظاهری آن هیچ سودی ندارد و هر آن احتمال فروپاشی آن می‌رود، پس معلوم گردید که فکر سست و متزلزل بشر نمی‌تواند قوانین جامع و مستحکم بنا نماید.

کرامت وشرافت زن در اسلام

حقیقتاً از دیدگاه قرآن‌کریم زن و مرد از یک جنس و انسان هستند؛ قرآن‌کریم از نظر فکر و اندیشه زن را نیز مانند مرد یک موجود مستقل، مسؤل، مکلف، مخاطب، مستحق ثواب و عقاب می‌داند، پس روشن می‌شود که افکار زن پیرو افکار مرد نیست اگر چنین بود قرآن‌کریم هیچگاه زنان را بطور جداگانه یاد نمی‌کرد و یا آنها را مورد خطاب قرار نمی‌داد و یا رسول اکرمﷺ از آنها بطور مستقل بیعت نمی‌گرفت به سبب همین استقلال زن است که قرآن‌کریم بطور جداگانه از خصوصیات و معنویات مردان و زنان مسلمان خبر می‌دهد: ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ

وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالخَاشِعِينَ وَالخَاشِعَاتِ وَالمُتَصَدِّقِينَ وَالمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالحَافِظِينَ فُرُوجهُم وَالحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ اَعَدَّ اللّهُ لَهُم مَغفِرَةً وَاَجرًا عَظِيمًا﴾ [احزاب: ۳۵]

به راستی مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان باور دارنده و زنان باور دارنده و مردان اطاعت کننده و زنان اطاعت کننده و مردان راستگو و زنان راستگو و مردان صبر کننده و زنان صبر کننده و مردان فروتن و زنان فروتن و مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و مردان روزه دار و زنان روزه دار و مردان محافظت کننده اندام‌های نهانی خود را و زنان محافظت کننده و مردان یاد کننده خداوند را به بسیاری و زنان یاد کننده آماده کرده است خداوند جل جلاله برای ایشان آمرزش و مزد بزرگ ـ همان طوری که در این آیهٔ مبارکه مشاهده می‌کنیم قرآن‌کریم خصوصیات عالی مردان و زنان خوب و شایسته را بطور جداگانه یاد می‌نماید، ولی پاداش و ثواب آنها را یکجا ذکر می‌کند این بدان معنی است که زنان و مردان خوب بدون هیچ تبعیض و استثناء و بطور مساوی در مقابل انجام عمل شایسته پاداش و ثواب دریافت می‌کنند بر خلاف کار فرمایان هنگامی که زنان و مردان را جهت کار استخدام می‌نمایند مزد کاری مرد را چون از نظر قوهٔ جسمانی قوی‌تر است نسبت به زن همکارش بیشتر می‌دهند بدون شک یکی از مزایای که اسلام به زنان بخشیده است این است که نه تنها پاداش و ثواب آنها با مردان مساوی است، بلکه آنها در مقابل اعمال شایستهٔ که مردان انجام می‌دهند نیز پاداش و ثواب دریافت می‌کنند حضرت اسماء دختر یزید انصاری رضی الله عنها در خدمت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم حاضر شده عرض کرد یارسول الله صلی الله علیه وسلم پدر و مادرم فدایت شوند من از طرف زنان مسلمان به عنوان

قاصد به خدمت شما مشرف شده‌ام، در این شکی نیست که خداوندﷻ شما را به طرف زنان و مردان مبعوث ساخته است ما هم به خداوندﷻ و رسول گرامیش ایمان آورده ایم، اما ما زنان در خانه‌ها زندگی می‌کنیم و در آنجا نیازهای مردان را برآورده می‌سازیم، فرزندان آنها را پرورش می‌دهیم با این حال مردان در بسیاری از کارها از جهت ثواب از ما سبقت می‌گیرند، آنها در نمازهای جمعه و جماعت شرکت می‌کنند و به نماز جنازه می‌روند عیادت بیماران می‌کنند، بطور مکرر حج می‌کنند و بالاتر از این همه جهاد می‌کنند زمانی که آنها برای حج و یا عمره یا جهاد بیرون می‌روند ما زنان از اموال آنها حفاظت می‌کنیم حتی برای آنها پارچه می‌بافیم، آیا ما در ثواب با آنها شریک نیستیم؟ آن‌حضرتﷺ این مطالب را شنیده به طرف صحابۀ کرام رضی الله عنهم متوجه شده فرموند: «آیا شما در بارۀ دین از این زن سؤال کنندۀ بهتری دیده اید؟» سپس آن‌حضرتﷺ به طرف حضرت اسماء رضی الله عنها متوجه شده فرمودند: «با توجه کامل گوش کن و بفهم وبه آن زنانی که ترا فرستاده اند، بگو اگر زن با شوهر خود به نیکی رفتار کند و بر طبق رضای او عمل کند در ثواب همۀ اموری که نام بردی با مرد برابر است» حضرت اسماء رضی الله عنها این جواب را شنیده با نهایت خوشحالی برگشت. (اسد الغابه).

بطور مسلم مرد هیچ فضیلت و برتری معنوی بر زن ندارد در واقع معیار برتری به نزد خداوندﷻ ایمان، تقوا و عمل صالح می‌باشد نه جنسیت و یا نژاد و قومیت.

قرآن‌کریم ﴿يَاَيُّهَا النَّاسُ اِنَّا خَلَقنَاكُم مِن ذَكَرٍ وَّاُنثَى وَجَعَلنَاكُم شُعُوبًا وَّ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا اِنَّ اَكرَمَكُم عِندَاللّٰهِ اَتقَاكُم اِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ [حجرات: ۱۳]

ای مردم به راستی آفریدیم شما را از یک مرد و یک زن و ساختیم شما را جماعت‌ها و قبیله‌ها تا همدیگر را بشناسید به راستی گرامی‌ترین شما نزد خداوندﷻ پرهیزگارترین شماست به راستی خداوند دانای خبردار است.

با وجود این حجت قاطع آیۀ قرآنی باز هم کسانی هستند که از فرق تا قدم در لجن زار جاهلیت غرق اند، به خود جرأت داده نسبت به زن توهین نموده او را موجودی پست و حقیر می‌شمارند تا با این بهانه حقوق مادی و معنوی او را پایمال خواسته‌های نفسانی خود بنمایند که بدون شک هیچ کسی نمی‌تواند با افکار جاهلانۀ خود مقام ارجمندی را که اسلام به زن بخشیده است از او بگیرد جای دیگری قرآن‌کریم می‌فرماید: ﴿فَاستَجَابَ لَهُم رَبّهُم اَنّی لاَ اُضِیعُ عَمل عَامِلٍ مِّنکُم مِن ذَکَرٍ اَو اُنثَی بَعضُکُم مِن بَعضٍ﴾ [آل عمران: ١٩٥]

پس قبول کرد دعای ایشان را پروردگار ایشان به راستی من ضایع نمی‌سازم عمل هیچ عمل کننده از شما از مرد یا زن بعضی از شما از جنس بعض اند وهمچنا ن قرآن‌کریم در آیات دیگری مردان و زنان مؤمن را به طور جداگانه یاد نموده و آنها را ستوده است. ﴿وَالمُؤمِنُونَ وَالمُؤمِنَاتِ بَعضهُم اَولِیَاءَ بَعض یَأمُرُونَ بِالمَعرُوفِ وَیَنهُونَ عَنِ المُنکَرِ وَیُقِیمُونَ الصّلوةَ وَیُؤتُونَ الزّکَوةَ وَیُطِیعُونَ اللّهَ وَرَسُولَهُ اُولَئِک سَیَرحَمَهُمُ اللّهُ اِنّ اللّهَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ وَعَدَ اللّهُ المُؤمِنِینَ وَالمُؤمِنَاتِ جَنّاتٌ تَجرِی مِن تَحتِهَا الاَنهَار خَالِدِینَ فِیهَا وَمَسَاکِنُ طَیّبَةٍ فِی جَنّاتِ عَدنٍ وَرِضوَانٌ مِّنَ اللّهِ اَکبَرُ ذَالِک هُوَ الفَوزُ العَظِیمِ﴾ [توبه: ٧٢ـ٧١]

و مردان مسلمان و زنان مسلمان بعضی ایشان دوستان بعضی اند می‌فرمایند به کار پسندیده و منع می کنند از کار ناپسندیده و بر پا می‌دارند نماز را و می‌دهند زکات را و فرمان برداری می کنند خدا و رسول او را این جماعه رحم خواهدکرد بر ایشان خدا به درستی که خدا غالب درستکار است وعده کرده است خدا مردان مسلمان و زنان مسلمان را بوستان‌ها که می‌رود؛ زیر آن جوی‌ها همیشه باشندگان آنجا وجای‌های پاکیزه در بهشت‌های همیشه ماندن و خوشنودی خدا بزرگ‌تر است از همه این است پیروزی بزرگ ـ یعنی ضمن اینکه مردان و زنان مؤمن پایبند عبادات جانی و مالی هستند رسالت بزرگ تبلیغ دین را نیز انجام می‌دهند یعنی مردم را به کارهای خوب امر و از کارهای بد منع می‌نمایند در حقیقت امر به معروف ونهی از منکر از ارکان اساسی دین اسلام به شمار می‌رود که بطور مسلم رسالت تمام پیامبران عليهم السلام بر اساس آن پایه ریزی شده است پس معلوم می‌شود همان گونه که مأموریت تبلیغ دین برعهدهٔ مردان نهاده شده است بطور مساوی بر عهدهٔ زنان نیز نهاده شده است که این نشانهٔ شخصیت والای زن در اسلام می‌باشد و همچنان قرآن‌کریم در آیهٔ دوم بدون هیچ تبعیضی مردان و زنان مؤمن را در مقابل انجام این اعمال خوب وعدهٔ ثواب و پاداش بزرگ می‌دهد وهمچنان قرآن‌کریم مقام زن را از این هم بالاتر برده دو تن از زنان خوب وشایسته را معرفی نموده ضمن ستایش آنها از همهٔ مسلمانان اعم از زن ومرد می‌خواهد تا آنها را در استقامت وپایداری در راه دین وعقیده الگو و سر مشق خود قرار دهند که یکی حضرت مریم رضي الله عنها مادر حضرت عیسی عليه السلام است که در ایمان، فرمانبرداری و پاکدامنی یک انسان عالی ویک اُسوهٔ کامله بود، دیگری حضرت آسیه رضي الله عنها همسر فرعون بود او با اینکه در محیطی کاملا فاسد و با همسری چون فرعون که دعوای خدایی می‌نمود و صاحب زر و زور زیادی بود زندگی می کرد بازهم ایمان و دیانت خود را حفظ نمود

نه زر و سیم و زندگی پر زرق و برق و تجمل آمیز فرعون توانست او را از ایمانش منصرف سازد و نه زورش توانست او را از ایمانش بازدارد در حالیکه حفظ دین در چنین شرایطی خیلی سخت و غیر قابل تحمل می‌باشد تمام این موانع نتوانست سد راه او در راه دین گردد، خوشا بحال چنین زنانی که خداوندﷻ آنها را سرمشق برای مؤمنان قرار داده است.

قرآن‌کریم: ﴿وَضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلاً لِلَّذِينَ آمَنُوا امرَأَةَ فِرعَونَ اِذ قَالَت رَبِّ ابنِ لِي عِندَكَ بَيتًا فِي الجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِن فِرعَونَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ القَومِ الظَّالِمِينَ وَ مَريَمَ ابنَتَ عِمرَانَ الَّتِي اَحصَنَت فَرجَهَا فَنَفَخنَا فِيهِ مِن روحِنَا وَصَدَّقَت بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِ وَكَانَت مِنَ القَانِتِينَ﴾ [تحریم: ۱۲]

پدید آورد خداوند داستانی را برای آنانکه ایمان آوردند زن فرعون را چون گفت ای پروردگار من بنا کن برایم نزدیک خود خانهٔ در بهشت ونجات ده مرا از فرعون و کار او و نجات ده مرا از گروه ستمکاران و مریم دختر عمران را که حفظ کرد اندام نهانی خود را پس دمیدیم در او روح خود را وباور داشت سخنان پروردگار خود را و کتاب‌های او را و بوداز فرمانبردارند گان ـ توضیح اینکه قرآن کریم نه تنها این دو بانوی بزرگوار را برای زنان مسلمان بلکه برای عموم مسلمانان به شمول مردان وزنان الگو و نمونه قرار داده است تا استقامت وپایداری در راه دین را از آنها بیاموزند در جای جای از قرآن‌کریم ازین دو زن پاک سرشت تعریف وتمجید شده است؛ رسول اکرمﷺ نیز در بارهٔ آنها فرمودند: «بسیاری از مردان کامل شدند و از زنان کامل نشد مگر سه کس آسیه دختر مزاحم، مریم دختر عمران و فاطمه دختر محمدﷺ». یعنی از میان زنان امم گذشته بجز حضرت مریم رضي الله عنها و حضرت آسیه رضي الله عنها و از میان زنان این امت

بجز حضرت فاطمه صدیقه رضي الله عنها کسی به درجهٔ کمال ایمان راه نیافته است تنها این سه تن بودند که به قله‌های بلند کمالات معنوی دست یافته بودند روشن است که این حدیث در بارهٔ زنان گذشته می‌باشد که بدو ن تردید کمال زن را در میان زنان این امت در آینده نفی نمی‌کند؛ یعنی زنان این امت نیز می‌توانند با پیروی کامل از قرآن‌کریم و سنت پیامبر صلى الله عليه وسلم به درجهٔ کمال ایمان نائل آیند چنانچه رسول اکرم صلى الله عليه وسلم فرمودند: «برتری عایشه بر سایر زنان مانند برتری شوربا است بر دیگر طعام‌ها».

یک زن صالحه بود بهتر

زهزار مرد خوب و دین پرور

زن شایسته نیست از دنیا

زآخرت هست گفت پیغمبر

گوش کن گفتهٔ حکیمان را

میوهٔ باغ تان بود دختر

میوه را بس عزیز داریدش

تا کند کام خشک تان را تر

زن گرامیست نزد پیغمبر

پس گرامی بدارش ای همسر

بس عزیزش بدا رازد ل وجان

گرچه کمیاب هست این گوهر

دختر پاک‌دین بسی‌خوب است

خوبتر گردد او چو شد مادر

مادر است آیتی زلطف خدا

مادر است شاهکاری ازداور

جنت ما به زیر پای توست

خانهٔ ما ز روی تــــو انـــور

شد وجودت خمیر مایهٔ ما

چون نگینی میان انگشتر

شیر پاکت غذای جان ماست

طفل ما پروری چو نیلوفر

روی زردت نشان مهنت‌هاست

که کشیدی ز بهرم ای مادر

حق نگــه داردت زهر عصیان

دست حق باشدت تو را یاور

ای که هستی تو فخر پیغمبر

مگزین بر رهش رهی دیگر

زینت زن حجاب و ایمان است

بــر زنان نیست به ازین زیور

زینــت او به عفت و پا کیست

نـیست خوبی زن به سیم و زر

تا خبرگردی از حجاب و عفاف

سورهٔ نـور خوان تو ای خواهر

اُسوهٔ بانوان بود زهرا
یار و غمخوار و مونس حیدر
بهترین زنان عالم اوست
آسمان رسولﷺ را اختر
نور چشم و چراغ خانهٔ او
گل بی خار باغ آن سرور
آنکه شأن رفیع میخواهد
برود راه بانوی اطهر
بود مریم چو پاک جیب‌وعفیف
شد به فرق جهانیان افسر
زن فرعون چو راه حق بگزید
شد مقامش زعرش بالاتر
بُد خدیجه چو مسلم اول
گشت از جملهٔ زنان بهتر
عایشه مجتهدهٔ امت
مدح او کی شود به صد دفتر
حفظ ناموس ملت است عفاف
چتر عفت به فرق خود گستر
شد صلاحت صلاح این امت
ملت خود مکن تو بد منظر

هـان مشو منحرف ز راه حق

تانگردی فضیحت محشر

آنکه با اجنبی در آمیزد

کی خورد آب چشمهٔ کو ثر

در دو گیتی ذلیل وبد نام است

آنکه بگزید غرب را رهبر

حـیف باشد که دخــتر مــلت

بـرود راه غــربـــی کـــافر

دانـش آموز ولیک ای خواهر

از عفاف و حجاب خود مگذر

غرب با این تمدن و صـــنعت

کرد گـوش جــهانیان را کر

زن اوچون اسیر و در بند است

درلـجن زار فسق برده سر

زن غربی به بند طاغوت است

بـیخبر از فسون افسونگر

او اسـیر است وزان بود بد تر

کو ندارد اسیـــریش بـــاور

کی شود بر نـجات خود کوشا

چون گل غـیرتش شده پرپر

لعب ساز محافل و بازار

بت بی روح درکـــف آذر

بی شعور همچو کودک کودن

بـی تحرک چومرده بر بستر

نـامش آزادی و تمدن کرد

ایـن سـیه روز او بیا بنگر

خویش را با صفا چو آتش دید

شعله اش سوخت و ماند خاکستر

زانـکه بی عزم بود و بی همت

خوار گشت و ذلیل و هم ابـتر

زین تمدن نــدید او سودی

چـون کتابیست بار پشت خر

بیعت در اسلام

یکی از امور بسیار مهم و اساسی که رسول اکرمﷺ به فرمان خداوندﻷ انجام داده اند، بیعت گرفتن از مردان و زنان مسلمان بود بیعت عبارت از یک پیمان و معاهدۀ دینی بود که رسول اکرمﷺ با مسلمانان می‌بستند تا وظایفی را که اسلام بر عهدۀ مرد وزن مسلمان نهاده است بیشتر به آنها معرفی و روی آن تأکید نماید و از آنها می‌خواست تا حد توان به آن عمل نمایند، اینجا تنها از بیعت رسول اکرمﷺ با زنان مسلمان یاد می‌شود.

قرآن‌کریم: ﴿يَاَيُّهَا النَّبِىُّ اِذَا جَاءَكَ المُؤمِنَاتُ يُبَايِعنَكَ عَلَى اَن لاَيُشرِكنَ بِاللّهِ شَيئًا وَلاَيَسرِقنَ وَلاَ يَزنِينَ وَلاَ يَقتُلنَ اَولاَدَهُنّ وَلاَ يَأتِينَ بِبُهتَانٍ يَفتَرِينَهُ بَينَ اَيدِيَهِنّ وَاَرجُلِهِنّ وَلاَيَعصِينَكَ فِى مَعرُوفٍ فَبَايِعهُنّ وَاستَغفِر لَهُنّ اللّهَ اِنّ اللّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [ممتحنه: ۱۲]

ای پیامبر! چون بیایند نزدیک تو زنان مسلمان که بیعت کنند با تو به این شرط که شریک مقرر نکنند با خداوند چیزی را ودزدی نکنند وزنا نکنند ونکشند اولاد خود را وپیش نیارند سخن دروغ که بر بسته باشند آنرا در میان دست‌های خویش ودرمیان پاهای خویش ونافرمانی نکنند ترا در کار نیک پس بیعت قبول کن از ایشان وطلب آمرزش کن برای ایشان از خداوند بدرستی که خداوند آمرزگار مهربان است.

از مضمون این آیۀ مکرمه معلوم می‌گردد که مهم‌ترین مفاد این معاهده بطور خلاصه شش ماده است اول اینکه هیچ چیزی را به خداوندﻷ شریک نسازند که به طور مسلم اقرار و تصدیق به نبوت ومعاد اجزاء جدائی ناپذیر آن محسوب می‌گردد دوم اینکه دزدی نکنند نه مال مردم و نه مال شوهران خود را سوم اینکه زنا نکنند یعنی دامن خودرا به حرام آلوده نسازند چهارم اینکه اولاد

خود را نکشند تفسیرش این است که در عصر جاهلیت کشتن دختران تازه تولد شده یک امر معمول بود که از این عمل زشت نهی شده ویا اگر احیانا از حرام باردار باشند به قصد سرپوش گذاشتن بر عمل شرم آور خود اقدام به سقط جنین ننمایند و یا بعد از تولد طفل متولد شده را نابود نسازند، پنجم تهمتی نیاورند که آنرا از نزد خود درست کرده باشند یعنی فرزندی که از حرام زاده باشند آن را به دروغ به شوهران خود نسبت ندهند تا تحت کفالت شوهر شان پرورش یافته ودر نهایت هم سهمی از میراث شوهر شان به آن فرزند حرام زاده تعلق گیرد که این گناهی است بالای گناه دیگر ششم اینکه در کارهای نیک وپسندیده نافرمانی رسول اکرمﷺ را نکنند که این ماده شامل تمام دستورهای دینی است که خداوندﷻ توسط پیامبرشﷺ به مردم ابلاغ نموده است وقتی که زنان مسلمان شروط این بیعت را قبول نموده وتا حد توان سعی نمایند نسبت به آن وفادار باشند بطور مسلم از جانب خداوندﷻ پاداش دریافت می‌نمایند در پایان خداوندﷻ به پیامبرشﷺ دستور می‌دهد که برای این زنان بیعت کننده از خداوندﷻ آمرزش بخواهد که خداوندﷻ بسیار بخشاینده و مهربان است که در نتیجه سعادت ابدی و بهشت جاودانی را به دست خواهند آورد برای کسانی این تصور پیش نیاید که بیعت زنان با رسول اکرمﷺ مربوط به زمان حیات آن‌حضرت بوده شامل عصرهای آینده نمی‌شود و همچنان افسوس خورند که چون ما در آن زمان نبودیم بنابرین از بیعت نمودن با آن‌حضرت محروم شده‌ایم که مسلماً این تصور اشتباه محض می‌باشد برای اینکه هیچ فرقی بین عصر حیات رسول اکرمﷺ و هزاران سال بعد وجود ندارد.

قرآن‌کریم: ﴿وَ مَا اَرسَلنَاکَ اِلاّ کَافّةً لِلنّاسِ﴾

و نفرستادیم تو را مگربرای تمام مردم.

بطور مسلم همه می‌دانند که احکام قرآن‌کریم شامل تمام قرون و اعصار تا قیام قیامت می‌گردد پس روشن گردید که اگر درین عصر ویا عصرهای آینده نیز زنان مسلمان همت به خرج دهند بطور غایبانه با رسول اکرمﷺ برای اجرای قوانین اسلام بیعت نمایند استغفار رسول اکرمﷺ شامل حال آنها نیز می‌شود که نتیجهٔ آن مغفرت وبخشایش خداوندﷻ و دخول جنت خواهد بود چه سعادتی ازین بهتر و چه کرامتی ازین بالاتر؛

باتوای سردار عالم جمله بیعت می‌کنیم

از همه دستورهای تو اطاعت می‌کنیم

گرچه هستیم غایبات قرن پر انـوار تــو

پیروی از عصرپربار رسالت می‌کنیم

عهد می بندیم باتو از سر صدق و وفا

خالق یکتای عالم را عبادت میکنیم

نی کشیم اولاد خودرا نی خوریم مال حرام

هم زبان خود بری از زخم تهمت میکنیم

پس زانواع فواحش دور چون عنقا شویم

خویش را مستور در جلباب عفت میکنیم

با علو همت وتوفیق وگـــــام استـــــوار

همچو مردان در ره دین استقامت میکنیم

ره نوردیم بعد ازین اندر صراط مستقیـــم

خویشتن را دور از رسم جهالت میکنیم

گر گناهی رفت بر ما از سر جهل وخطـا

عاجزانه از تودر خواست شفاعت میکنیم

از تواستغفار خواهیم از خدا هــم مغفرت

با چنین عهد از خدا امید جنت میکنیـم

هشداربه زن مسلمان

خواهرعزیز! از خواب غفلت بیدار شو و بدان که کشور ما به طور وسیعی مورد تهاجم فرهنگی مخصوصا از جانب غرب قرار گرفته است گرچه در تمام ادوار و زمانه‌ها دشمنان اسلام علیه اسلام تبلیغات سوء به راه می‌انداختند، اما به اندازهٔ امروز کاری از پیش نمی‌بردند امروزه آنها انواع واقسام وسائل تبلیغاتی را در اختیار دارند و از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند تا با این تهاجم فرهنگی فرهنگ دینی و آسمانی ما را پایمال نمایند و مردم ما را مخصوصا زنان و دختران ما را از فرهنگ اصیل شان بیگانه ساخته و آنها را مغرور وشیفتهٔ فرهنگ بیمار خود بگردانند پس خواهرم کمی به عقب بر گرد و نگاهی به گذشتهٔ تاریک خود در عصر جاهلیت بکن عصری که موقعیت اجتماعی تو در درجهٔ صفر قرار داشت تا حدی که مردمان درنده خوی آن عصر انسانیت را از تو سلب کرده و همان طوری که از حیوانات استفاده می‌نمودند از تو استفاده می‌کردند وحتی تو را زنده به گور می‌نمودند و در آن موقع فریاد داد خواهی تو در گلویت خفه می‌شد و چشم‌های مظلومت به امید یک نجات دهنده به هر جانبی دور می‌زد پس ناگهان اسلام با نسیم بهاریش آمده گیاه پژمردهٔ تو را به گلی شاداب مبدل ساخته و تو را از پست‌ترین درجهٔ اجتماعی واخلاقی به بلندترین درجهٔ انسانی و اخلاقی که همان عبودیت پروردگار می‌باشد ارتقاء داده است.

قرآن‌کریم: ﴿وَمَاخَلَقتُ الجِنّ وَالاِنسَ اِلاّ لِیَعبُدُونِ﴾ [ذاریات: ٥٦]

و من پیدا نکردم جن و انس را مگر اینکه مرا پرستش کنند.

﴿وَمَن يَعمَل مِنَ الصَّالِحَاتِ مِن ذَكَرٍ أَوَ أُنثَى وَهُوَ مُؤمِنٌ فَأُولئِكَ يَدخُلُونَ الجَنَّةَ وَلاَ يُظلَمُونَ نَقِيرًا﴾ [نساء: ۱۲٤]

و هر که بکند از کارهای شایسته مرد باشد یا زن و او مسلمان باشد پس آن جماعت در آیند به بهشت و ستم کرده نشوند مقدار نقیری.

وهمچنان اسلام با ظهور خود خط بطلان بر تبعیض جنسیت کشیده است تنها معیار برتری را تقوا و پرهیزگاری می‌داند.

قرآن‌کریم: ﴿إِنَّ اَكرَمَكُم عِندَاللّهِ اَتقَاكُم﴾ [حجرات: ۱۳]

بدرستی که گرامی‌ترین شما نزد خداوند پرهیزگارترین شماست. یعنی هیچ امتیاز معنوی مرد را بر زن نیست مگر به پرهیزگاری مسلماً این اسلام بود که تو را از پایین‌ترین موقعیت اجتماعی وحقوقی به اعلی‌ترین سطح آن بالا برده است مخصوصا به مقام مادری تو توجه و احترام خاصی مبذول داشته است رسول اکرمﷺ فرمودند: «بهشت زیر پای مادران است» یعنی بهشت در خدمت و احترام مادران حاصل می‌شود ونیز به مقام همسری تو اهمیت ویژهٔ قائل شده است.

قرآن‌کریم: ﴿وَالطَّيبَاتُ لِلطَّيبِينَ وَالطَّيبُونَ لِلطَّيبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُم مَغفِرَةٌ وَرِزقٌ كَرِيمٌ﴾ [نور: ۲٦]

و زنان پاک لایق اند به مردان پاک و مردان پاک لایق اند به زنان پاک این جماعت بری اند از آنچه مردم می‌گویند ایشان راست آمرزش وروزی نیک.

و همچنان حقوق تو را هم طراز با حقوق شوهر قرار داده است.

قرآن‌کریم: ﴿وَلَهُنَّ مِثلُ الَّذِى عَلَيهِنَّ بِالمَعرُوفِ﴾ [بقره: ۲۲۸]

و همان طورکه مردان را بر زنان حق است زنان رانیز بر مردان حق است.

و نیز رفتار نیک را نسبت به تو توصیه نموده است.

قرآن‌کریم: ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالمَعرُوفِ﴾ [نساء: ۱۹]

و زندگانی کنید با زنان به وجه پسندیده.

و نیز محبت خاصی نسبت به تو ملحوظ داشته است دوستی تو را قرین دوستی نماز که یکی از پنج بنای مهم اسلام است یاد نموده است رسول اکرمﷺ فرمودند: «محبوب ودوست داشته شد مرا خوشبوی وزنان وخنکی ونور چشمانم در نماز است». پس خواهرم در مقابل این همه نعمت که اسلام به تو ارزانی داشته است از تو چه می‌خواهد؟ از تو می‌خواهد که عفت و نجابت خود را حفظ نمایی از تو می‌خواهد که اخلاق پاک و همت عالی داشته باشی تا بار دیگر به گودالی که دیو صفتان جاهلیت جدید برای تو کنده اند نیفتی خواهرم به هوش باش که اگر دیروز از چنگال شوم جاهلیت قدیم نجات دهندۀ تو اسلام بود امروز هم از دام جاهلیت جدید که به مراتب خطرناکتر از جاهلیت قدیم است حافظ و نجات دهندۀ تو اسلام می‌باشد جاهلیتی که با انواع تبلیغات گمراه کننده به میدان آمده است تا تحت نام آزادی و پیشرفت تو را به دام اندازد مرغ زیرک با دیدن دانه‌های خوشمزه وخوش رنگ متوجه دام شده از چیدن آن دانه‌ها خود داری می‌نماید تا در عوض جان خویش را نجات دهد.

مـــــرغ زیـــرک چـــو دانهٔ بیند

عزم آرد که دانه راچینـــــــــــــد

عقل هشـــــدار می دهد او را

که مرو پیش دانه بـــــــی پروا

سوی دانه مرو که صددام است

مـر ترا سوی مرگ فرجام است

دام گستــــــرده اند ای خواهر

هــان مروسوی دام شان خود سر

این تمدن مبین که حیوانیســـــت

روی عمران آن به ویرانیســــت

دمبدم بهر تو نواز د ســـــاز

پــــس بسازش تو بر مکش آواز

زیــــــر نـــــــام رفاه وآزادی

بـــــهرصید ت نشسته صیادی

مـــــــرتورااوبــــه دام اندازد

اژدهایت بـــــه کـــــام انـــــدازد

خـال اژدر مبین تو زهرش بین

همدم او مشـــــو که دارد کین

لقمهٔ را که زهر آلود است

بر مدارش که این تورا سود است

حکم قرآن تو گوش کن خواهر

چتــر عفت به فرق خود گستر

گـــــــــوهرجان خودنما پنهان

زیــــــــــــرچتردیانت و ایمان

سنـــــــــــــگرتوعفاف میباشد

مــــــرتــو رااین کفاف میباشد

عــفت تــوســـت زینت جانت

هـــمــت تــونـــــشان ایمانت

زن و تحصیل علم و دانش

مسلما هیچ دینی به اندازۀ اسلام پیروانش را تشویق به دانش اندوزی نمی‌کند حضرت محمدﷺ فرمودند: «ازگهواره تاگوردانش بجویید» اسلام نه تنها زن مسلمان را تشویق به دانش اندوزی نموده بلکه تحصیل علم و دانش را یکی از اهم واجبات او قرار داده است. رسول اکرمﷺ فرمودند: «طلب علم بر هر مسلمان فرض است» اسلام با ظهور خود آزادی میدان به زن بخشیده وفکر واندیشۀ او را بال وپر داده تا بتواند به قله‌های بلند علمی نایل آید به این سبب زنان دانشمند وبزرگی در عرصه‌های علمی ظهور کرده اند که تاریخ به آنها افتخار می‌کند که سر آمد آنها زنا ن پاک خاندان رسول اکرمﷺ و زنان صحابه بودند که همۀ شان خادمان دین وناشران معارف اسلامی بودند که بخش بزرگی از دین به وسیلۀ آنها منتشر شد که از جمله مشهورترین آنها حضرت عایشه صدیقه رضی الله عنها وحضرت ام سلمه رضی الله عنها بودند که جایگاه خاصی در نشر معارف دینی داشتند رسول اکرمﷺ فرمودند: «دو سوم دین خود را از عایشه بیاموزید» توضیح اینکه از سه بخش دین دوبخش آنرا فراگیرید پس روشن گردید که

بخش اعظم دین اسلام با توجه به گسترده گی که در احکام دارد می‌تواند در حافظهٔ زن بگنجد که این نشانهٔ استعداد وظرفیت بالای زن در کسب معارف علمی و اسلامی می‌باشد حتما می‌دانید که یکی از تبلیغات سوء که دشمنان علیه اسلام براه انداختند این است که می‌گویند اسلام عامل عقب ماندگی مسلمانان مخصوصا زنان می‌باشد متأسفا نه آنها جامعهٔ عقب ماندهٔ مارا به گردن اسلام می‌اندازند و زنان به برده گی کشیده و محروم از علم ودانش ما را به گردن اسلام می‌اندازند در حالی که این ما بودیم که به سبب عمل نکردن به دستورات اسلام به عقب مانده گی گرفتار شده ایم ونیز بر اثر رسوم وباورهای سخت خود زنان را در چهار دیواری خانه محبوس و از فراگیری علم و دانش محروم ساخته ایم روشن است که دوام و استحکام هرچیزی از زیربنای آن شناخته می‌شود اگر زیربنا محکم باشد آن چیز هم محکم خواهد بود چون زیربنای جامعهٔانسانی را زنان می‌سازند یعنی تربیت اولاد بر عهدهٔ آنها قرار دارد پس باید زنان در این کار خطیر ومهم تخصص ومهارت کامل داشته باشند مگر می‌شود زنان بی دین، جاهل وبیسواد فرزندان متدین، شایسته وبا شهامت تربیت نمایند اگر حضرت امام حسین رضی الله عنه شجاعانه با حکومت ظالمانهٔ یزید به مبارزه بر خاست این نتیجهٔ تربیت خوب مادرگران قدرش حضرت فاطمهٔ صدیقهٔ رضی الله عنها بود ونمونه‌های دیگری نیز وجود دارد که جهت اختصار از ذکر آن خود داری می‌شود مسلما کسانی که آموزش علوم را مخصوص به طبقهٔ مردان می‌دانند وطبقهٔ زنان را از فراگیری علوم محروم می‌سازند نه تنها در حق زنان وجامعهٔ خود ظلم می‌کنند بلکه بزرگترین ظلم را در حق اسلام عزیز روا می‌دارند این دوستان نادان با این رفتار خود وانمود می‌کنند که این عمل ایشان مطابق با احکام وقوانین اسلام می‌باشد دشمنان اسلام هم فرصت را غنیمت شمرده با تبلیغات وسیعی که براه انداخته اند بطور مستمر درگوش زن مسلمان القا

می‌کنند که چون تو در اسلام موجود اسیری هستی واسلام مانع پیشرفت تو می‌باشد بنابرین به فرهنگ ما پناه ببر که ما به تو آزادی می‌دهیم در واقع خود ما دام را به دست دشمنان خود می‌دهیم تا به راحتی زن مسلمان ما را اسیر سازند همان طور که گفتم اسلام فراگیری علم ودانش را یکی از اهم ضروریات وواجبات مرد وزن مسلمان قرار داده است ولی در عین حال بی بند وباری، اختلاط بی قید وبند مردان وزنان، بی حجابی وبد حجابی را که عاقبتی جز فساد وتباهی جامعه در بر نداردمنع می‌نماید رسول اکرمﷺ فرمودند: «هیچ مردی با زنی تنها نشود مگر اینکه سوم ایشان شیطان بود» ترمذی بنابر این باید آموزش مردان وزنان مسلمان در مراکز علمی بطور جداگانه انجام گیرد ونیز برای زنان حتی المقدور باید استادان زن تعیین شوندالبته این کار بر عهدهٔ ولی امر ویا به عبارت بهتر رئیس جمهور ما است که باید مراکز آموزش مردان وزنان را از هم جدانماید تا از این طریق بتوانیم مردان وزنان مؤمن و شایستهٔ را در خدمت جامعهٔ خود قرار دهیم تا بدین وسیله کشتی طوفان زدهٔ جامعهٔاسلامی خود را به ساحل نجات برسانیم.

اگر صد گردش ایام باشد

پناه تو فقط اسلام باشد

مرو اندر پی فرهنگ غربی

که آن زالوی خون آشام باشد

بطورمسلم وقتی که سخن از فراگیری علم به میان می‌آید اذهان همهٔ مردم تنها متوجه علوم دینی می‌شود در حالی که چنین فکری اشتباه محض می‌باشد چنانچه امروزه نزد مجتهدین آموزش علم تنها به علوم دینی منحصر نگشته بلکه علاوه برعلوم دینی فراگیری علوم وفنون هر عصری از اهم واجبات اسلام

محسوب می‌شود که از جملۀ آنها اکتشافات و اختراعات جدید هر عصری، هیئت، پزشکی، شیمی، فیزیک، جغرافیا و غیره می‌باشد که فراگیری علوم مذکور بر تمام مسلمانان اعم از مرد و زن واجب ویک وظیفۀ مهم دینی می‌باشد یعنی حتما و همیشه باید مسلمانان مشغول فراگیری علوم مذکور باشند تا جامعۀ اسلامی ما دچار عقب مانده گی نگردد و تا از دشمنان خود بی نیاز گردیم ودست گدای به سوی آنان دراز نکنیم مثلا اگر زنان ما دکتور نشوند پس زنان بیمار ومریض ما را کی در مان کند، آیا دکتورهای مرد آنها را درمان نمایند و یا دکتورهای زنی که هم دین مانیستند؟ حتما می‌دانید که زن غیر مسلمان محرم زن مسلمان نیست و نمی‌تواند بدن زن مسلمان را لمس نماید ویا ببیند مسلما اگر مسلمانان از امر فراگیری علوم مذکور شانه خالی نمایند ویا اهمیتی به آن قائل نشوند همه گنهکار ونزد خداوندﷻ مسؤل هستند زیرا این کار سبب عقب مانده گی مسلمانان گشته وآنها را محتاج دشمنان خود می‌کند بلای که امروزه بر سر امت اسلامی آمده است در نتیجۀ همین سهل انگاری ما نسبت به آموزش علوم مذکور می‌باشد امروز ما به چشم خود مشاهده می‌کنیم که چطور جامعۀ اسلامی ما در منجلاب هلاکت دست وپا میزند ودر شرف غرق شدن است در عصر حاضر به وسیلۀ همین علوم مذکور است که دشمنان ما ممالک اسلامی مارا مورد تاخت وتاز نظامی وفرهنگی خود قرار می‌دهند ما را در خانۀ ما به قتل می‌رسانند ما را به اسارت وبندگی می‌گیرند معادن وسرمایه‌های خدادادی مارا به یغما می‌برند با وجود این ما نمی‌توانیم حتی دم بر آوریم که آخر به چه جرمی با ما این گونه رفتار می‌نمایید می‌دانید علت این همه پستی و حقارت چیست؟ پس معلوم است که ما از وظائف دینی خود شانه خالی کرده ایم وخود را از علوم وفنون زمان بی بهره ساخته ایم که در نتیجه می‌بینیم با سرعتی سرسام آور در وادی ذلت وخواری سقوط کرده ایم سقوطی که بدون

چنگ زدن به ریسمان محکم الهی که همان قرآن‌کریم می‌باشد، نمی‌توانیم از آن نجات یابیم پس باید فکری به آیندۀ مبهم خود نموده ونسبت به خط ومش خود تجدید نظر کرده وراه نجات را جستجو نماییم.

زن و اجتماع

اگر چه زنان به دلیل ظرافت فطری ویا مسائل اولاد داری طبیعتا اکثر اوقات در خانه به سر می‌برند، اما وظایفی را که اسلام برعهدۀ آنها نهاده است از قبیل کسب علم ودانش، حج، حضور در نماز جمعه و جماعت، جهاد و امور خیر دیگری ایجاب می‌کند که ضرورتا از خانه بیرون روند اسلام از زنان مسلمان می‌خواهد که به طور مستمر در اجتماع مسلمانان شرکت نمایند حضرت ام عطیه رضي الله عنها گفت که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «باید زنان و زنان جوان که در حجاب هستند ونیز زنان حایضه در امر خیر و دعای مسلمانان حاضر شوند و لیکن زنان حایضه باید گوشۀ مصلی را اختیار کنند» یکی از زنان پرسید آیا اگر یکی از ما چادر نداشته باشد اشکال دارد که بیرون نرود فرمودند: «باید رفیقش با چادر خود او را بپوشاند» بخاری یعنی زن همخانه وياهمسایه اش چادراضافی خود را در اختیارش بگزارد تا او هم بتواند در کار خیر شرکت نماید به بینید که اسلام تا چه اندازه زنان مسلمان را تشویق به حضور در اجتماع می‌نماید دین مقدسی که پیروانش رابه عمارت محکمی تشبیه نموده است لایق است که مسلمانان را اعم از زن ومرد ترغیب نماید تا دائما در اجتماع حاضر شوند رسول اکرم ﷺ فرمودند: «مسلمان برای مسلمان همچون عمارتی است که برخی اجزای آن برخی دیگر را محکم می‌سازد» متفق علیه.

در عهد رسول اکرم ﷺ زنان با اجازۀ او در امور مهمی همچون جهاد شرکت می‌نمودند حضرت ام عطیه رضي الله عنها که در شش غزوه همراه رسول اکرم ﷺ شرکت کرده بود می‌گوید من و زنان همراهم که در جنگ شرکت می‌نمودیم

مجروحان را مداوا و مریضان را پرستاری می‌نمودیم وهمچنان حضرت عایشهٔ صدیقه رضی الله عنها می‌گوید روز جنگ احد من وزنانی از انصار برای مجروحان آب می‌آوردیم می‌دانید که حضرت عایشهٔ صدیقه رضی الله عنها که در عنفوان جوانی قرار داشت به دستور رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در جنگ احد شرکت کرده بود که این نشانهٔ اهمیت دادن اسلام به حضور زنان در کارهای مهم است وهمچنان در جنگ احد حضرت نسیبهٔ انصاری رضی الله عنها در سخت‌ترین شرایط جنگ هنگامی که کفار به یکباره گی بر رسول اکرم صلی الله علیه وسلم هجوم آوردند نه تنها پا به پای مردان مسلمان حملات کفار را از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم دفع نموده بلکه چنان خودرا سپر وجود مبارک رسول اکرم صلی الله علیه وسلم قرار داده بود که دوازده جای بدنش زخم بر داشته بود ازین وقایع زنان صدر اسلام وحضور شان دراجتماع حکایات زیادی وجود دارد که من چون بنای کارم بر کوتاه نمودن مطالب وخلاصه نویسی می‌باشد از ذکر آن خود داری نمودم مسلما حکم اسلام در بارهٔ حضور زنان در اجتماع چنین است ولی اگر ما از نزد خود برای زنان قانون وضع نماییم وبرای آنها محدودیت قائل شویم وآنها را از حضور در اجتماع منع نماییم این رفتار سرسختانهٔ ما هیچ ربطی به اسلام ندارد هر چند که ما خود را پیرو اسلام واین رفتار خود را عین دیانت بدانیم در حقیقت اسلام دین میانه روی واعتدال می‌باشد افراط وتفریط را در هیچ کاری نمی‌پسندد؛ یعنی هم آزادی بی قید وبند زنان را در اجتماع جایز نمی‌داند وهم محبوس نمودن زنان در خانه ومحروم نمودن شان را از تحصیل وامور مهم دیگر نمی‌پسندد.

راه گم کردیم یارب کو صراط مستقیم　　قلبها بیمار شد کوصاحب عقل‌سلیم

ازدواج در اسلام

ازدواج در لغت به معنی جفت شدن و در اصطلاح به معنی همسر گزیدن مشروع وقانونی می‌باشد ازدواج در اسلام امری است خوب وپسندیده که هدف اصلی آن ازدیاد نسل وبقای نوع انسان از راه مشروع می‌باشد ازدواج سبب می‌شود که سلسلهٔ انساب محفوظ بماند اگر ازدواج وتشکیل خانواده نمی‌بود هر کس از هر راهی که می‌توانست جهت ارضای غریزهٔ جنسی خود اقدام می‌نمود که این کار نه تنها سبب ازهم گسیختگی رشتهٔ انساب می‌گردید بلکه این کار سبب تباهی ونابودی جوامع بشریت نیز می‌گردید.

قرآن‌کریم: ﴿وَانكِحُوا الأَيَامَى مِنكُم وَالصَّالِحِينَ مِن عِبَادِكُم وَاَمَائِكُم اَن يَكُونُوا فقراء يُغنِهِمُ اللّٰهُ مِن فَضلِهِ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [نور: ٣٢]

و زنان بی همسر خویش را همسر دهید و نیز نیکوکاران از غلامان وکنیزان خود را اگر فقیر باشند خداوند آنهارا از فضل وکرم خود بی نیاز می‌سازد وخداوند بسیار دهندهٔ دانا است.

و نیز در جای دیگری از قرآن‌کریم آمده است: ﴿هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُم وَاَنتُم لِبَاسٌ لَهُنَّ﴾ [بقره: ١٨٧]

زنان لباس شما و شما لباس زنان هستید.

یعنی در واقع زنان به منزلهٔ ستر وپوشش شما می‌باشند که به واسطهٔ آنها از انحرافات جنسی محفوظ می‌مانید وهمچنان شما به منزلهٔ ستر وپوشش زنان هستید چون به سبب شما عفت وپاکدامنی آنها محفوظ می‌ماند.

قرآن‌کریم: ﴿وَمِن آيَاتِهِ اَن خَلَقَ لَكُم مِن اَنفُسِكُم اَزوَاجًا لِتَسكُنُوا اِلَيهَا وَجَعَلَ بَينَكُم مَوَدّةً وَرَحمَةً اِنّ فِى ذَالِكَ لآيَاتٍ لِقَومٍ يّتَفَكّرُونَ﴾ [روم: ۲۱]

و از نشانه‌های قدرت خداوند این است که از جنس شما برای شما همسران پیدا کرد تا در کنار آنها آرام گیرید وبین شما دوستی ومهربانی قرار داد به درستی در این کار نشانه‌های است برای گروهی که تفکر می‌کنند.

یکی از شاهکارهای خداوندی این است که خداوندﷻ بین مرد و همسرش محبت و دوستی قرار داده است تا قدرت خود را برای بنده گانش به نمایش بگذارد وتا سپاسگذار نعمت‌های او باشند در حقیقت خداوندﷻ زن را مایهٔ آرامش مرد قرار داده است که به هیچ چیزی جز با ازدواج نمودن به آرامش روحی نمی‌رسد که تجربه نیز این را ثابت نموده است مسلما مردم از این نشانه ونعمت خداوندﷻ غافل هستند بجز گروهی که اهل بینش وتفکر هستند وهمچنان در جای دیگری از قرآن‌کریم آمده است: ﴿وَ اللّهُ جَعَلَ لَكُم مِن اَنفُسِكُم اَزوَاجاً وَجَعَلَ لَكُم مِن اَزوَاجِكُم بَنِينَ وَحَفَدة﴾ [نحل: ۷۲]

خداوندهمسران شمارا از نوع خودتان قرار داده و از این همسران اولاد و نواده‌های برای شما پیدا نموده است.

همان طورکه خداوندﷻ زنان رامایهٔ آرامش روحی وجسمی مردان قرارداده است نعمت بزرگ دیگری رانیز به مردم یادآوری می‌نماید و آن اینکه خداوندﷻ از همسران شما برای شما فرزندان ونواده‌های آفریده است که این خود معلوم است اگرازدواج نباشد انسان نمی‌تواند صاحب فرزند شود در حقیقت فرزند ادامهٔ بقای انسان می‌باشد که اصل و مقصود از ازدواج همین کار می‌باشد و باقی امور

تبع آن است دربارهٔ ازدواج رسول اکرمﷺ فرمودند: «ازدواج سنت من است کسی که از آن روی برگرداند از (امت) من نیست» این وعید دربارهٔ کسانی است که با وجود استطاعت مالی از امر ازدواج شانه خالی می‌نمایند رسول اکرمﷺ روزی جوانان صحابهرضی الله عنهم را مخاطب قرار داده فرمودند «ای گروه جوانان هر کس از شما نفقه دارد ازدواج نماید ازدواج باعث حفظ چشم بوده وانسان را از زنا بیشتر دور می‌نماید». بخاری. یعنی با ازدواج کردن بهتر می‌توانید پاکدامنی وعفت خود را حفظ نمایید و نیز رسول اکرمﷺ فرمودند: «چهار چیز از سنت و روش پیامبرانعلیهم السلام است شرم و حیا، خوشبوی، مسواک و ازدواج». ترمذی. ازدواج نمودن سنت است اما بر کسی که از آلوده شدن به گناه و فحشا می‌ترسد واجب می‌باشد هر چند که او فقیر هم باشد باید با توکل بر خداوندجل جلاله اقدام به ازدواج نماید. رسول اکرمﷺ فرمودند: «سه دسته هستند که حتما خداوند آنها را کمک می‌نماید کسی که بخاطر حفظ عفت ازدواج می‌نماید، غلامی که در مقابل آزادیش تعهد مالی به اربابش می‌دهد و می‌خواهد آن را پرداخت نماید و کسی که در راه خداوند جهاد می‌نماید. ترمذی. ازدواج باعث ایجاد محبت ودوستی در بین فامیل‌ها می‌شود. رسول اکرمﷺ فرمودند: «هیچ عاملی را نمی‌بینی که در ایجاد محبت مانند نکاح مؤثر باشد. ابن ماجه. یعنی هیچ چیزی به اندازهٔ ازدواج دربین مردم محبت ودوستی به ارمغان نمی‌آورد فامیل‌های هستند که با هم کدورت ودشمنی دارند به محض اینکه پیوند خویشاوندی در بین شان برقرار گردد تا اندازهٔ با هم دوست وصمیمی می‌شوند که قابل وصف نیست.

معیار ازدواج از نگاه اسلام

باید با چه کسانی ازدواج نماییم رسول اکرمﷺ فرمودند: «وقتی کسی جهت خواستگاری به سوی شما بیاید که دین واخلاق او مورد پسند شما است (دختر مورد نظر را) به نکاح او در آورید اگر این کار را نکردید فتنه وفساد بزرگی در زمین به وجود خواهد آمد» از نگاه اسلام ملاک ومعیار انتخاب همسر دین می‌باشد نه عوامل مادی رسول اکرمﷺ فرمودند: «به سبب چهار چیز با زن نکاح کرده می‌شود ثروتش، حیثیت و موقعیت اجتماعیش، حسن و جمالش و دیانتش پس تو با انتخاب (زن) دیندار خودرا موفق گردان خانه خراب». ترمذی. یعنی معیار انتخاب همسر نزد مردم چهار چیز می‌باشد بعضی چشم به ثروت دوخته اند ثروت را مایهٔ خوشبختی می‌دانند مثلا مردی می‌خواهد ازدواج نماید او از میان ده‌ها دختر که از طبقات مختلف مردم می‌باشد تنها دختری را که از خانوادهٔ ثروت مند است انتخاب مینماید وهمچنان یکی موقعیت اجتماعی را معیار انتخاب همسر می‌داند سعیش بر این است که با خا ندان آبرومند وبزرگ وصلت نماید ونیز یکی شیفتهٔ جمال وزیبای هست خوشبختی را در گرو زیبای همسر می‌داند کاری به خصوصیات اخلاقی او ندارد وهمچنان کسی هم هست که سعادت و خوشبختی را در دیانت همسر می‌داند بطور مسلم انسان هر چند عاقل هم باشد باز هم نیاز به مشاور ورهنما دارد همان طور که اسلام تمام شؤون زندگی ما را تحت پوشش قرار می‌دهد، مطمئنا در امر ازدواج نیز بهترین مشاور ورهنمای ما می‌باشد اسلام به ما می‌گوید باید معیار انتخاب همسر نزد شما دیانت و تقوا باشد؛ زیرا این دین است که سعادت شما رابیمه می‌کند نه عوامل دیگر چنانچه تجربه نیز ثابت نموده است که ازمیان تمام ازدواج‌های صورت گرفته موفق‌ترین ازدواج آن بوده است که دیانت معیار اصلی آن بوده است.

اسلام دیدن زن را قبل از ازدواج توصیه می‌نماید

کسی که ارادۀ ازدواج با زنی را داشته باشد جایز است قبل ازازداج او رانگاه کند بعضی از علما دیدن چهره ودست‌ها را جایز دانسته وعدۀ موی، گوش و گردن را نیز جایز می‌دانند نباید زن و خانوادۀ او بنابر رسوم غلط خود از این کار ممانعت نمایند؛ زیرا این کار سبب ایجاد الفت، دوستی و بقای ازدواج آنها در آینده می‌گردد. رسول اکرمﷺ فرمودند: «هرگاه یکی از شما زنی را خواستگاری نماید و توانست جاهای راکه موجب تشویق بر ازدواج می‌شود ببیند پس این کار را بکند». احمد. بر شما معلوم است که ازدواج یک پیوند مادام العمر است بستن پیمانی که بایدتمام عمربه آن وفاداربمانیم بدون دید وشناخت قبلی اثرات سوء فراوانی رابه دنبال دارد بنابرین اسلام با اینکه رعایت حجاب را مورد تأکید قرار می‌دهد در اینجا نرمش نشان داد ه دیدن زن مورد نظر را قبل از ازدواج نه تنها جا یز دانسته بلکه آنرا توصیه می‌نماید تا بعد از ازدواج احیانا ندامت وپشیمانی دامنگیر او نشود مسلما اگر پشیمان شود بامشکلات زیادی مواجه خواهد شد افسوس که مردم ما این قدر از دین فاصله گرفته وپای بند رسوم هستند که گفتن چنین سخنانی برای آنها تعجب آور می‌باشد لایق است که مسلمانان تمام شؤن زندگی شان بر طبق دستورات دین باشد نه بر رسوم وعادات.

کار عالــم بـــا نـــظام ازازدواج
زخــم یابد الـــــتیام از ازدواج
گرترا باشـد پراکنـــــده امـــور
جملــه یابد انـــسجام از ازدواج

نصف دیـــن خود حفاظت میکند

گفـت این خیر الانـام ازازدواج

نفس سرکش هر زمان طغیان کند

پس بگیر اورا زمـام ازازدواج

سنت احمدﷺ رعایت میکنـــد

آنکه گیرد حظ تـــام ازازدواج

فکرتو از این خیالات خطیــــر

میشود راحت مـدام از ازدواج

میبری بیشک ثواب عابـــــدان

هم صیام وهم قیـــام از ازدواج

زندگی گر برتو تلخست وخراب

مینما پرشهد جـــــام ازازدواج

پخته کی گردی بکوه آتشیــــــن

پخته گردد مرد خـام ازازدواج

کارخاصان ازدواج است ازدواج

گرچه بگریزند عوام ازازدواج

انکحوا را تو زقرآن گــوش دار

جمله یابند بار عـــام ازازدواج

بـاتـــأهـــل از تجرد دور شو

مرد گردد نیک نـــام ازازدواج

مرد وزن در طول عمرخویشتن

میبرد هر یک سهـام ازازدواج

میدرخشد خاطرات زندگـــــی

همچو نقشی بررخـام ازازدواج

با سعادت عمر خود آری بســر

هم بری حسن ختــام ازازدواج

بگذری بیشک توبرروی صراط

روز محشر تیز گـام ازازدواج

از مدارا وتحمل کـــار گیــــــر

تا نگردی تلخ کـام از ازدواج

گر نداری همتی بیخــود مکـن

روز روشن چون ظلام ازازدواج

مــرد جـــاهل گر نماید انتقـــاد

پس بگو اورا ســـلام ازازدواج

تا نگردد خــاطر یـــاران مـــلول

ختـم میــگردد کـلام از ازدواج

ازدواج اجباری از نگاه اسلام مردود است

ازدواج اجباری از نگاه اسلام غیر قابل قبول ومردود است اسلام رضایت طرفین زن و مرد را در ازدواج شرط می‌داند یعنی اگر ولی دختر بالغه چه پدر چه برادر وچه عموی او باشد بدون رضایتش اورابه ازدواج کسی درآورد نکاح منعقد نمی‌گردد. رسول اکرمﷺ فرمودند: «ازدواج با زن شوهر دیده صحیح نمی‌شود تا اینکه او صراحتا اعلام رضایت نکند وازدواج با دختر صحیح نمی‌شود تا اینکه او اجازه ندهد» یاران گفتند یا رسول اللهﷺ چگونه از او کسب اجازه کنیم رسول اکرمﷺ فرمودند: «اینکه خاموش باشد». متفق علیه. یعنی هنگامی که از او کسب اجازه می‌کنیم اگر او خاموش بود این خاموشی دلیل بر اجازۀ اوست؛ زیرا اکثرا حیا بر دختر غالب می‌باشد بنابرین نمی‌تواند هنگام کسب اجازۀ ولی خود صریحا اعلام رضایت کند اوغالبا ازفرط شرم وحیا خاموش می‌ماند این کسب اجازه وقتی است که دختر بالغه باشد اما وقتی دختر ویا پسر نابالغ باشد ولی او می‌تواند بدون کسب اجازه او را به ازدواج کسی درآورد البته شرط صحت این ازدواج هم این است که ولی دختر ویا پسر نا بالغ خیر وصلاح او را بخواهد اما اگر بجای خیر و صلاح دختر وپسر منافع شخصی خود را در نظر داشته باشد نکاح صحیح نیست دختر و پسر وقتی به سن بلوغ رسیدند می‌توانند با مراجعه به مقاما ت قضائی این نکاح را فسخ نمایند در حقیقت اکثر قریب به اتفاق خواهران از این حقوقی که اسلام برایشان در نظر گرفته است غافل وبیخبر هستند ازدواج اجباری وبدون موافقت که غالبا بر دختران بی دفاع ما تحمیل می‌شود گذشته از اینکه از نظر اسلام محکوم ومردود است پیامدهای خطرناکی را نیز به دنبال دارد مانند خود کشی‌ها و خود سوزی‌های زنان ودختران که مکررا اینگونه وقایع را مشاهده نموده ایم وخبرهای تکان دهندۀ نیز ازین حوادث ازکنار وگوشه به گوش ما می‌رسد جامعۀ ما بااینکه جامعۀ مذهبی محسوب می‌شود

اما متأسفانه در امر ازدواج دختران کوچک‌ترین توجهی نشان نمی‌دهد دختران به جای خود زنان بیوهٔ بی د فاع جامعهٔ ما کوچک‌ترین اختیاری از خود ندارند زن بیوه بعداز فوت همسرش مانند اموال بجا مانده از همسر مرحومش کاملا در اختیار وارثان همسرش قرار می‌گیرد برادر ویا پسر عموی همسرش بدون رضایتش با او ازدواج می‌نماید برای اینکه ازدواج این زن را با مرد دیگری برای خود ننگ بزرگی می‌دانند دلیل دیگر ازدواج آنها با زن بیوه اینست که اگر روزگاری آن زن قدرت یابد حق ارث خودرا از آنها مطالبه خواهد کرد که باز هم برای آنها گران تمام خواهد شد مثلا قطعه زمینی ویا اموال دیگری از مالکیت آنها خارج وبه خانوادهٔ دیگری منتقل گردد که این رسوم وعادات غلط که تقریبا برای همهٔ مردم ما یک امرعادی گشته با احکام دین مقدس اسلام شدیدا در تعارض وتضاد می‌باشد.

قرآن‌کریم: ﴿یَا اَیُّهَا الّذِینَ آمَنُوا لاَتَحِلُّ لَکُم اَن تَرِثُوا النِّسَاءَ کرهًا وَلَا تَعضلُوهُنّ لِتَذهَبُوا بِبَعض مَا آتَیتُمُوهُنّ اِلاّ اَن یَأتِینَ بِفَاحِشَةٍ مُبَیّنَةٍ وَ عَاشِرُوهُنّ بِالمَعرُوفِ فَاِن کَرِهتُمُوهُنّ فَعَسَی اَن تَکرَهُوا شَیئًا وَیَجعَل اللّه فِیهِ خَیرًا کَثِیرًا﴾ [نساء: ۱۹]

ای کسانی که ایمان آورده اید حلال نیست شما را آنکه میراث گیرید زنان را وایشان ناخوش باشند منع مکنید ایشان را (از نکاح) تا به دست آرید بعضی آنچه داده اید ایشان را (یعنی مهر) لیکن وقتی که بکنند کار بد آشکارا (می‌توانید ایذا داد) وزندگانی کنید بازنان به وجه پسندیده زیرا که اگر ناپسند کنید ایشان را پس شاید که ناپسند کنید چیزی را و پیدا کند خداوند در آن چیز خیر بسیار.

کسانی که مدعی مسلمانی هستند باید خوب دراین آیه غور وتفکر نمایند که این خطاب وحکم از طرف کدام مرجع قانونی وحقوقی می‌باشد آیا این حکم از

جانب فلان قانون گزار ومصلح می‌باشد؟ که ما سر سری از آن بگزریم آیا می‌دانید که ما از جانب کی مورد خطاب قرار گرفته ایم؟ واضح است که این خطاب از جانب خداوند ﷻ است که ای مسلمانان چون من برای شما منت نهاده ام شمارا از تاریکی‌های جهل بسوی نور ایمان رهنمای نموده ام دیگر شایستهٔ شمانیست که از رسوم اهل جاهلیت پیروی نمایید معلوم است که به ارث بردن زنان بیوه ویا محروم ساختن ایشان از میراث همسر از رسوم باقیمانده از عصر جاهلیت می‌باشد که متأسفانه مردم ما کور کورانه از این رسوم بی محتواپیروی می‌نمایند غافل از اینکه با این رفتار خود صریحا با حکم قرآن‌کریم به مخالفت بر خاسته اند وای به حال کسانی که زنان بیوهٔ بی دفاع را به زور به میراث میگیرند وبا انواع بد رفتاری آنها را مجبور به ازدواج با خود نموده ویا با نیرنگ وفریب از ازدواج مجدد شان با مرد دیگری جلوگیری می‌نمایند متأسفانه این رسوم جهالت آمیز، ضد اسلامی وضد انسانی سخت در میان جامعهٔ ما ریشه دوانده است که باید مردم ما ازین به بعد باپیروی از احکام قرآن کریم ونیز با تفکر وبینش صحیح دست از این رسوم ضد اسلامی بردارند وبهانه به دست دشمنان اسلام ندهند آنها با اینکه میدانند این رفتار ما با احکام اسلام در تضاد است باز هم آنرا به گردن اسلام میاندازند آنها در تبلیغات سوء خود که علیه اسلام به راه انداخته اند از آن استفاده می‌نمایند آنها مدعی هستند که حقوق زن در اسلام مراعات نشده است زن در اسلام موجودی است بدون اختیار و و و کسانی که سرسختانه به این رسوم پایبند می‌باشند باید بدانند که روزی در دادگاه عدل الهی محاکمه خواهند شد که نه تنها حق زنان بی دفاع بلکه حق اسلام عزیز که به مراتب بزرگتر است از آنها گرفته خواهد شد دادگاهی که نه در آن رشوتی پذیرفته ونه سفارشی قبول کرده می‌شود.

ای خواهر مظلوم تا کی چنین پستی

بـــــــارحقارت را بر پشت بربستی

این جامهٔ ذلت بیرون نــــما ازتـــن

از خـاک وخس افشان این نازنین دامن

ایـــن برده گی تا کی نقش نوی آور

بـــرخیـــزوهـــمت کـــن با حربهٔ دیگر

ایـــن قیدها بگسل این بند ها وا کن

زین خـاکدان بــرخــیزعـــزم ثریا کن

قرآن ترا رهبـرایمـان تـــرا ســنگر

بـاعـــزم فـــولادیـــن آزاد شو خواهر

ازوهـــم مـــا بـــرتـــرباشد مقام تو

جـنـت شـــود حـــاصل دراحترام تو

مـــارا تـــوی مادرماراتوی همـــسر

نـــقش وجـــود تو شد فخر پیغمبر

شـــکرتـــوواجـــب شـــدبرکافهٔ امت

بـــنگرتـــو ایـــن را درقـــرآن وهم سنت

آغـــوش تـــو مـــهدم شـــیرتوشدشهدم

درخـــدمتت بـــاشم دائـــم دریـــن جهدم

تـــوخـــوب ورعنای چون یاس زیبای

حـــقا کـــه ای خـــواهـرمحبوب دلهای

آزاده انـــدیشی زینت گرجان اســت

روشــن گر راهت مصباح ایـمان است

روزی توای خواهــرآزاد خواهی شد

آتش فشـــان درخرمن بیداد خواهی شد

حکمت جواز تعدد زوجات در اسلام

اسلام تعدد زوجات یا چند همسری را مشروع نموده وحد نهایت آنرا چهار همسر قرار داده وشرط مشروعیت آنرا نیز عدالت ومساوات بین همسرا ن قرار داده است.

قرآن‌کریم: ﴿وَإِن خِفتُم أَن لَاتُقسِطُوا فِي اليَتَامَى فَانكِحُوا مَاطَابَ لَكُم مِنَ النِّسَاءِ مَثنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِن خِفتُم أَلَّاتَعدِلُوا فَوَاحِدَةً أَو مَا مَلَكَت أَيمَانُكُم ذَالِكَ أَدنَى أَلَّاتَعُولُوا﴾ [نساء: ۳]

واگردانید که عدل نتوانید کرد در حق دختران یتیمه پس نکاح کنید آنچه خوش آید شمارا از سایر زنان دو دو وسه سه وچهار چهار پس اگر دانید که درین صورت نیز عدل نتوانید کرد پس نکاح کنید یک زن را یا سریه گیرید آنرا که مالک اوشد دست‌های شما این نزدیک تر است به آنکه جور نکنید.

درست است که اسلام بنا بر مصالح اجتماعی تعدد زوجا ت را مشروع قرار داده است اما این را باید بدانید که در اسلام برای هرحکمی حد ومرزی وجود دارد وحد ومرزتعدد زوجات عدالت ومساوات می‌باشد چنانچه کسی می‌ترسد که در حق زنان از مرز عدالت تجاوز می‌کند برایش جایز نیست که جز با یک زن ازدواج نماید بسیاراند اشخاص لجام گسیخته وجاهل که ازین حکم قرآن کریم سوء استفاده کرده وبدون در نظر داشت عدالت ومساوات با چند زن ازدواج

می‌نمایند. رسول اکرمﷺ فرمودند: «وقتی که نزد مردی دو زن باشند و در بین شان عدالت بر قرار نکند در روز قیامت میاید در حالیکه نیمی از بدنش فلج واز کار افتاده است». ترمذی.

بنابرین بر مردان مسلمان لازم است که تا اول توانای خود را در بارهٔ عدالت ومساوات در بین زنان امتحان نمی کنند اقدام به ازدواج چند زن ننمایند تا خود را در تیر رس وعید این حدیث قرار ندهند.

ایراد غرب به مشروعیت تعدد زوجات در اسلام

غربی‌ها نسبت به مشروعیت چند همسری توسط اسلام سخت براسلام ایراد می‌گیرند و این حکم اسلام را نیز که بر پایهٔ حکمت وعدالت بنا شده است آماج تیرهای کور خود قرار می‌دهند و آن را ظلم وبی عدالتی در حق زنان تلقی می‌کنند در حالی که ما می‌دانیم که اسلام تمام شئوون زندگی فردی واجتماعی مسلمانان راتحت پوشش خود قرار داده و واقعیت‌ها ومشکلات اجتماعی زن ومرد مسلمان را نادیده نمی‌گیرد حکمت مشروعیت چند همسری در اسلام این است که به طورمسلم درتمام زمانها بنا برعلل وعوامل مختلفی تعداد نفوس زنان ازمردان بیشتر است اول اینکه طول عمرزنان از طول عمرمردان بیشتراست دوم اینکه درتمام اعصارکارهای سنگین برعهدهٔ مردان بوده است مانند کندن کانال، کاریز و معدن و در این اواخرهم راننده گی وکاربا ماشین آلات سنگین که این خودبرای ایشان تلفاتی دربردارد سوم اینکه به دلیل شرکت کردن مردان درجنگها مسلما تلفاتی را متحمل میشوندجنگ هم پدیدهٔ است که بشردرتمام قرون واعصاربا آن دست وپنجه نرم کرده است وتقریبا با زنده گی او عجین شده است که تمام این عوامل روی تعادل جمعیت ونفوس مردان وزنان تأثیرغیرقابل انکاری میگذارد اگربه تعداد نفوس مردان وزنان کشورهای جنگ زدهٔ مانند کشور خود ما نگاه کنیم بطور واضح مشهود است که زنان این کشورها نسبت

به مردان آن دراکثریت هستند این هم برما معلوم است که خداوندﷻ فحشا وبی بندوباری را برمردوزن مسلمان حرام نموده است این را هم میدانیم که غالبا مردان جوان ومجرد به راحتی حاضر نیستند که با زنان بیوه واولاد دارازدواج نمایند اینجا است که اسلام این زنان را بدون حقوق سرگردان رها نمی کند این راه حل را برای ایشان پیشنهاد میکند که آنها با مردان عادل که دارای همسر هستند ازدواج نمایند چون خداوندﷻ حکیم است این واقعیت اجتماعی را نادیده نگرفته است که جمع کثیری اززنانی که شوهران شان راláz دست داده اند بقیۀ عمر خودرا در بد بختی ومحرومیت سپری نمایند بنابرین خداوندﷻ تعدد زوجات را مشروع قرار داده است تا زنان محروم شده از زنده گی بتوانند با ازدواج مجدد زنده گی توأم با آبرو وآسایشی را آغاز نمایند مسلما نزد هیچ عاقل ومصلحی انصاف نیست که زنان بیوه بقیۀ عمر خود را در محرومیت مادی ومعنوی بسرببرند آیا غرب متمدن میتواند که برای زنان بی سر پرست راه حلی بهتر وجامع تری نسبت به این راه حل که اسلام برای این گروه از زنان در نظر گرفته است پیشنهاد کند ما می‌دانیم که زنان بی سرپرست در جوامع غربی به چه سرنوشت بدی دچار هستند مسلما آنها با تن دادن به زنده گی ذلت بار وشرم آور فحشا وبی بند وباری امرار معاش می‌نمایند ویا جهت تأمین مخارج زنده گی خود واولاد خود دست تکدی به سوی این و آن دراز می کنند زیرا قانون شان درین باره برای آنها هیچ گونه حقوقی در نظر نگرفته است.

غیرت زنان نسبت به هوو یا انباغ

بعضی از خواهران که افکار جاهلانه دارند حکم مشروعیت چند همسری را توسط اسلام سخت وغیر قابل تحمل تلقی میکنند چون آنها منافع شخصی خود را در نظر دارند به هیچ وجه هوو یا انباغ را نمی پذیرند باید به آنها تفهیم شود که اگر شما به جای زنان بی سر پرست میبودید حتما قضاوت شما برعکس بود وشما به خود کاملا حق میدادید که با مردی همسر دار ازدواج کنید مسلما مهمترین تنفر زنان از انباغ به این دلیل است که شوهران شان از جادهٔ عدالت ومساوات منحرف هستند آنها با آوردن زن جدید بالای زن قدیم زن سابق را بکلی فراموش میکنند وحتی ازدادن نان ونفقهٔ او غفلت میورزند اما زنانی که شوهران عادل دارند نباید در بارهٔ حکم مشروعیت چند همسری توسط اسلام از خود سر سختی نشان دهند اگر هر کس در هر کاری منافع شخصی خود را در نظر بگیرد بدون شک منافع عموم راپایمال میکنداگرزنانی تحت هیچ شرایطی انباغ را نمی پزیرند مسلما قانون اسلام را که چند همسری را به شرط عدالت جایز قرار داده است نادیده میگیرند حقیقتا آنها حقوق ومنافع زنان بی سرپرست را فدای منا فع شخصی خود میکنند آیا این عدالت است که ما هرجا منافع شخصی خودرا درنظربگیریم واقعا تأ سف آوراست زنانی که چنین نظری دارند وبا وجود آن باز هم خود رامسلمان می‌دانند رسول اکرمﷺ فرمودند: «سوگند به ذات خداوند که جان من در اختیاراوست هیچکس مؤمن کامل نخواهد شد تا آنکه برای برادر مسلمانش همان را بخواهد که برای خود می‌خواهد». بخاری.

حساد ت زنان نسبت به انباغ یک امر مسلم است اما این کار نباید آنها را از جادهٔ عدالت منحرف سازند زنان انباغ داری هستند که وقتی تمایل شوهرش را نسبت به خود بیشتر می بینند شروع میکنند به انواع حقه بازی ودروغ بافی علیه انباغش که مسلما این کار از گناهان بزرگ محسوب می گردد روایت است که

زنی از رسول اکرمﷺ پرسید شوهرم همسری دیگر دارد اگر من (به منظور ناراحت کردن او)بگویم که شوهرم فلان چیزرا به من داده است حال آنکه نداده است آیا این گناه دارد. رسول اکرمﷺ فرمودند: «هرکس در واقع چیزی ندارد وچنان وا نمود کند که دارد مانند این است که دو لباس دروغین پوشیده است» بخاری.

یعنی از فرق تا قدم غرق در دروغ میشود وقتی که رسول اکرمﷺ از گفتن چنین سخنانی که نزد زنان انباغ دار خیلی کوچک و ناچیز شمرده می‌شود به شدت منع فرمایند از تهمت بستن ،عیب جستن ودروغ گفتن آنها بر علیه انباغ خود به طور اولی منع میفرما یند در این زمانه زنان انباغ دار بی پروا شب و روز در پی تهمت بستن بر علیه انباغ خود هستند و هیچ اندیشهٔ هم از حساب وعقاب روز قیامت در دل ایشان خطور نمی‌کند.

مخارج سنگین از دواج از نگاه اسلام محکوم است

اسلام مخارج سنگین وپر هزینهٔ مراسم ازدواج را ناپسند میداند زیرا بسیاری از جوانان به سبب سنگین بودن هزینهٔازدواج از امر ازدواج خود داری مینما یند که در نتیجه عفت وپاکدامنی آنها مورد تهدید قرار میگیرد معلوم است که این امر جامعهٔ را به سوی فحشا وبی بند وباری سوق میدهد رسول اکرمﷺ فرمودند: «در حقیقت پر برکت ترین نکاح آن است که ساده تر برگزار گردد». شعب الایمان.

ماباید از هزینه های سر سام آور مراسم عروسی اجتناب بورزیم تا برای هر کس این امکان به وجود بیاید که به راحتی ازدواج نماید وتشکیل خا نواده بدهد تا از این طریق بتوانیم جامعهٔ سالم وبدون ازانحرافات جنسی داشته باشیم مراسم عروسی حضرت عا یشهٔ صدیقهؓ همسر پاک رسول اکرمﷺ در

نهایت سادگی برگزار گردید بهتر است چگونگی بر گزاری مراسم عروسی حضرت عایشهٔ صدیقه رضی الله عنها را از زبان خودش به اختصاربشنویم او گفت با چند دختر هم سن وسال خود در خانهٔ مشغول بازی بودم که مادرم مرا صدا کرده نزد خودش طلبیده مرا غسل داده وبه وسیلهٔ چند زن دیگر که درخانهٔ ما حضور داشتند مرا آرایش داده لباس نو پوشاندند سپس مادرم دستم را گرفته کناررسول اکرم صلی الله علیه وسلم نشانده گفت همسرشما مبارک باشد آن زمان متوجه شدم که عروسی من است می‌بینیم که مراسم عروسی بهترین عالم بشریت که با ذبح یک گوسفند برگزار گردید نه تجمع مردم بود ونه ساز وآوازی بود ما باید زنده گی پرباررسول اکرم صلی الله علیه وسلم را سرمشق خودقراردهیم وازعادات ورسوم باطل و جاهلی که با شریعت اسلام در تضاداست اجتناب ورزیم آوردن دهل وساز در مراسم عروسی حرام است رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «پروردگارم مرا به نابود کردن آلات ساز و آواز، بت‌ها، صلیب ورسوم جاهلیت مأموریت داده است». مشکوة.

جای بسی تأسف است که مراسم عروسی در میان مردم ما ماهیت ضد اسلامی به خود گرفته است آوردن دهل وساز ورقص نمودن زنان یکی ازنشانه‌های بارز آن است یکی دیگر ازکارهای غیر اسلامی درمراسم عروسی که درزمانهٔ ما برای مردم یک امرپذیرفته شده میباشد آوردن داماد آراسته درجمع زنان نا محرم است این زنان بی حیاهم با اینکه قبلا از داماد در حجاب بودند دفعتا قیدوبند حجاب را کنارگذاشته اطراف داماد حلقه زده با هم خنده وشوخی میکنند و برسر داماد نقل، شیرینی وبرفک شادی می‌پاشند متأسفانه پدران وشوهران ایشان هم از این کارهای شرم آور ایشان اطلاع دارند چون این کار برای ایشان امری عادی شده است آنها را از این کارهای خلاف عفت منع نمی‌کننداین مردان باید بدانندکه خداوند جل جلاله آنها را سرپرست زنان قرارداده است باید دائما رفتار زنان خانواده خود را تحت نظر داشته باشند از کارهای

خلاف اخلاق وعفت آنها جلو گیری نمایند واگر کسی دراین باره سهل انگاری نماید در پیشگاه خداوندﷻ مسؤول است قرآن‌کریم: «قُوا اَنفُسَکُم وَ اَهلِیکُم نَارًا» خود و اهل خانهٔ خود را از آتش (جهنم) حفظ نمایید.

مردان نباید در مقابل خانوادهٔ خود بی غیرت وبی پروا باشند نکند خدای نا کرده مصداق وعیداین حدیث قرار بگیرند رسول اکرمﷺ فرمودند: «سه کس هستندکه در حقیقت خداوند بهشت را برای آنها حرام قرار داده است کسی که معتاد شراب است، کسی که پدر و مادر خود را آزار می‌دهد وکسی که بد حجابی واختلاط با مردان بیگانه را در حق زنان خانوادهٔ خود روا می‌دارد». یک مسلمان واقعی باید تسلیم اوامر الهی باشد نه پیرو خواهشات نفس وبه عبارت بهتر پیرو شریعت باشد نه پایبند رسوم وعادات.

حقوق زن بر شوهر

قرآن‌کریم: ﴿وَلَهُنّ مِثلُ الّذِی عَلَیهِنّ بِالمَعرُوفِ﴾ و مر زنان راست (از حقوق) مانند آنچه برزنان است (از حقوق) یعنی همان طور که مردان را بر زنان حق است زنان را نیز بر مردان حق است از جمله حقوق زن بر مرد این است که مرد باید به طور عرف و عادت آن منطقه برای زن خانه و وسائل رفاه وآسایش زنده گی آماده کند یعنی بر مرد واجب است که جدا از پدر ومادرش برای زنش خانهٔ مستقل آماده کند حتی اگر مردی از زن سابقش فرزندی داشته باشد نمی‌تواند بدون رضایت زنش او را به خانه اش بیاورد وهمچنان بر مرد واجب است که وسائل خانه را آماده سازد اگر چه بطور عرف زن لوازم زنده گی را به نام جهیزیه از خانهٔ پدربه خانهٔ شوهر می‌آورد، اما شرعا زن هیچ مسؤلیتی ندارد که جهیزیه به خانهٔ شوهرش بیاوردیعنی اگر زنی بدون جهیزیه به خانهٔ شوهر بیاید اگر چه که چندین میلیون به عنوان مهر از شوهرش در یافت کرده

باشد شوهرش حق ندارد که به این بهانه با او جنگ ودعوا به راه اندازد ویا کوچکترین خمی به ابرو بیاورد زیرا شرعا آماده نمودن لوازم زنده گی بر عهدۀ مرد است وهمچنان اگر زنی جهیزیه به خانۀ شوهربیاورد باز هم جهیزیه ملک او میباشد او میتواند جهیزیه اش را بدون اجازۀ شوهرش بفروشد ویا به کسی بدهد شوهرش درین میان هیچ اختیاری ندارد اما بطور عرف بهتر است که زن ومرد در هر کاری توافق وتفاهم داشته باشند یعنی هر کاری باید با مشورت واحترام متقابل انجام گیرد تا پیوند زوجیت آنها پایدار بماند وهمچنان شرعا مرد مکلف است که به قدر استطاعت وتوانای اش برای زنش خوراک وپوشاک آماده کند دیگر اینکه اگر مردی توانای مالی داشته باشد باید برای زنش خدمتگاری اجیر نماید تا کارهای خانه را انجام دهد اگر چه زن طبعا وعرفا کار طاقت فرسای خانه داری وبچه داری را بر عهده دارد اما شرعا درین باره هیچ مسؤلیتی ندارد یعنی اگر زن نخواهد که مثلا لباس شوهرش را بشوید ویا برایش غذا بپزد شوهرش شرعا نمی تواند او را به این کارها مجبور سازد اگر چه هیچ زن خوبی ان شاءالله چنین نخواهد کرد اینها مختصرا حقوق مادی زن میباشد اما حقوق معنوی او خیلی مهم تر ازحقوق مادی اش میباشد که اینجا بطور اختصار بیان می‌گردد وآن اینکه مردباید دائما با چهرۀ باز وبشاش با زنش بر خورد نماید رسول اکرمﷺ فرمودند: «با توجه گوش کنید با زنها نیکی و خوش رفتاری کنید آنها زیر دست شما هستند شما در مورد آنها بجز نیکی و خوش رفتاری اختیار چیز دیگری ندارید اگر آنها مرتکب عمل زشت آشکاری شدند پس از خوابگاه آنها دوری کنید و آنها را آهسته بزنید و اگر فرمانبردار شما شدند پس برای ستم برآنها بهانه جویی نکنید با توجه گوش کنید شما بر زنهایتان حق دارید زنهای شما بر شما حق دارند حق شما بر آنها این است که بر بستر های شما کسی را که شما پسند ندارید نگذارندو در خانۀ شما کسی را که شما پسند

ندارید بدون اجازۀ شما راه ندهند با توجه گوش کنید حق زنان بر شما این است که شما در مورد خوراک و پوشاک ایشان نیکی و احسان کنید». ترمذی.

یعنی مردان باید بر زنان به فراخ دستی مصرف نمایند و بر آنها در مورد خوراک وپوشاک تنگ نگیرند و نیز فرمودند: «کامل ایمان‌ترین مردمان خوشخوی تر ونرم تر ایشان است با خانواده اش». و نیز فرمودند: «بهترین شما بهترین شما نسبت به خانواده اش می‌باشد ومن بهترین شما نسبت به خانواده ام می‌باشم». وهمچنان یکی ازیاران رسول اکرمﷺ گفت که رسول خداﷺ ازهمه مردم بیشتربا زنانش شوخی ومزاح می نمود و از جمله حقوق معنوی زن این است که او باید درخانه اش آرامش روحی داشته باشد واز شوهرش کوچکترین ترس ودلهرۀ به دل نداشته باشد یعنی مرد نباید از بابت هیچ کاری زنش را آزرده خاطر نماید جز در امور شرعی مثلا اگر زنی نماز نخواند ویا حجاب شرعی را رعایت نکند شوهرش می‌تواند با او قهر و یا درشتی کند ودر صورت لزوم او را تنبیه نماید در غیر این صورت او نمی‌تواند با بهانه گیری‌های واهی زنش را مورد آزار واذیت قرار دهد در خبر است آخرین چیزی که رسول اکرمﷺ هنگام وفات وصیت فرمودند سه کلمه بود «نماز (را برپا دارید) وغلامان را نیکو دارید واز خدا بترسید در کار زنان که ایشان اسیر اند در دست شما به عهد خدا ایشان را گرفتۀ اید وبه کلمۀ الهی وجود ایشان راحلال نمو ده اید». بطور مسلم اهمیت حقوق زنان در این جا مشاهده می‌شود؛ زیرا حقوق زن یکجا بانماز که بهترین عبادات محسوب گشته واز اهمیت و مرتبۀ بالای در اسلام بر خوردار است وآن هم در آخرین سفارشات پیامبرﷺ یاد آوری گشته وروی آن تأ کید گردیده است پس کسانی که در منجلاب جاهلیت غرق اند باید ازین حدیث گهربار‌رسول اکرمﷺ پند گرفته واز این به بعد رفتارش را نسبت به خانواده اش اسلامی وانسانی سازد اگر چنانچه زنی شوهر بد اخلاق وبهانه گیر داشته باشد

او میتواند با در پیش گرفتن رویهٔ خوب وبرد باری هم در دنیا زندگی را شیرین سازد وهم ثواب بزرگ اخروی را به دست آورد رسول اکرمﷺ فرمودند: «هر مردی که در بد اخلاقی زن خود صبر کند خداوندﷻ او را مزدی بدهد مثل آنکه ایوب را داد در بلا و هر زنی که در بد اخلاقی شوهرش صبر کند خداوندﷻ او را ثوابی مثل ثواب آسیه زن فرعون بدهدپس زنی که شوهر بد اخلاق ویا خدای ناکرده بی دین دارد بدون تردید زجر وعذاب فراوانی میکشد به این سبب رسول اکرمﷺ به چنین زنی که در مقابل بد اخلاقی ویا بی دینی شوهرش صبر وتحمل نماید ثوابی چون ثواب آسیهرضی الله عنها زن فرعون مژده داده اند خوشا بحال زنانی که فرمایشات رسول اکرمﷺ را سر مشق خویش قرار داده که در دنیا به آرامش روحی ودر آخرت به ثواب عظیم می‌رسند.

ای نـــورچـــراغ زنـده گانی
گـلواژهٔ عشـــق ومـــهربانی
ای نغمه ســـرای حق پرستی
پررنـــگ ز تـو بهار هسـتی
ای حـــورسرشت پاک طینت
جوشان زتو چشمه سار شفقت
ای مـظهر لطف و مهر ورزی
آزاد مـنش درین جهان زی
بـــرپـــایهٔ مـادراست محکم
بـنیـاد جـــوامع مـــکـــرم
بـــرخیز وشرربـه عالم افگن
ایـن دام فســـون ظلم برکن

اوصاف زن خوب

زن پارسا بهترین سرمایۀ مرد است رسول اکرمﷺ به یکی از یارانش فرمودند: «آیا خبر ندهم ترا به بهترین گنجی که مرد برای خود می‌سازد (آن گنج) زن پارسا است چون مرد نظر کند بسوی او خوشحال وشادمان گرداند او را وچون کار فرماید او را فرمانبرداری کند او را وچون غائب گردد از آن زن حق اورا نگه دارد در نفس ومال». مشکوة.

زن شایسته بزرگ‌ترین یار ومددگار مرد است؛ او را در راه دین تقویت نموده به او آرامش روحی می‌دهد زن خوب نسبت به مرد به منزلۀ وزیری دلسوز است که در امور دینی ودنیوی او را کمک می‌کند. رسول اکرمﷺ فرمودند: «بهترین مال زبان ذکر کننده، دل سپاس گذاری و همسر مؤمنی است که در ایمان شوهر او را تقویت کند». ترمذی. و نیز فرمودند: «تمام چیزهای دنیا قابل استفاده هستند و بهترین چیز دنیا که از آن استفاده شود زن صالحه ونیکو کار است». مسلم. و نیز فرمودند: «اگر زنی بمیرد و شوهرش از او خوشنود باشد در بهشت داخل خواهد شد». ترمذی.

ای زن مؤمن تو خود گلدستۀ   از متاع این جهان وارستۀ

نقش تو در این جهان آمد مهم   زنده گی چون دانه وتو هستۀ

حقوق شوهر بر زن از نگاه اسلام

بر زن مسلمان واجب است که در امور مشروع از شوهرش اطاعت نماید؛ زیرا بعد از وظایف دینی که بر عهدۀ زن قرار دارد، مهم‌ترین وظیفۀ او فرمانبرداری از شوهر می‌باشد. رسول اکرمﷺ فرمودند: «اگر من (بجز از خداوند) امر می‌کردم که یکی دیگری را سجده کند حتما به زن امر می‌کردم که شوهرش را سجده کند». ترمذی. و نیز فرمودند: «اگر از سر تاپای مرد زرداب

باشد وزن اورا بلیسد شکر اورا ادانکرده باشد». از این احادیث به خوبی فهمیده می‌شود که حقوق شوهر بر زنش تاچه اندازه بزرگ است اسلام حقوق شوهر را بر زن مقدم تر از حقوق والدینش قرار داده است مثلا اگر والدین زنی به او فرمان دهند که فلان کار را انجام بده ویا فلان جا برو وهمسرش او را ازین کارها منع نماید بر زن واجب است که از گفتهٔ شوهرش تبعیت نماید هر چند که فرمان والدینش شکسته شود. رسول اکرمﷺ فرمودند: «زن وقتی نمازهای پنجگانهٔ خود را بخواند، ماه رمضان را روزه بگیرد، پاکدامنی خود را حفظ نماید و از شوهرش فرمانبرداری کند حقیقتا از هر دری که بخواهد وارد بهشت می‌گردد». مشکوة. یکی از خصوصیات زن خوب این است که باید رازدار شوهرش باشد اگر زن اسرار شوهرش را نزد مردم فاش نماید اعتماد شوهرش را نسبت به خود از دست می‌دهد که این رفتار او سبب می‌شود شوهرش اسرارش را از او پنهان نماید که در نتیجه این عمل بد گمانی را در بین آنها بوجودآورده وسبب ایجاد اختلاف وکشمکش دربین آنها می‌گردد. خداوندﷻ زنانی را که آبرو و اموال شوهر خود را حفاظت می‌نمایند ستوده است قرآن‌کریم: ﴿فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِلغَيبِ بِمَا حَفِظَ اللّهُ﴾ [نساء: ٣٤]

پس زنان نیکو کار فرمانبرداراند نگهدارنده اند در غیاب شوهر آنچه را خداوند به حفظ آن امر فرموده است. یعنی زنان خوب زنانی می‌باشند ضمن اینکه از شوهر شان فرمانبرداری نمایند در غیاب شوهر نیز از اموال، اسرار و آبروی ایشان حفاظت می‌نمایند در واقع مهم‌ترین وظیفهٔ زن در غیاب شوهر این است که از وجود خود حفاظت نماید؛ زیرا حفاظت کردن زن از وجودش حفاظت از آبروی شوهرش می‌باشد اگر زنی درغیاب شوهرش افراد نامحرم ویادوستان ناباب را به منزلش راه دهد ویا خودش به منزل چنین افرادی برود مسلماً با آبروی شوهرش بازی نموده است که اگر مردی متدین بوده ونسبت به زنش

غیرت داشته باشد هرگز چنین روشی را از زنش نمی‌پسندد در واقع بعد از حفاظت نمودن زن از وجودش حفاظت از اموال شوهرش در درجهٔ دوم قرار دارد، زن حق دارد از مال شوهرش به قدر کفاف خود وفرزندانش خرج نماید اگر زنی احیاناً شوهر بخیل داشته باشد وبطور معمول خوراک وپوشاک او وفرزندانش را نمی‌دهد آن زن می‌تواند در غیاب وبدون رضایت شوهرش به قدر کفاف خود وفرزندانش از مال او مصرف نماید هیچگاه برای زن جایز نیست که دست ودل بازهر طور که میل دارد در مال شوهرش تصرف نماید ویابه سبب فخر فروشی ویاچشم وهم چشمی پول شوهرش را صرف خریدلوازم واجناسی نماید که امروزه به منظور تزئین خانه‌ها به اصطلاح مد روز گردیده است که درین صورت آن زن بجای اینکه نگهبان خانه باشد دزد خانه محسوب می‌گردد که بدون شک در روز قیامت از جانب خداوندﷻ مورد سؤال وباز خواست قرار خواهد گرفت رسول اکرمﷺ فرمودند: «آگاه باشید هر کدام شما راعی وچوپان هستید و هر کدام شما نسبت به رعیت خود مسؤول هستید پس زمامدار مردم چوپان ونسبت به رعیتش مسؤول است مرد بر اهل بیتش چوپان ونسبت به آنها مسؤول است وزن برمنزل واولاد شوهرش چوپان ونسبت به آن مسؤول است غلام برمال اربابش چوپان ونسبت به آن مسؤول است آگاه باشید هر کدام شما چوپان وهر کدام شما نسبت به رعیت خود مسؤول هستید». زن باید به قدر توان اقتصادی شوهرش از مالش خرج نماید ویا از او چیزی بطلبد در غیر این صورت آن زن گنهکار محسوب می‌شود اگر زنی از شوهرش چیزی طلب کند که شوهرش توان خرید آن چیز را نداشته باشد نباید آن زن روی ترش نماید ویا زبان به گله وشکایت بکشاید که این عمل نشان بی وفائی اوست رسول اکرمﷺ فرمودند: «اگر در مدتی بسیار طولانی در حق زن نیکی کرده باشی به محض اینکه یک مرتبه مطابق میلش عمل نکنی (همه احسانات گذشته را نادیده

گرفته) میگوید از توهرگز خیری ندیدم». متفق علیه. پس زن خوب ومتدین زنی است که در هر حال باشوهرش بسازد هنگامی که شوهرش در وسعت وفراخی قرار دارد احساناتش را با فرمانبرداری سپاس گذاری نماید وهنگامی هم که در تنگ دستی قرار داشته باشد باید نسبت به او وفادار باشد وزبان به گله وشکایت نگشاید.

طلاق از نگاه اسلام

رسول اکرمﷺ فرمودند: «بدترین مباح نزد خداوند طلاق است». ابوداود. یعنی اگر چه طلاق بنا بر ضرورت‌های اجتماعی مباح قرار داده شده است، اما خداوندﷻ آن را ناپسند می‌دارد؛ زیرا سبب جدائی دو همدم و دو شریک از هم می‌گردد؛ خداوندی که مسلمانان را تشویق به ازدواج می‌نماید تا هم عفت وپاکدامنی آنها محفوظ بماند وهم رشتهٔ توالد وتناسل دربین آنها ادامه یابد، تا ازین طریق فرزندان مؤمن وشایستهٔ تحویل جامعهٔ اسلامی بدهند مسلماً وقتی در بین مرد و زن مسلمان طلاق واقع می‌شود بر خلاف مرضی خداوندﷻ می‌باشد، پس اسلام وقتی اجازهٔ طلاق می‌دهد که ادامهٔ زندگی برای مرد و زن ناممکن می‌گردد و صفا و دوستی جای خود را به بغض وکینه می‌دهد وتمام درهای آشتی وسازش بسته می‌شود آن وقت است که اسلام برای آخرین چاره از طلاق استفاده می‌نماید. قرآن‌کریم: ﴿وَاِن خِفتُم شِقَاقَ بَینِهمَا فَابعَثُوا حَكَمًا مِن اَهلِهِ وَحَكَمًا مِن اَهلِهَا اِن يُرِيدَا اِصلاَحًا يُوَفِّقِ اللّٰهُ بَينهُمَا اِنّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا﴾ [نساء: ۳۵]

و اگر ترسیدید از مخالفت میان زن و شوهر پس معین کنید صلح کاری از خویشان مرد وصلح کاری از خویشان زن اگر این صلح کاران بخواهند صلح را البته موافقت کند خداوند در میان ایشان بدرستی هست خداوند دانای آگاه.

وقتی که بذر نفاق ودشمنی بین مرد و زن پاشیده می‌شود اسلام اجازه نمی‌دهد که ما به تماشای رشد این بذر بنشینیم وهیچ عکس العملی از خود نشان ندهیم مرد باید با احساس اولین نشوز و سرکشی زن که زنگ خطری است برای جدائی وطلاق نخست با پند واندرز همسرش را به راه سازش وآشتی رهنمائی کند مسلماً پند واندرز با زبان نرم وخوش روی مخاطب اثرعمیق می‌گذارد اگر احیانا ازین راه نتوانست همسرش را به توافق وادار نماید در رختخواب از او جدائی اختیار نماید اگر این رفتارهم کار ساز نشد اور ابزند البته با دست طوریکه بدنش کبود ویا مجروح نشود اگر همسرش با او سازش نمود دیگر برایش بهانه جوئی نکند و او را بیخود آزار ندهد اما اگر این کارها به تنهائی برای همسرش اثربخش نبود و از طلاق وجدائی می‌ترسید جهت رفع خطر طلاق باید صلح کاری از فامیل مرد و صلح کاری از فامیل زن در امور خانواده‌گی آنها دخالت نمایند که اگر آنها واقعا نیت اصلاح داشته باشند وخالصا برای رضای خداوندﻷ کار کنند خداوندﻷ نیز از برکت خلوص نیت آنها در بین مرد وهمسرش توافق بر قرار خواهد نمود وقتی تمام این کارهای آشتی جویانه جهت جلوگیری از وقوع طلاق مؤثر واقع نشد وادامهٔ زندگی برای مرد و همسرش ناممکن گردید برای آخرین چاره از طلاق استفاده می‌شود؛ زیرا اسلام در هیچ مشکلی بن بست قرار نداده و واقعیت‌ها را نادیده نمی‌گیرد و انسان را نسبت به آینده اش نا امید نمی‌سازد قرآن‌کریم: ﴿وَإِن يَتَفَرَّقَا يُغۡنِ ٱللَّهُ كُلّٗا مِّن سَعَتِهِۦۚ وَكَانَ ٱللَّهُ وَٰسِعًا حَكِيمٗا﴾ [نساء: ۱۳۰]

و اگر از هم جدا شوند خداوند هر دوی آنها را از فضل ونعمت خود بهره مند وبی نیاز خواهد نمود که خداوند را رحمت بی منتهاست وبه حق وحقیقت هر چیز داناست. در حقیقت بیشتر طلاق‌ها که بین مرد و زن واقع می‌شود به این سبب است که هنگام ازدواج مرد و زن ازهم شناخت کافی ندارند یعنی ازدواج

بدون تحقیق وبرمبنای هوس صورت می‌گیرد مثلا به محض دیدن طرف مقابل مجذوب وشیفتۀ ظاهر وزیبائی او می‌شود بدون توجه به خصوصیات دینی و اخلاقی با او ازدواج می‌نماید و یا مرد و زن هم کفو نیستند اگر زن زیبا ومرد زشت، زن ثروتمند و مرد فقیر، زن دیندار و مرد بی دین، زن دارای نسب عالی ومرد بی اصل، زن تحصیل کرده ومرد بیسواد ویا برعکس باشد نتیجۀ جز اختلاف وطلاق در بر ندارد مرد وزن باید هنگام ازدواج تمام این امور را مد نظر داشته باشند تا در آینده دچار مشکل نشوند. بعضی اوقات هم به سبب سبک زبانی وحماقت مرد طلاق واقع می‌شود بسیاری از طلاق‌ها هم به سبب فریب خوردن زن است مثلا مردی که دارای موقعیت اجتماعی ویا ثروت است به زنی می‌گوید که اگر تو طلاق خود را از شوهرت بگیری من با تو ازدواج می‌کنم آن زن بدبخت هم شروع به سر کشی وجنگ ودعوا می‌کند که در نتیجه همسرش مجبور می‌شود او را طلاق دهد آن مرد حقه بازهم از ازدواج با او خود داری می‌کند وبه عنوان تماشاگر این فیلم بد فرجام می‌نشیند ونظاره می‌کند رسول اکرمﷺ فرمودند: «از مانیست کسی که زنی را علیه شوهرش یا غلامی را علیه اربابش بشوراند». مشکوة. کسانی که سبب اختلاف و جدائی بین مرد و زن می‌شود باید در این حدیث خوب تأمل نمایند زنانی نیز که بدون عذر موجه از شوهر شان خواستار طلاق می‌شوند باید به این حدیث توجه کنند که رسول اکرمﷺ فرمودند: «هر زنی که بدون عذر از شوهرش خواستار طلاق شود بوی بهشت بر او حرام است». ترمذی. و نیز فرمودند: «زنانی که خواهان جدائی وخلع (ازشوهر) هستند منافق اند». مشکوة. این توبیخ برای زنانی است که بدون هیچ مشکلی خواستار طلاق می‌شوند اما اگر زنانی که شوهرشان سرکش بوده و از دادن نان ونفقۀ آنها سرباز می‌زند ویا شوهر فاسق دارند یعنی آشکارا حدود شریعت را نقض می‌کند مثلا شراب می‌نوشد و دزدی می‌کند وغیره

خواستار طلاق شوند شامل تهدید این حدیث نمی‌شوند البته این به شرطی است که این زنان تمام راه‌های چاره جوئی را رفته باشند وتمام سعی وتلاش خود را جهت رهنمائی شوهر منحرف خود کرده باشند.

دم مـــزن هیـچ از جدائی و فراق — پـــیش یزدان ناپسند آمد طلاق
چشمها گردیـــده گریان از طـلاق — قـــلبها گشته پریشان از طلاق
دورباش ازایـــن هیولای مهــیب — چـــنگ ودندان تـــیزدارد بارقیب
برطلاق آن کس که لب خندان کند — بیشـــک اومهمانی شیطان کند
ازعـــناد و زلجـــــاجت دور باش — بـذر مهر و عشـق اندر سینه پاش
رشـــتهٔ پـــیونـد خود محکم نما — زانـــکه می آرد جـــدائی صد بلا
کودک معصوم خــود گریان مکــن — خانه اش با دست خود ویـران مکن
کودک خــــودرابه دست خود یـتیم — نـــیست کارصاحب عـــقل سلیم
طـــــفل تو مادر بخواهد هم پدر — تا کـــه نخلـش قـد برآرد پر ثـمر
ازوجـــــودمـــادراست گـرمای او — از وجــود بـــاب خــوش دنیای او
مـــادر است خورشید دنیای وجـود — بـــافتـــه ازمـام گـــردد تـارو پود
شـیرمـــادربــهتر از آب حـــیات — مـــهر او احــیا گـــرجـان ممـات
چـــتر مـــادر نـخل او را سایبان — میـــکند روشـــن زمهرش آشیـــان
کودکـــــی کـــزســـایبان مادرش — دور شـــد پـــژمرده گردد پیـکرش

مسلما مردانی که حدود خداوند‌ﷻ را سرسری گرفته وبه اندک بهانهٔ زنش را طلاق می‌دهند نه تنها در حق زن خویش ظلم می‌کنند بلکه بزرگ‌ترین ستم و ظلم را در حق فرزندان خود مرتکب می‌شوند اطفال معصومی که قربانی هوس پدر گشته مانند یتیمان به این در و آن در گرسنه وپریشان می‌گردند

متأسفانه کسی هم به حال ایشان ترحم ندارند زیرا آنها واقعا یتیم نیستند و ظاهرا پدر و مادر دارند پدر با ازدواج مجدد از حال آنها غافل گشته و مادر هم یا ازدواج کرده ویا جدای از آنها زندگی نموده وتوانای تامین مخارج زندگی آنها را ندارد.

ای پــــــدربــا مادرم دعوامکن   کــینه ازمامم به دل پــیدا مــکن
این قــدر بامن تو بی مهری مکن   عـــشق رابادشمنــی سودا مکن
ازعســی ان تــکرهـوا الــهام گیر   زندگـــی را تــلخ و بی معــنا مکن
گر تو را با مادرم صد مشکل است   مشـــکلـت را با طلاقش وامکن
خــانـه ام رابــرســرم آتش مزن   طـــفل خود آوارهٔ صحــرا مــکن
از مــدارا وتــحمل کـــار گـــیر   خــویش راچون جاهلان رسوا مکن
من کبــوتربــچه ام بــی بــال وپر   لانــه ام نابـــود بی پـــروا مــکن
شـفقت مـــادر مدار از مـن دریغ   هــم امــیدم قـــطع از بابا مــکن
هــان بـــه موج قهر وطوفان عناد   کشتــی ام را غــرق در دریـا مــکن
نــو گــلم انــدر گــلستان وجود   پــرپـــرم چـــون لالهٔ حـمرا مــکن
تــیشه را بـــر ریشهٔ نخلم مزن   بــروجــود مـــن ستـم بیجا مــکن
شــــاد وآزادم چو سرو اندر چمن   قــلب مــن مــملوّ از غـمها مــکن

حقوق والدین در اسلام

حقوق والدین در اسلام از اهمیت خاصی بر خوردار است بهتر است که اهمیت مقام والدین را از کلام وحی بشنویم. قرآن‌کریم: ﴿وَقَضَى رَبُّكَ اَلاّ تَعبُدُوا اِلاّ اِيّاهُ وَبِالوَالِدَينِ اِحسَانًا اِمّا يَبلُغَنّ عِندَكَ الكِبَرَ أَحدُهُمَا اَو كِلَاهُمَا فَلاَتَقُل لَّهُمَا اُفٍّ وَلاَتَنهَرهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَولاً كَرِيمًا وَاخفِض

لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحمَةِ وَقُل رَّبِّ ارحَمهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ [اسراء: ۲٤ ـ۲۳]

و حکم کرد پروردگار تو اینکه عبادت مکنید مگر خودش را وبکنید باپدر ومادر نیکوکاری اگر برسد نزدیک تو به کلان سالی یکی از ایشان یاهر دو پس مگو ایشان را اُف وبانگ مزن بر ایشان وبگو باایشان سخن نیکو وپست کن برای ایشان بازوی تواضع رااز جهت مهربانی وبگو ای پروردگار من ببخشای بر ایشان چنانچه پرورش کردند مرا در خورد سالی.

ببینید که چه نکات ظریفی درین آیات آمده است اگرچه دراینجا حقوق مادی آنها نیز در نظر گرفته شده است ولی بیشتر تأکید روی حقوق معنوی آنها می‌باشد؛ زیرا معنویات همیشه بالاتر و مقدم‌تر از مادیات است درین جمله که می‌گوید با پدر و مادرت نیکی نما نیکی شامل حقوق مادی ومعنوی آنها می‌شود اما در جمله‌های بعدی تمام توجه قرآن‌کریم به حقوق معنوی آنها می‌باشد مخصوصا وقتی که پدر و مادر به بزرگ سالی برسند معلوم است که نیاز والدین به فرزندشان بیشتر می‌شود اینجا قرآن‌کریم از شخص مسلمان می‌خواهد که اگر یکی از پدر و مادر و یا هر دوی ایشان نزد تو به کلان سالی برسند هرگز به ایشان اُف مگو اُف کلمۀ زجر و توبیخ است که معمولا هنگام خشم و ناراحتی از زبان بر می‌آید هر کلمۀ که هم معنی اُف باشد شامل این نهی می‌شود مثلا بگوید آخ و یا وای ویا من از دست شما خسته شدم ویا دیگر تحمل شما را ندارم یعنی هیچ کلمۀ بر زبان نیاوری که ایشان را ناراحت سازی ونیز بر ایشان صدای خود را بلند مکن یعنی کاری مکن که سبب دوری آنها از تو گردد وهمچنان در جملۀ آخر آمده است که با ایشان سخن نیکو بگو یعنی نه تنها از سخنان ناراحت کننده خودداری نما بلکه باگفتن سخنان نیکو دل آنها را خوش گردان ودر آیۀ بعدی سخن از این هم بالاتر رفته است وقتی که می‌فرماید وپست کن برای

ایشان باز وی تواضع ومهربانی را یعنی با ایشان نهایت تواضع و فروتنی را داشته باش و رفتار مأدبانه در پیش‌گیر خدمت ایشان را از روی طوع ورغبت بکن نه از روی مجبوری وناراحتی ودر جملهٔ آخر این آیهٔ قرآن کریم احساسات مارا نسبت به ایشان بر می‌انگیزد می‌فرماید بگو پروردگارا ایشان را ببخش همان طور که مرا در حالت طفلی پرورش دادند و بزرگ کردند یعنی حالت خورد سالی خود را به یاد آور که ضعیف‌ترین موجودات بودی این پدر ومادرت بودند که مشکلات زیادی را متحمل شده برای تو زحمات طاقت فرسای کشیدند شب وروز کوشیدند تا اسباب آسایش وراحتی تورا فراهم سازند وجوانی پر بار خود را صرف پرورش تونمودند تا تو بزرگ گشتی آیا این انصاف است که تو باکمال ناجوانمردی ایشان را در پیری رها سازی وبه بهانه‌های گوناگون ایشان را از خود برانی وروح لطیف آنها را جریحه دار سازی در جای دیگری از قرآن‌کریم آمده است:

﴿وَ وَصَّینَا الاِنسَانَ بِوَالِدَیهِ حَمَلَتهُ اُمُّهُ وَهنًا عَلَی وَهنٍ وَفِصَالُهُ فِی عَامَینِ اَن اشکُر لِی وَلِوَالِدَیکَ اِلَیّ المَصِیرُ وَاِن جَاهَدَاکَ عَلَی اَن تُشرِکَ بِی مَا لَیسَ لَکَ بِهِ عِلمٌ فَلاَ تُطِعهُمَا وَصَاحِبهُمَا فِی الدُّنیَا مَعرُوفًا وَاتّبع سَبِیلَ مَن اَنَابَ اِلَیّ﴾ [لقمان: ۱۵ـ۱٤]

و ما انسان را سفارش به نیکی نمودیم نسبت به پدر و مادرش (مخصوصا) مادر که بار حمل فرزند را بر داشته است سستی بالای سستی واز شیرباز کردن اودر دوسال است اینکه سپاسگذاری کن مرا وپدرومادرت را بسوی من است بازگشت واگر کوشش کنند با تو برآنکه شریک مقررکنی با من چیزی که نیست تورا به حقیقت آن دانش پس فرمانبرداری ایشان مکن ولیکن در دنیا با آنها به حسن خلق مصاحبت کن وپیروی کن راه کسیکه رجوع دارد بسوی من. خداوند جل جلاله انسان را سفارش به نیکی نموده است نسبت به پدر و مادرش

مخصوصا مادرش که بر داشت او را سستی بالای سستی خداوندﷻ مراحل سخت دوران بارداری را به انسان یاد آوری می‌نماید تا احساسات او را نسبت به مادرش بر انگیزد ونیز می‌فرماید جداکردن فرزند از شیر برحسب معمول دوسال است که این دوران سخت شیردهی را نیز مادر متحمل می‌شود وقتی که خداوندﷻ وسیلۀ آفرینش تورا پدر ومادرت قرار داده است ورحمت ومهربانی را نسبت به تو دردل آنها نهاده است تا تو را با قبول تمام مشکلات بزرگ نمایند از تو می‌خواهد که در مقابل این نعمت از پروردگار خود و نیز پدر و مادرت سپاسگذاری نمائی یعنی با تمام وجود در خدمت واطاعت ایشان باشی زیرا اطاعت از ایشان در حقیقت اطاعت از خداوندﷻ است و همچنان می‌فرماید اگر پدر و مادرت کوشش نمودند اینکه نسبت به من شریک قرار دهی آنچه که به آن دانش وفهم نداری هرگز از ایشان پیروی مکن یعنی ازاین سخن ایشان و با آنها در دنیا به روش معروف و پسندیده مصاحبت نما یعنی اگرخدای ناکرده پدر و مادر کسی کافر هم باشند تنها باید در امور اعتقادی و دینی از آنها پیروی نشود ولی کفر آنها حقوق دیگر آنها را از فرزند سلب نمی‌کند یعنی در دنیا باید با آنها بطور پسندیده رفتارنماید تا جبران احسانات آنها را ولو کوچک کرده باشد اگر به قوانین حقوقی تمام جهان بنگریم می‌بینیم که چنین قانون جامعی نسبت به والدین در هیچ مادۀ گنجانیده نشده است که این قدر نسبت به حقوق والدین توجه داشته باشد رفتار مردم در جوامع متمدن امروز این است که وقتی پدر ومادرشان به سن پیری می‌رسند و وجود شان برای فرزند مشکل ساز می‌شود آنها را با کمال نا جوانمردی به آسایشگاه می‌فرستد بعد سالی یک یادو بار به مناسبت عید ویا روز تولد ایشان نزد ایشان رفته با هدیه کردن یک دسته گل به ایشان به گمان خود آنهارا از خود خوش می‌گرداند ببینید چه فرق فاحشی وجود

دارد بین این حقوقی که انسان متمدن امروز برای والدین وضع کرده وبین حقوقی که خداوند حکیم برای والدین در نظر گرفته است.

الا مــــادر بــود جانم فدایت | به چشمم سرمه باشد خاک پایت
تو هستی آیتی از رحمت حـق | تــو هستی شاهکار صنعت حق
بهـــشتم زیر پای توست مـادر | رضای حق رضای توست مـادر
چـــوازمـهدم بدامانت نشـاندی | بـه گوشم حرف الا الله خواندی
مـــرادرگلشن توحیـد بـــردی | بـــه آن سر چشمهٔ جاوید بردی
زتوحیـــد ونبوت راز کـــــردی | دری را از حقایـــق باز کـــردی
نـــشانم دادهٔ زان بی نـــشانـم | بـــه ذکرش باز کردستی زبـانم
زدی ازعشق حق تیری بجانـم | بـه مهرش پرورش دادی روانم
به من دادی تودرس بنده گی را | بـــه مـن آموختی افگنده گی را
الا ای بــــهترین دوستانـــم | زمـــدح تــــوبود کوته زبانم
به روزغم مراغمخــوار بـــودی | انـــیس ایـن دل افـــگار بودی
زشیـــــرخویشتن کردی غذایم | به جـــان برداشتی رنج و بلایـم
تـــو میباشی چراغ منزل مـن | حـــضور تو صفای محفل مـن
تو را هر روز گویم شکرصد چند | کـه باشد شکر تو شکر خـداوند
کنـم وصف تورا مادر چگـونه | مـــیان مــــادران هستی نمونه
تنیـــده حب تودرتـــاروپـــودم | زمهرت زنده گی دارد وجـــودم
تــوئی کـــانون گرم خـانهٔ مـن | زبـــود تـــوست گلشن لانهٔ مـن
به حمد الله چه نیکومادرهستی | به قلب من فروزان اختر هسـتی

درین غربت اگرمن جان سپارم　　زمـهر مــادری مــنت گـــذارم

حلالـــم کن زشیـــرخویش مادر　　بـــنه مرهم بـــه قلب ریش مــادر

کـــــه تــا زنده شوم اندرقیامت　　شوم از زمـــرهٔ اهـــل ســـعادت

آورده اند که شخصی از رسول اکرمﷺ پرسید چه کسی به حسن رفتار من مستحق‌تر است؟ فرمودند: «مادرت» گفت بعد کیست؟ فرمودند: «مادرت» گفت بعد کیست؟ فرمودند: «مادرت» گفت بعد کیست؟ فرمودند: «پدرت» بخاری.

ازین حدیث معلوم می‌شود که حق مادر مقدم‌تر از حق پدر است زیرا بعد از اینکه رسول اکرمﷺ در جواب سؤال آن مرد سه بار لفظ مادرت را تکرار نموده برای بار چهارم فرمودند پدرت حکمتش هم این است که مادر در دوران بارداری، وضع حمل و شیردهی مشکلات و زحمات اضافی را نسبت به پدر متحمل می‌شود بنابرین خداوندﷻ که تمام کارهایش از روی حکمت وعدالت می‌باشد در اینجا حقوق مادر را چند برابر حقوق پدر قرار داده است تا جبران زحمات او کرده شود ونیز آمده است که شخصی مادرش را بر پشتش سوار کرده دور خانهٔ خدا طواف می‌داد بعد از رسول اکرمﷺ پرسید؛ آیا با چنین خدمتی حق مادرم را ادا نمودم؟ فرمودند: «حق لحظهٔ بسیار کوتاه به اندازهٔ یک تنفس هنوز هم ادا نشده است» باید به این فرمایشات رسول اکرمﷺ خوب فکر نموده بعد رفتارخود را نسبت به والدین بسنجیم کجا که رفتار ما نسبت به آنها اسلامی بلکه انسانی هم نیست با وجود این باز هم ادعای مسلمانی داریم.

قصد توبه مغرب است ای وای　　روی توبـــه شرق دیده بکشـــای

ای چـــراغ زنده گـی ای مادرم　　درفــضای زنده گی بـــال وپــرم

مادر ای سـرچشمهٔ آب حیـــات　　ازتوباشدزنــــده این جان ممـــات

مادرای گلدسته بـــاغ جنـــان ای وجودت رحـــمتی ازذوالمنان
جنت آمد زیرپـــای مـــادران گـفـت اِین راخــاتـــم پیـــغمبران
ای رضای تورضای ذوالجــلال شـفـقـت ومهـــرتوبـــاشدبرکمال
از وجـــــود تو لبا لب جام ما از وجـــــودتـوست شیرین کام ما
واژه های عشق رامعنا تـــوئی عشـق راسرمایـه وسودا تـــوئی
ای وجود تو چوابر نو بـــــهار برگیاه خشک ما شد مشکبـــــــار

عبدالله ابن مسعود رضی الله عنه می‌گوید از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم پرسیدم کدام کارها راخداوند جل جلاله بیشتر دوست دارد؟ فرمودند: «نماز در وقت آن» گفتم پس کدام عمل؟ فرمودند: «احسان به پدر ومادر» گفتم پس کدام عمل؟ فرمودند: «جهاد درراه خدا». بخاری. وهمچنان رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «کسی که دوست دارد که خداوند او را طول عمر و وسعت رزق عطا فرماید پس باید با والدین خود احسان وبا خویشاوندان خود رفتار خوب نماید». بیهقی. یعنی شخص با فرمانبرداری از والدین نه تنها پاداش اخروی می‌برد بلکه دردنیا نیز خداوند جل جلاله درمقابل احسانش به والدین به او پاداش طول عمر و فراخی رزق عطا می فرماید و همچنان روایت است که شخصی ازرسول اکرم صلی الله علیه وسلم سؤال کرد حق والدین بر فرزندان چیست؟فرمودند: «آنها بهشت ودوزخ تو هستند». مشکوة. یعنی شخص با فرمانبرداری ازپدر ومادر وارد بهشت وبا نا فرمانی ایشان داخل دوزخ میشود وهمچنان فرمودند: «گناهان بسیار بزرگ اینها هستند شریک گردانیدن چیزی با خداوند، نا فرمانی از پدرومادر،قتل ناحق وسوگند دروغ». مشکوة. اینجا باید خوب غور و تأمل شود که گناه نافرمانی والدین باشرک آوردن به خداوند جل جلاله که بزرگترین گناهان محسوب می‌شود قرین ورديف گردانیده شده است کسانی که با بهانه‌های گوناگون به آزار واذیت پدر ومادر خود میپردازند باید رفتارش را

با والدین از آئینۀاین حدیث بنگرند وخود قضاوت نمایند که آیا ورود آنها به دوزخ حتمی نیست؟ و آیا نزد خداوندﷻ هیچ عذری از آنها پزیرفته می‌شود؟

ای مـــادرم ای مـــــادرم	ای سایــــبان اندر سـرم
مـن زنـدگی دارم ز تـــــو	ای روح انــدر پیـــــــکرم
بر هستیت ای کان لطف	فـخر آورد پیغمبـــــــرم
شــکر خداگـــــــردد ادا	شــکـرت بــجـــا ار آورم
ای مهد مهرو عاطــــفه	عشقت بـه صد جان میـخرم
ای بهترین دوســــتان	در بـاغ دل نیلو فــــــرم
جنت به زیر پای توســت	گفتا مــحمد ســرورم
اندر فضای سیـــــنه ام	هـستی فروزان اخـــــترم
معنی ندارد زنده گـــــی	چون تو نباشی در بــــرم
در گوش من شد گوشوار	قرآن چـو گفت لا تـنـهـرم
اندر کویر زنده گـــــــی	هستی چـو آب کـــوثــرم
چـون بــرۀ پــرورده ام	درباغ مــهـرت می چــرم
عشـق تورا در قـلب خـود	همچون صدف می پــرورم
سیـری نـدارد روی تـــو	هـر چنـد سویــت بنـگــرم
همتـای تــو در دوســتی	کـس نـیست حـتی دخــترم
ای مظهر لطف خــــدا	بنگر بـــه ایـن چشـم ترم
کز هجر تو بردامنــــــم	از دیده ریزد گوهــــــرم
گرتو رضا باشی زمــــن	بر چرخ ساید افســــــرم
از من اگر گردی ملـــول	بس خاکسارو ابتـــــــرم

تربیت وحقوق اولاد از نگاه اسلام

حقیقتا خداوندﷻ وظیفهٔ خطیر ومهمی بر دوش والدین نهاده است وآن تربیت اولاد صالح وتقدیم آن به جامعهٔ اسلامی می‌باشد از نگاه اسلام تربیت اولاد پیش از انعقاد نطفه شروع می‌شود یعنی هر مسلمان قبل از همه باید در فکر انتخاب همسری دیندار باشد سعی نمایند با اشخاصی ازدواج نماید که پایبند مسائل دینی بوده و دارای اخلاق اسلامی و انسانی باشند؛ زیرا اخلاق والدین به فرزندشان منتقل می‌شود دوم اینکه کوشش نماید تا روزی حلال بدست آورد خوردن روزی حلال جهت شایسته گی فرزند تأثیر فراوان دارد سوم اینکه هنگام خلوت اعوذ بالله من الشیطن الرجیم وبسم الله الرحمن الرحیم بگوید چهارم اینکه هنگام حاملگی از خشم وغضب بیجا حتی الامکان خود داری نماید، زیرا روی اخلاق فرزند تأثیر سوء می‌گذارد پنجم اینکه وقتی فرزندش به دنیا آمد در گوش راستش اذان ودر گوش چپش اقامه گفته شود و نیز عمل تحنیک را انجام دهد و آن اینکه کام کودک را با کمی عسل و یا خرمای جویده شده مالش دهد ششم اینکه روز هفتم تولد فرزند گوسفندی ذبح کند ونیز موی سرش را بتراشد وهم وزن موی سرش نقره ویا قیمت آنرا به فقیری بدهد ونیز نام نیکو برایش انتخاب کند نهادن نام خوب بر فرزندان جزء حقوق آنها است رسول اکرمﷺ فرمودند: «نام‌های پیامبران را انتخاب کنید وعبدالله وعبد الرحمن از بهترین نامها هستند». مشکوة.

ازین به بعد مرحلهٔ دوم تربیت فرزند که به مراتب مشکل‌تر از مرحلهٔ اول می‌باشد آغاز می‌شود یعنی تربیت مستقیم وعملی فرزند مادر باید مراقب باشد زمانیکه فرزندش شروع به حرف زدن نماید سعی کند که کلمهٔ الله را به او تلقین نماید به مرورکه زبانش بازتر شد کلمهٔ طیبهٔ لا اله الا الله ومحمد رسول الله را به او یاد دهد وتاسن هفت سالگی آداب غذاخوردن ونظافت را به او یاد دهد

وقتی به سن هفت سالگی رسید نماز خواندن را به او یاد دهد رسول اکرمﷺ فرمودند: «در سن هفت سالگی به فرزندان تان نماز بیاموزید ودر سن ده سالگی به دلیل ترک (نماز) آنهارا بزنید». ترمذی.

و نیز از سن هفت به بعد فرزند را به مکتب بفرستند تا قرآن‌کریم، علوم اسلامی و علوم ضروری دیگر را بیاموزد بطور مسلم درین سن قدرت یاد گیری طفل بحد مطلوب می‌رسد و استعدادهای خفتهٔ او بیدار می‌شود در واقع روح طفل خلأ دارد یعنی فکرش از هر نقشی خالی است اگر در آن اخلاق حسنه بگذاری هم در آن ضبط می‌شود واگر اخلاق بد بگذاری هم در آن نقش می‌بندد قلب طفل همچون زمین مستعد وخوب می‌باشد که اگر در آن گندم بکاری هم می‌رویاند واگر حنظل کشت نمائی هم بار می‌آورد ویا چون ظرف خالی است که اگر در آن عسل بریزی هم جا می‌گیرد و اگر زهر بیندازی هم پر می‌شود پس باید نسبت به تربیت او خیلی حساس باشیم سعی نماییم که با گفتار و رفتار خود او را تربیت نماییم والدین آگاه باشند که فرزند در دست آنها امانتی است که خداوندﻷ او را در اختیار آنها قرار داده است و در تربیت او به ایشان بسیار تأکید نموده است.

قرآن‌کریم: ﴿قُوا أَنفُسَكُم وَأَهلِيكُم نَارًا﴾ [تحریم: ٦]

خود و اهل خانهٔ خود را از آتش (دوزخ) حفظ کنید.

تربیت غلط روی اخلاق فرزند اثر عمیق می‌گذارد حتی می‌تواند او را از فطرت اصلیش که مبنی بر توحید ویکتا پرستی است منحرف سازد رسول اکرمﷺ فرمودند: «هر نوزادی بر سرشت پاک (آیین یکتا پرستی) متولد می‌شود پس این پدر و مادر او هستند که او را یهودی، نصرانی و مجوسی می‌سازند». متفق علیه.

حقیقتا کودک موجودی مقلد می‌باشد یعنی هر کاری را چه خوب باشد وچه بد از بزرگ‌ترها مخصوصاً پدر ومادر خود ببیند همان را تقلید می‌نماید هیچ چیزی به اندازۀ رفتار والدین برای کودک آمو زنده نیست رفتار والدین نسبت به گفتار آنها روی تربیت فرزند اثر عمیق‌تری می‌گذارد پس باید اول رفتار خود را اصلاح نماییم اگر گفتار ماخوب و رفتار ما بد باشد فرزند ما نمی‌داند که پیروی از رفتار والدین بهتر است یا گوش سپردن به گفتار ایشان بنابرین باید رفتار و گفتار ما با شئون اسلامی هم طراز وهم آهنگ باشد تا فرزند ما دچار سر درگمی در تقلید نشود در واقع فرزندان ما میوه‌های باغ زندگی ما هستند نتیجۀ یک عمر زحمت وتلاش ما هستند اگر آنها را خوب تربیت کنیم هم آنها را در دنیا و آخرت خوش بخت می‌سازیم وهم فواید وحاصل زحمات تخمی راکه کاشته ایم روزی درو خواهیم کرد؛ زیرا هیچ آرزوی برای والدین مانند اصلاح و خوشبختی فرزندان ایشان نیست چیزی که امروزه تربیت فرزندان ما را دچار مشکل نموده است همین تلویزیون‌های ماهوارۀ وفیلم‌های مبتذل ویدیوئ می‌باشد؛ زیرا یکی از بزرگ‌ترین وسایل گمراه کننده که روی اخلاق فرزندان ما مخصوصا دختران جوان ما اثر سوء فراوان می‌گذارد همین وسایل گمراه کننده می‌باشد که در کشور ما بطور وفور یافت می‌شود ودر دسترس عموم قرار دارد پدر ومادری که به فکر آیندۀ فرزندان شان هستند باید از خریدن اینگونه وسائل که جزفساد اخلاق چیزی برای فرزندان ایشان به ارمغان نمی‌آورد جداً خود داری نمایند این فیلم‌ها طرز آشنای و دوستی نامشروع دختر وپسر را که با فرهنگ اسلامی ما شدیدا در تضاد است در بین جوانان ما رواج می‌دهد که این یک نمونه بارز تهاجم فرهنگی غرب ومکاتب مادی گری در کشور اسلامی ما می‌باشد که زیر نام آزادی بیان وآزادی رسانه‌ها فرزندان امت توحید را بکام اژدهای بی دینی می‌کشاند تا از این طریق بتواند به چور وچپاول همه جانبۀ خود ادامه دهد بطور

مسلم حقوق فرزند به تربیت خوب وچیزهای دیگری که ذکرشد خاتمه پیدا نمی‌کند بلکه از جمله حقوق او یکی هم این است هنگامی که او به حد بلوغ رسید پدرش باید هرچه سریع‌تر برای او چه دختر باشد وچه پسر همسر خوب انتخاب نماید تا او به فساد وبی بند وباری کشیده نشود اگر پدرش درین باره کوتاهی نماید درین میان فرزندش به گناه گرفتار شود پدرش به گناه او شریک وسهیم می‌باشد رسول اکرمﷺ فرمودند: «اگر کسی از شما صاحب فرزندی شد نخست نام خوبی برایش انتخاب کند و او را تربیت صحیح نموده بلا فاصله بعد از رسیدن به سن بلوغ او را همسر دهد اگر فرزند بالغ شود ونکاحش به تأخیر انجامد و به سبب تأخیر نکاح اگر مرتکب گناه شود پدر در گناه او شریک محسوب می‌شود». شعب الایمان.

و نیز فرمودند: «در تورات چنین آمده است هرکس که دخترش دوازده ساله شود وازدواجش را به تأخیر بیاندازد ودختر به دلیل تأخیر ازدواج مرتکب گناه شود گناه او به گردن پدرش خواهد بود». شعب الایمان.

براستی حال پدرانی که دختران شان را بیست ویا سی ساله می‌کنند چه خواهد بود، زیرا که حیا بر دختران غالب است آنها از فرط حیا نمی‌توانند درین باره نزد پدران شان دم بزنند، آیا اگر درین میان این دختران به گناه آلوده شوند پدران در گناه آنها شریک نیستند؟ وهمچنان ازجملۀ حقوق فرزند تامین مخارج زنده گی او است که بر پدر واجب می‌باشد پسر تا وقتیکه به سن بلوغ برسد ودختر تا وقتی که به خانۀ شوهر برود پدر باید مخارج زندگی او را تامین نماید. رسول اکرمﷺ فرمودند: «کسی که تربیت و پرورش سه دختر و یا سه خواهر را بعهده گرفته و در تربیت آنها سعی و تلاش نماید تا آنها از خدمات او بی نیاز گردند خداوند بهشت را بر او واجب خواهد کرد». سؤال شد یا رسول اللهﷺ اگر بجای سه دختر وسه خواهر دودختر ویا دو خواهر را چنین تربیت کند چگونه است؟

فرمودند: «همان اجر را دارد» و همچنان پدر ومادری که فرزند خود را صالح و نیکوکار بار می‌آورد از جانب خداوندﷻ اجر وپاداش بزرگی دریافت خواهد کرد رسول اکرمﷺ فرمودند: «بامرگ انسان تمام اعمال او منقطع می‌گردد بجز سه چیز که نفع آن برای همیشه به میت می‌رسد صدقهٔ جاریه، علمی که مورد استفادهٔ مردم باشد وفرزند نیک وشایسته که برای پدر ومادر مرده اش دعای خیر کند». یعنی اگر کسی بمیرد تمام اعمال او قطع می‌گردد بجز این سه چیز یکی صدقهٔ جاریه یعنی صدقهٔ که نفع آن عامه باشد مانند ساختن بیمارستان، مکتب، پل، راه وغیره دوم علمی که از خود به یادگار گذاشته باشد چه آن علم را به کسی تعلیم داده باشد یا کتابی سودمند از خود به یادگار گذاشته باشد سوم اینکه فرزند صالح از خود بجا بگذارد که برای پدر ومادر مرحومش دعا می‌کند ببینید که دعای خیر فرزند صالح چقدر اهمیت دارد که بعد از مرگ والدین هم ثواب آن بطور دائم به ایشان می‌رسد.

حدود حجاب در اسلام

حجاب در اسلام سخت مورد تأکید قرار گرفته است زیرا بدون رعایت حجاب شخصیت وپاکدامنی زن نمی‌تواند محفوظ بماند.

قرآن‌کریم: ﴿قُل لِلمُؤمِنِينَ يَغُضُّوا مِن اَبصَارِهِم وَيَحفَظُوا فُرُوجَهُم ذَالِكَ اَزكَى لَهُم اِنّ اللّهَ خَبِيرٌ بِمَايَصنَعُونَ وَقُل لِلمُؤمِنَاتِ يَغضُضنَ مِن اَبصَارِهِنّ وَيَحفَظنَ فُروجهنّ وَلَايُبدِينَ زِينَتهُنّ اِلّاَمَا ظَهَرَ مِنهَا وَلِيَضرِبنَ بِخُمُرِهِنّ عَلَى جُيُوبهنّ وَلَايُبدِينَ زِينَتَهُنّ اِلاّ لِبُعُولتِهنّ اَو آبَائِهِنّ اَو آبَاءِ بُعُولَتِهِنّ اَو اَبنَائِهِنّ اَو اَبنَاءِ بُعُولتِهِنّ اَو اِخوَانِهِنّ اَو بَنِى اِخوَانِهِنّ اَو بَنِى اَخَوَاتِهِنّ اَو نِسَائِهِنّ اَومَا مَلَكَت اِيمَانهِنّ اَو التّابِعِينَ

غَیرِ أُولِی الاِربَةِ مِنَ الرِّجَالِ اَو الطِّفلِ الَّذِینَ لَم یَظهَرُوا عَلَی عَورَاتِ النِّسَاءِ وَلَاَیَضرِبنَ بِاَرجُلِهِنّ لِیُعلَمَ مَا یُخفِینَ مِن زِینَتِهِنّ وَتُوبُوا اِلَی اللّهِ جَمِیعًا اَیُّهَا المُؤمِنُونَ لَعَلَّکُم تُفلِحُونَ﴾ [نور: ۳۱ ـ ۳۰]

ای پیامبر! بگوبه مردان مسلمان که بپوشند چشم‌های خود را و نگاه دارند شرمگاه خود را این پاکیزه‌تر است ایشان را بدرستی خداوند خبردار است به آنچه می‌کنند و بگو به زنان مسلمان که بپوشند چشم‌های خود را و نگاه دارند شرمگاه خود را و آشکارا نکنند آرایش خود را مگر آنچه ظاهر است از آن وباید که فروگذارند چادرهای خود را برگریبان‌های خود وآشکار نسازند آرایش خود را مگر بشوهران خویش یا پدران خویش یا پدران شوهران خویش یا پسران خویش یا پسران شوهران خویش یا برادران خویش یا پسران برادران خویش یا پسران خواهران خویش یا زنان خویش (یعنی زنان مسلمان) یا آنچه مالک او شده است دست ایشان (یعنی غلامان) یا اتباع که صاحب شهوت نباشند از مردان یا اطفالی که هنوز بر عورت و محارم زنان آگاه نشده اند ونزنند زمین را بپای خویش تا دانسته شود آنچه پنهان می‌کردند از زیور خویش ورجوع کنید بسوی خداوند همه یکجا ای مسلمانان باشد که رستگارشوید. از محتوای این آیات معلوم می‌گردد که تمام بدن زن عورت می‌باشد مگر جاهای که خود آشکار می‌شود که اکثریت علماء آنرا به جهره ودست‌ها تفسیر کرده اند البته این بدان معنی نیست که زنان با چهرۀ کاملا باز در کوچه وبازار رفت وآمد نمایند زیرا بیشتر زیبائی زن در چهرۀ او مشاهده می‌شود، بنابرین برخواهران مسلمان لازم است که هنگام بیرون رفتن از منزل سعی نمایند که تمام بدن وچهرۀ خود را بپوشانند واگر احیانا بدون اختیار وخود نمائی قسمتی از چهره باز شد گناهی در بر ندارد زیرا غالبا در پوشیدن چهره زحمت وسختی می‌باشد مخصوصا وقتی که بچهٔ در

بغل داریم و یا کاری را انجام می‌دهیم، پس به این سبب خداوندﷻ به مردان و زنان مسلمان امر می‌نماید که چشم‌های خود را بپوشانید یعنی نگاه‌های خود را کنترل نمایید تا بطور آزادانه نامحرمان را نبینید بدین وسیله خداوندﷻ می‌خواهد که عفت وپاکدامنی مردان وزنان مسلمان محفوظ بماند وهمچنان ازین آیات دانسته می‌شود که زنان نباید بجز از مردانی که درین آیات ذکرشده ویادر جای دیگری از قرآن‌کریم ویا سنت آمده است مانند شیر خواره‌گی ومصاهرت با هیچ مردی معاشرت ویا بدون حجاب نشست وبرخاست نمایند هرچند از خویشان نزدیک ایشان باشد بساری از زنان گمان می‌کنند که خویشان نزدیک او مانند شوهر خواهر ویا شوهر عمه ویا شوهر خاله ویا خویشان او از جانب شوهر مانند برادر شوهر ویا عموی شوهر ویا خالوی شوهر محرم آنها هستند در حالیکه هیچ فرقی بین نامحرم بیگانه و این نامحرمانی که خویش هستند وجود ندارد بلکه خطر اینها به مراتب بزرگ‌تر از خطر بیگانه است؛ زیرا معمولا قید وبند حجاب نزد اینها رعایت نمی‌شود.

رسول اکرمﷺ فرمودند: «از رفتن پیش زنان (نامحرم) اجتناب کنید» سؤال شد یا رسول اللهﷺ نظر شما در بارۀ خویشان مرد (مانند برادر شوهر، پسر برادر شوهر، عمو ویا خالوی شوهر) چیست؟ فرمودند: «خویشان مرد مرگ است». بخاری. یعنی اختلاط و رفت و آمد بدون قید زن با اقوام شوهر برابر با خطر مرگ است پس معلوم گردید که فامیل مرد هیچگونه محرمیتی بازن اوندارد بنابرین بر زن واجب است که از فامیل شوهرش کاملا در حجاب باشد و نیز وقتیکه شوهرش در خانه نباشد به آنها اجازۀ ورود به خانه‌اش را ندهد و اگر احیانا شوهرش بی پروا باشد درین باره سهل انگاری نماید او نیز گنهکار محسوب می‌گردد زن باید احترام اقوام شوهرش رانگه دارد ولی از نشستن نزد آنها و نیز خنده وشوخی با آنها جدا خود داری نماید، مرد نباید این رفتارزنش را

با فامیلش بی احترامی تلقی نماید؛ زیرا این یک دستور شرعی است روزی رسول اکرمﷺ از دختر گرامیش حضرت فاطمهٔ صدیقهؓ پرسید که زن را چه چیز بهتر است؟ گفت آنکه او مردی را نبیند ونیز مردی او را نبیند رسول اکرمﷺ بسیار مسرور شده فرمودند: «فاطمه پارهٔ تن من است» یعنی او جزئی از وجود من است آری باید چنین باشد زیرا او ریحانهٔ پرورش یافتهٔ باغ نبوت بود وسیدهٔ زنان عالم وهمچنان رسول اکرمﷺ فرمودند: «چشم‌ها زنا می‌کند و زنای آنها نگاه کردن است». البته نگاه کسی که بدون قصد واختیار باشد مشمول این حدیث نمی‌شود مادامی که نگاه خودرا دنبال نکند رسول اکرمﷺ به یکی از یارانش فرمودند: «نگاه اول را تکرار مکن اولین نگاه برای توست ولی نگاه دوم برای تو نیست». یعنی نگاه اول که بدون اختیار باشد گناه محسوب نمی‌شود ولی نگاه دوم چون از روی قصد می‌باشد گناه شمرده می‌شود.

مادران ای خواهران ای دختران　　در صفا وروشنی چون اختران

ای شما نور چراغ خانه ها　　گرد شمع دین خود پروانه ها

نفس تان آئینهٔ ذات خداست　　قلب تان آکنده از مهرو وفاست

عفت تان حافظ ناموس ماست　　همت تان برتر از پندارهاست

همت عالی تان فخر من است　　دامن تان را نگیرد هیچ دست

همچوگوهردرصدف پنهان شوید　　چون صدف غرق یم ایمان شوید

دانش آموزید وچون مردان شوید　　لیک از چشمان بد کتمان شوید

کوچه وبازار جای خس بود　　گل اگر بیرون رود پرپر شود

گل همان بهتر که در باغ حیا　　شاد وخرم باشد وهم با صفا

گل اگر بیرون کند سر را زباغ　　رخ نمایدپیش مردم چون چراغ

دستها از بوتـــــــه اورا برکَـــند در زمان پژمرده و پــر پـــــر کُند

دین شما را قلعهٔ مستحـــکم است در طریق رستگاری همـدم است

رهبر تان نـــور قرآنست وبـــس سنگر تان حصن ایمانست وبس

پوشیدن چادر و یا لباس نازک و شفاف برای زنان حرام می‌باشد

قرآن‌کریم: ﴿يَأَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّأَزوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ المُؤمِنِينَ يُدنِينَ عَلَيهِنَّ مِن جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدنَى أَن يُعرَفنَ فَلَا يُؤذَينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾ [احزاب: ۵۹]

ای پیامبر! بگو به زنان خود و دختران خود و زنان مسلمان که فرو گذارند به خود چادرهای خود را این نزدیک‌تر است آنکه (به عفت) شناخته شوند پس ایشان را ایذا داده نشود وخداوند آمرزندهٔ مهربان است.

مسلماً مقصد از پوشش در اسلام پنهان کردن تمام بدن زن می‌باشد که عورت است به شمول سر، گردن، مو، بند دست‌ها وساق‌ها وقتی که لباس ویا چادر زن نازک وشفاف باشد، این مقصد حاصل نمی‌شود؛ زیرا از زیر آن چادر ویا لباس سینه، گردن، مو، گوش و گوشوارهٔ او نمایان می‌شود متأسفانه امروزه پوشیدن لباس و چادر نازک وشفاف در بین زنان ما به اصطلاح مد گردیده است باید خواهران ما بدانند که هیچ فرقی بین گناه برهنگی زنان وپوشیدن لباس و چادر نازک وجود ندارد. حضرت عایشهٔ صدیقه رضی الله عنها می‌گوید روزی اسماء رضی الله عنها دختر ابوبکر صدیق رضی الله عنه با لباس نازک وشفافی نزد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم آمد، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم چهرهٔ مبارکش را از او بر گردانیده فرمودند: «ای اسماء! وقتی زن به سن بلوغ رسید جایز نیست اینکه دیده شود (عضوی) از آن مگر این و آن اشاره فرمودند به صورت و دو دستش». ازین حدیث معلوم می‌شود که پوشیدن لباس نازک به منزلهٔ برهنگی می‌باشد و نیز روشن می‌گردد که نگاه کردن به چهره و

دست‌های زن مادامی که حالت لذت جوی وتکرار را نداشته باشد گناه محسوب نمی‌شود و همچنان رسول اکرمﷺ فرمودند: «دو دسته از اهل دوزخ هستند که من آنها را ندیدم دستۀ اول کسانی هستند که شلاق‌های مانند دم گاو در دست دارند با آن مردمان را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند گروه دوم زنانی هستند با وجودی که لباس پوشیده اند برهنه هستند مایل کنندۀ (مردان بیگانه بسوی خود) مایل شونده (بسوی مردان بیگانه) (موهای) سرشان مانند کوهان شتر کج خواهد بود این زنان در بهشت نخواهند رفت ونه بوی بهشت به مشام شان خواهد رسید در حالی که بوی بهشت از مسافت بسیار دور به مشام می‌رسد». درین زمانه پیشگوئی رسول اکرمﷺ کاملا تحقق پیدا نموده است ازین گونه زنان نیمه عریان در کشورهای اسلامی به وفور مشاهده می‌شود این زنان با پوشیدن لباس‌های نازک وتنگ وچسپان ویا پیراهن‌های آستین کوتاه ویا برهنه کردن ساق‌ها خود را مشمول وعید این حدیث قرار می‌دهند وهمچنان بعضی از زنان موهای خود را طوری وسط سر جمع می‌نمایند که گوی کوهان شتر می‌باشد که به یک طرف مایل می‌گردد این کار را به این هدف می‌کنند که موهای خود را بزرگ نشان دهند تا نزد مردم زیباتر جلوه کنند که این زنان هم منحرف وهم منحرف کننده هستند مسلما مردانی که در خانوادۀ خود چنین زنان ودخترانی دارند ومانع بی حجابی ویا بد حجابی آنها نمی‌شوند شامل وعید این حدیث می‌گردند؛ زیرا مرد باید بر خانواده اش تسلط وحاکمیت داشته باشد تا بتواند مانع کارهای خلاف عفت در خانوادۀ خود بشود در غیر این صورت نمی‌توان نام مرد را بر او نهاد رسول اکرمﷺ فرمودند: «مرد دیوث به بهشت نمی‌رود». نسائی.

یعنی مردی که نسبت به خانواده اش بی غیرت باشد واز کارهای شرم آور وضد اخلاقی آنها پروائی نداشته باشد آورده اند که نو عروسی نزد حضرت

عایشهٔ رضی الله عنها آمد در حالی که چادر نازکی پوشیده بود حضرت عایشهٔ صدیقه رضی الله عنها فرمود زنی که چنین لباسی بپوشد بیشک به سورهٔ نور ایمان ندارد این را بدان جهت فرمود که بسیاری از احکام حجاب که مخصوص زنان است ونیز بسیاری از آداب وطرز معاشرت خانواده گی که شامل زنان نیز می‌شود در سورهٔ نور آمده است رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مردان خود را سورهٔ مائده وزنان خود را سورهٔ نور بیاموزید». شعب الایمان.

زیرا که بسیاری از احکام وبطور مفصل آداب زنده گی به ترتیب درین دو سوره آمده است که مردان وزنان مسلمان باید این دوسوره را بیاموزند تابیشتر بتوانند خود رابا احکام وقوانین اسلام وفق بدهند لازم به تذکر است که پوشیدن لباس نازک برای زن وقتی ممنوع است که بدنش از زیر آن نمایان گردد؛ اما اگر کسی بر پوشیدن آن اصرار داشته وبخواهد که از لباس ویا چادر نازک استفاده کند باید در زیر لباس ویا چادر خود از پارچهٔ کلفت ولُک استفاده کند که درین صورت استفاده از لباس نازک برایش اشکالی ندارد، یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت که رسول خدا صلی الله علیه وسلم پارچهٔ نازکی را به من هدیه داده فرمودند: «نصف آنرا برای خود لباس درست کن ونصف دیگر را به همسرت بده تا برای خود چادر بسازد وبه همسرت بگو که زیر آن پارچهٔ دیگری را وصل کند تا باریکی آن جبران گردد». ابوداود.

پوشیدن لباس مردانه برای زنان حرام می‌باشد

روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم مردانی راکه خود را به زنان شبیه و زنانی راکه خود را به مردان شبیه سازند لعنت فرمودند. بعضی از زنان باصطلاح متجدد و روشنفکر امروزه تنها با آرایش‌های افراط آمیز زنانه بسنده نکرده بلکه سعی شان برین است که با آراستن سر، مو و جامه از مد مردانه الگو بگیرند و با این عمل خود را بصورت مردان در بیاورند آنها بدون هیچ شرم وحیا از طبیعت

زنانۀ خود فاصله گرفته تا با این روش روشن فکری خود را به اثبات برسانند که این هم یک نمونه والگو از فرهنگ مسموم و وارداتی غرب است که زنان امت توحید بدون چون وچرا آنرا اجرا می‌نمایند. رسول اکرمﷺ فرمودند: «سه گروه هستند که داخل بهشت نخواهند شد کسی که پدر ومادرش را اذیت می‌کند، شخص دیوث (مرد بی غیرتی که نسبت به اختلاط زنش با مردان بیگانه رضایت دارد) و زنانی که خود را به صورت مردان در می‌آورند». نسائی. وهمچنان از حضرت ابوهریرةؓ روایت است که رسول اکرمﷺ به زنانی که لباس مردانه می‌پوشند وبه مردانی که لباس زنانه می‌پوشند لعنت کرده است ابوداود. ونیز در بارۀ زنی که کفش مردانه بپوشد از حضرت عایشۀ صدیقهؓ سؤال شد فرمود رسول اللهﷺ به زنی که راه ورسم مردان را اختیار کند لعنت کرده است. ابوداود.

بنابرین شایستۀ زن مسلمان نیست که از دشمنان دین وانسانیت کور کورانه تقلید نماید وقتی که اسلام بهشت را زیر قدم‌های او قرار داده است جای بسی تأسف است که او این موقعیت بلند معنوی خود را نادیده گرفته و از مقام ارجمند انسانیت نزول کرده از فرهنگ حیوانی غرب پیروی نموده وبه آن افتخار نماید غافل از اینکه با این رفتار خود از دستورات نجات بخش اسلام فاصله گرفته خود رادر وادی ضلالت سرگردان می‌نماید.

بیا ای خـــواهردانا زرسم بـتگـری بگـذر

تــو هستی مـریـم دوران زکــارآذری بگــذر

تــــورا بـــاهمت عالی مده دامن به هرناکس

تـوئی آئـــینۀ رحمان زنــنگ دلبـــــری بگذر

ترا زهرابود اُسوه چــرا راه خــطــا پــوئ

چوزهراجمله معنی شوزصورت سرسری بگذر

تــوئــی از امت توحیدمکن بیگانه را تقلید

به فرهــنگ خـــــودی بازآ زراه کافری بگذر

مــکن گلگون جمال خود مرو در کوچه وبازار

کــه عـــالی تــر ازین باشی زرفتار پری بگذر

تراحیف است ای خواهرکه راه غربیان گیری

چــو قـــرآنست ترارهبر ازین کور وکری بگذر

توئی چشم و چراغ ما تو هستی یاس باغ مــــا

زر فــتار هــوســبازان زفیــض مــادری بگذر

بــه قرآن است وصف تو به سنت نیز مدح تو

تــورابــرچرخ ساید ســرزعـارمضطری بگذر

تـــــرامصـباح جان روشن تراگلزاردیـن مأمن

چــــو داری کـــانها پر زر ازین آهنگری بگذر

تراطاغوت میخواهد کــــــه انــدر دام اندازد

چـــوعــزم مــوسوی داری زدام سامری بگذر

حدود آرایش زن در اسلام

اسلام آرایش وزینت دادن سر، صورت ولباس راتا حدی که به افراط نکشد به پیروان خود توصیه نموده است بطور مسلم اساس وپایۀ هر زیبائی نظافت وپا کیزه‌گی می‌باشد هیچ آرایشی در اسلام به اندازۀ نظافت مورد توجه قرار نگرفته است مخصوصا نظافت سر، صورت، دهان و دندان را سخت مورد تأکید قرار

داده است. رسول اکرمﷺ فرمودند: «چنان جبرئیل مرا در مورد مسواک نمودن دندان‌هایم سفارش نمود که ترسیدم دندان‌هایم بریزد». داشتن سر، وضع وجامۀ پاک ومرتب امری است که مورد توجه اسلام قرار دارد بیش از نود در صد آرایش وزیبائی در رعایت نمودن نظافت حاصل می‌شود رسول اکرمﷺ فرمودند: «نظافت را رعایت نمایید به راستی اسلام پاک ونظیف است».

ابن حبان و نیز فرمودند: «نظافت انسان را به ایمان دعوت میکند وانسان با ایمان به بهشت می‌رود». طبرانی در واقع به منظور تأمین نظافت است که اسلام غسل و وضوء را به پیروان خود هدیه کرده است از جمله آرایش های که برای زنان مستحب می‌باشد شانه کردن موها، سرمه کشیدن چشم‌ها وحنا بستن دست‌ها است استفاده نمودن از وسائل معمول آرایشی بهداشتی مانند پودر صورت وکرم‌های معمولی به شرطی که برطرف کنندۀ موی صورت نباشد جایز است استفاده از جواهرآلات طلا ونقره مانند گوشواره، طوق وانگشتر مادامی که به منظور فخر فروشی نباشد مباح است استفاده از رنگ ناخن جایز است به شرطی که هنگام وضوء آنرا کاملا پاک نماید تا وضوء او صحیح گردد اگر درین باره توجه نکند نمازش ادا نمی‌گردد هر آرایشی که از حد اعتدال تجاوز نماید حرام می‌باشد از جمله اموری که زنان آنرا جزء آرایش قرار داده اند وبرایشان معمول گردیده است باریک کردن ابروها است آنها با گرفتن موهای اطراف ابروها آنرا باریک می‌گردانند که این کار افراط در آرایش محسوب گردیده از نظر اسلام حرام می‌باشد وهمچنان وصل کردن موی مصنوعی ویا موی طبیعی به موی سرخود که امروزه در کلینیک‌های مخصوص بنام ترمیم مو انجام می‌گیرد گناه محسوب می‌گردد ونیز خالکوبی بر چهره ودست‌ها ممنوع قرار داده شده است. رسول اکرمﷺ فرمودند: «خداوند لعنت کرده است بر زنانی که موی دیگران را به موی خود وصل می‌کنند وبر زنانی که این عمل

وصل مو را برای دیگران انجام می‌دهند وبر زنانی که بر بدن خود خال می‌کوبند وبر زنانی که این کار را برای دیگران انجام می‌دهند وبر زنانی که موی ابروهای خود را می‌گیرند وبر زنانی که این کار را برای دیگران انجام می‌دهند وبر زنانی که (به منظور زیبائی) بین دندان‌های شان فاصله می‌اندازند وآفرینش خداوند را تغییر می‌دهند». متفق علیه.

ازین حدیث معلوم می‌شود که تمام جراحی‌های که به منظور زیبائی انجام می‌گیرد مانند بزرگ کردن بینی، تنگ نمودن دهان، باریک کردن دندانها، بزرگ کردن چشم‌ها، جوان کردن پوست وغیره که در مراکز طبی بنام جراحی پلاستیک معروف می‌باشد از نگاه شرع مقدس اسلام حرام می‌باشد زیرا بدون ضرورت هزینۀ هنگفتی را تحمیل فرد می‌کند که این عمل به اقتصاد خانواده ودر نهایت به اقتصاد جامعه ضرر می‌رساند اسلام افراط وتفریط را درهیچ کاری نمی‌پسندد یکی از کارهای که شیطان می‌خواهد بوسیلۀ آن مردم را گمراه نماید همین دستکاری در خلقت خداوند ﷻ است.

قرآن‌کریم: ﴿وَلَـامُرَنَّهُم فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلق اللّه﴾ [نساء: ۱۱۹]

و حتما به ایشان دستور می‌دهم که خلقت خدارا تغییر دهند.

معلوم است که شیطان به کارهای امر می‌کند که خلاف مرضی خداوند ﷻ است وجهت گمراه نمودن مردم ازهر وسیلۀ استفاده می‌کند تا آنها را راهی جهنم گرداند وهمچنان اسلام زن را از آرایش‌های بی مورد وزنندۀ بیرون از منزلش منع می‌نماید تا عفت وشخصیت او ازگزند چشم چران‌ها وهوسبازان محفوظ بماند. رسول اکرم ﷺ فرمودند: «خوشبوی مردان طوری باشد که بوی آن ظاهر ورنگ آن پنهان باشد وخوشبوی زنان باید رنگش ظاهر وبوی آن پنهان باشد». ترمذی. یعنی برای مردان مناسب نیست که از خوشبوی‌های رنگ دار

زنا ن مانند حنا وغیره استفاده نمایند وهمچنان برای زنان مناسب نیست که از خوشبوی های مردان که معمولا تند وزننده است استفاده نمایند زیرا این نوع خوشبوی‌ها از فاصلۀ زیاد هم قابل استشمام است آیا زنی که آرایش نموده واز عطرهای زننده استفاده می‌کند وباچادر نازک وشفاف به کوچه وبازار می‌رود غیر از دام شیطان چیز دیگری هست؟ آیا او زانیه نیست وقتیکه از پهلوی مردان بیگانه می‌گذرد بوی زنندۀ عطرش به مشام آنها می‌رسد؟ رسول اکرمﷺ فرمودند: «هر چشم (بدبین) زناکار است و زنی که خود را عطرآگین کرده از کنار مردان بگذرد چنین وچنان یعنی زناکار است». ترمذی.

آیا آن زن مورد لعن ونفرین خداوندﷻ و رسولشﷺ قرار نمی‌گیرد وقتی که آرایش نموده وبه منظور جلب توجه مردان بیگانه از خانه بیرون می‌رود؟ رسول اکرمﷺ فرمودند: «لعنت خداوند بر کسی که (باچشم بد) نگاه می‌کند وهمچنین لعنت خداوند بر کسیکه (باچشم بد) بسوی او نگاه شود». توضیح اینکه لعنت خداوندﷻ بر مردی که قصدا وبا چشم بد به زن اجنبی نگاه می‌کند ونیز لعنت خداوندﷻ بر زنی که قصدا خود را در معرض دید مردان بیگانه قرار می‌دهد آیا همۀ زنانی که از خانه بیرون می‌روند مورد لعنت خداوندﷻ قرار می‌گیرند؟ خیر زنانی که هنگام ضرورت با لباس ساده وبدون آرایش‌های زننده وبا رعایت کامل حجاب از منزل بیرون می‌روند ازین نفرین مستثنا می‌باشند ونیز رسول اکرمﷺ فرمودند: «زن موجودی است که باید در ستر باشد وحتما زن وقتی از خانه بیرون می‌آید شیطان همراه اوست وزن در آن لحظه به خداوند نزدیک‌تر است که در داخل منزلش باشد». البته می‌دانید که این بدان معنی نیست که زنان در تمام عمر خانه نشین باشند وبیرون از خانه کاروتحصیل نکنند بلکه هدف اسلام این است که رفتار زن مسلمان را در بیرون از منزلش کنترل نماید تا عفت وشخصیت او مورد تهدید قرار نگیرد که نمونۀ بارز آن زنان صدر

اسلام بودند که جهت کسب علم ودانش از خانهٔ خود بیرون می‌رفتند ودر نمازهای جمعه وجماعت حتی در جهاد شرکت می‌کردند که تمام این کارها با توصیهٔ رسول اکرمﷺ انجام می‌گرفت.

هان ای زن مؤمن تقلید زهرا کن

زان آتش دوشین یک شعله پیدا کن

شوری دگر افگن در انفس و آفاق

کحل دیگر آور در دیدهٔ ما کن

حشر دگر آور زین رستخیز نو

این مرده دلها را با صور احیا کن

گر نشئه میخواهی از جام ملت نوش

رمز درون خود از عشق معنا کن

در کارت ای خواهر صد جا گره بستند

این عقدهٔ محکم با همتت وا کن

از سینهٔ بطحا با رمز قرآنی

فاروق باز آور طاغوت رسوا کن

از تکروی پرهیز با امتت آویز

اندر حصار دین همچون صرف جا کن

تا دست اهریمن در تو نیاویزد

دور از فسون او خود را چو عنقا کن

کو محفل یاران کو نالهٔ دستان

شوری نوی آور بزمی تمنا کن

نی آتش طوری نی عزم منصوری

نی جوش انگوری بر خیز و غوغا کن

با دیدهٔ تاریک تا کی روی گمراه

با جامهٔ یوسف این دیده بینا کن

ای زادهٔ آدم چون عیسی مریم

از پهنهٔ عالم سیری به علیا کن

تا کی به بند دام در چنگ شاهین رام

ای بلبل بیدل آهنگ صحرا کن

زین تکروی هایت قلبم به درد آمد

با مرهم وحدت زخمت مداوا کن

روح سعادت رفت از پیکر امت

با مردگان عصر کار مسیحا کن

چنگی بزن محکم با حبل الا الله

بر خیل معبودان نفی آور و لا کن

ای طائر قدسی افتاده در پستی

منزل گه خود بر بام ثریا کن

گر زنده از جانی بر شمع قرآنی

مرغ دلت را چون پروانه شیدا کن

این پیروی ها بین تقلید بیجا بین

طرح دگر افگن این رسم ملغا کن

ای شاه دیروزی از چی گدا گشتی

تصویر سابق را از خود هویدا کن

بط شو که طوفانت از پا نیندازد

در حادثات دهر خود را توانا کن

رواج گناهان بزرگ دربین زنان

با اینکه انواع و اقسام گناهان زیاد است، اما بنده به دلیل کوتاه نمودن مطالب واختصار نویسی تنها از رسوم، باورها و به عبارت بهتر گناهانی که بیشتر بین زنان رواج دارد یاد می‌نمایم؛ زیرا این کتاب برای زنان و مخاطبین آن بطور اخص زنان می‌باشد متأسفانه به دلیل دور نگهداشتن زنان از کسب علم ودانش وباقی گذاشتن ایشان در جهل وبی خبری ضعف اخلاقی در بین آنها نسبت به مردان بیشتر مشاهده می‌شود ازجمله گناهان بزرگ که غالبا زنان به آن عادت دارند غیبت کردن می‌باشد که هیچ کس بجز کسی را که خداوندﷻ بخواهد از آن مصؤن نیست.

قرآن‌کریم: ﴿وَيلٌ لِكُلِّ هُمَزةٍ لُمَزةٍ﴾ [همزه].

قرآن‌کریم: ﴿يَاَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِ اِن بَعضَ الظَّنِ اِثمٌ وَلَاتَجَسَّسُوا وَلَايَغتَب بَعضكُم بَعضًا أَيُحِبُّ اَحَدُكُم اَن يَأكُلَ لَحمَ اَخِيهِ مَيتًا فَكَرِهتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾ [حجرات: ١٢]

وای برهر عیب کنندۀ غیبت گوینده. ای مسلمانان احتراز کنید از بسیاری گمان بد به راستی بعض بد گمانی گناه است وجا سوسی مکنید وغیبت نکنید بعض شما بعضی را آیا دوست می‌دارد کسی از شما که بخورد گوشت برادر خود را که مرده باشد پس متنفر شوید از آن و بترسید از خداوندﷻ به راستی خداوند بسیار توبه پذیر و مهربانست.

خداوندﷻ غیبت کردن را به خوردن گوشت مرده تشبیه کرده است تا با بلیغ ترین وجهی انسان را نسبت به این گناه متنفر گرداند همان طور که خوردن گوشت مرده برای انسان بغایت تنفرآور است باید غیبت کردن نیز برایش تنفرآور باشد؛ زیرا در واقع غیبت کردن خوردن گوشت وخون مردم است که ما بی محابا روز و شب به آن مشغول هستیم وکوچک‌ترین اندیشۀ هم از حساب وعقاب روز قیامت نداریم. رسول اکرمﷺ فرمودند: «غیبت کردن از زنا بدتراست». یاران پرسیدند یا رسول اللهﷺ غیبت چگونه اززنا بدتراست فرمودند: «زنا کار توبه می‌کند وخداوند توبۀ او را می‌پذیرد و او را مورد مغفرت قرار می‌دهد وشخص غیبت‌گر را تا شخصی که از او غیبت شده معاف نکند بخشیده نخواهد شد» یعنی کوتاهی نمودن در حقوق خداوندﷻ با توبه بخشیده می‌شود ولی پایمال کردن حقوق مردم به محض توبه کردن بخشیده نمی‌شود تا شخص ستمدیده اورا معاف نکند در عهد رسول اکرمﷺ دو زن روزه گرفته بودند نزدیک بود که ازتشنگی هلاک شوند آنها از رسول اکرمﷺ اجازه گرفتند تا روزۀ خود بکشایند رسول اکرمﷺ آن دو را امر فرمودند: «در یک ظرف استفراغ کنند آن دو استفراغ کردند آن ظرف پراز خون وتکه‌های گوشت شد. رسول اکرمﷺ فرمودند: «این دوزن با روزه گرفتن از خوردن چیزهای حلال خودداری کردند ولی آنچه را که خداوند حرام کرده از خوردن آن خودداری نکردند». یعنی آنها روزۀ مستحبی می‌گرفتند که برایشان واجب نبود ولی از غیبت کردن که برایشان

حرام بود پرهیز نمی‌کردند رسول اکرمﷺ فرمودند: «شبی پروردگارم مرا به معراج برد گروهی را دیدم که با ناخن‌های آهنین چهره و سینه‌های خود را می‌خراشیدند از جبرئیل پرسیدم این گروه چه کسانی هستند؟ جبرئیل فرمود اینها کسانی هستند که در دنیا گوشت مردم را می‌خوردند یعنی غیبت می‌کردند وآبروی مردم را می‌بردند». مشکوة.

یعنی به این سبب به عذاب کندن روی مبتلا شدند که کارایشان در دنیا آبرو ریزی مردم بود رسول اکرمﷺ فرمودند: «همه چیز مسلمان بر مسلمان حرام است خونش آبرویش ومالش» یعنی همان طور که ریختن خون مسلمان بر برادر مسلمانش حرام است همان گونه ریختن آبرویش وگرفتن مالش براو حرام است رسول اکرم ﷺ فرمودند: «آیا می‌دانید که غیبت چیست؟» یاران گفتند خدا و رسولش داناتر است فرمودند: «برادرت را به آنچه که آن را خوش ندارد یاد کنی» پرسیده شد چطور است هرگاه در برادرم آنچه میگویم باشد؟ فرمودند: «اگر آنچه می‌گوئی در وی باشد او را غیبت کردهٔ واگر آنچه می‌گوئی در او نباشد به او بهتان زدهٔ». یعنی اگر عیبی را که در او موجود است یاد نمای این غیبت است ولی اگر عیبی را به او نسبت دهی که در او نیست به منزلهٔ بهتان است که گناهش به مراتب بزرگتر ازغیبت است.

تهمت زدن از گناها ن بزرگ محسوب می‌شود

تهمت زدن یکی از گناهان بسیار بزرگ می‌باشد که بیشتر زنان به آن عادت دارند به محض اینکه با کسی اختلاف و کشمکش پیدا نمودند بدون هیچ شرم وحیا زبان به تهمت آن شخص می‌گشایند با انواع شواهد وقرائن دروغین این بهتان خود راثابت می‌نمایند. قرآن‌کریم: ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ

الفَاحِشَةَ فِی الّذِینَ آمَنُوا لَهُم عَذَابٌ اَلِیمٌ فِی الدُّنیَا وَالآخِرَةِ وَاللّهُ یَعلَمُ وَاَنتُم لاَتَعلَمُونَ﴾ [نور: ۱۹]

مطمئنا آنانکه دوست دارندآنکه فاش شود تهمت بد کاری در مسلمانان ایشان راست عذاب درد دهنده در دنیا و آخرت و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

قرآن‌کریم: ﴿اِنّ الّذِینَ یَرمُونَ المُحصنَاتِ الغَافِلاتِ المُؤمِنَاتِ لُعِنُوا فِی الدُّنیَا وَالآخِرَةِ وَلَهُم عَذَابٌ عَظِیمٌ یَوم تَشهَدُ عَلَیهِم اَلسِنَتُهُم وَ اَیدِیهِم وَاَرجُلُهُم بِمَا کَانُوا یَعمَلُونَ﴾ [نور: ۲٤ ـ ۲۳]

براستی آنانکه دشنام می‌دهند به بد کاری زنان پاکدامن بیخبر مؤمنه را لعنت کرده شدند در دنیا وآخرت وایشان راست عذاب بزرگ روزی که گواهی دهند برایشان زبان‌های ایشان ودست‌های ایشان وپاهای ایشان به آنچه می‌کردند. اگر کسی در دنیا علیه شخصی سخن بد بگوید که بعد از طرف آن شخص مورد بازخواست قرار بگیرد فوراً با توسل جستن با سوگندهای دروغین خود را نزد آن شخص تبرئه می‌نماید؛ اما در روز قیامت هنگامی که از جانب خداوند عادل جل جلاله به سبب تهمت‌های که با مردم می‌زد، مورد بازخواست قرار گیرد و گواهانی هم که علیه او گواهی می‌دهد زبان، دست وپای او باشد آنگاه چه حیله و تدبیری به کار ببرد تا خود را از عذاب بزرگی که در انتظار اوست نجات بدهد. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «از هفت چیزکه موجب هلاکت است دوری کنید شرک آوردن (بخدا) سحر کردن، قتل ناحق، سود خوردن، خوردن مال یتیم، فرار کردن از جنگ (با کافران) و متهم کردن زنان پاکدامن وعفیفه». بخاری.

بزرگی گناه تهمت زدن بر زنان پاکدامن وقتی بر ما معلوم می‌شود که آنرا در ردیف گناهان بس بزرگی همچون شرک، قتل، سود خوردن وغیره می‌بینیم

وای بر کسانی که که تهمت زدن دیگر برایشان یک عادت شده است وآن رایک امری سهل وساده می‌پندارند وای از روزی که آنها در پیشگاه خداوندﷻ حاضر کرده شوند و از آنها در مورد سخنانی که شب و روز در بارهٔ مردم می‌گفتند پرسیده شود رسول اکرمﷺ فرمودند: «و هر کس مسلمانی را تهمت زند خداوند او را روی پل دوزخ بازداشت خواهد کرد تا وقتیکه از گناه سخن خود پاک شود». مشکوة.

یعنی به اندازهٔ زجر و عذاب می‌کشد تا آن گناه از وجودش پاک شود چه قدر بازداشت بر روی پل دوزخ برای انسان ضعیف سخت وطاقت فرسا است مسلما سختی و عذاب آخرت هیچگاه با سختی‌های دنیا قابل مقایسه نیست.

سخن چینی از گناهان بزرگ محسوب می‌شود

سخن چینی یکی از عادات شوم وگناهان بسیار بزرگ است که بیشتر در بین زنان رواج دارد رسول اکرمﷺ فرمودند: «سخن چین به بهشت نمی‌رود» متفق علیه.

و همچنان روایت است که رسول اکرمﷺ از کنار دو قبر گذشته و فرمودند: «که این دو عذاب می‌شوند ودر چیز بزرگی عذاب نمی‌شوند بلی آن بزرگ است اما یکی از آنها سخن چینی می‌کرد و دیگری از ادرار پرهیز نمی‌کرد». متفق علیه.

درین جمله که در چیز بزرگی عذاب نمی‌شوند یا اینست که این کار به گمان آنها بزرگ نبود وبه آن اهمیت نمی‌دادند ویا اینست که ترک آن برای ایشان مشکل نبود وهمچنان فرمودند: «در حقیقت بهترین بنده گان خدا کسانی هستند که با دیدن آنها انسان به یاد خدا میافتد وبدترین بنده گان خدا کسانی

هستند که به سخن چینی مشغول اند وموجب جدائی بین دوستان می‌شوند و کسانی را که پاک هستند در فتنه می‌اندازند». احمد وبیهقی.

مسلما هرگاه بین دو شخص کوچک‌ترین کدورتی ایجاد شود این سخن چین است که کمر به خدمت شیطان بسته این قدر بین آنها سخن چینی می کند که آن کدورت کوچک به یک کینه ودشمنی بزرگ تبدیل می‌شود در واقع هرجاکه آتش جنگ دربین مردم شعله ور می‌گردد نقش سخن چین درآن به وضوح مشاهده می‌شود؛

سخن چینی مکن دربیـــــــــن مردم

مکن نام و نشان خویش را گـــم

کمر در خدمت شیطان مکن چســت

مده با این عمل دین رازکف مفت

مشو بااختلاف مردمــان شـــــاد

مکن با امت توحیدبیـــــــــــداد

سخن چین نـــزدمردم روسیاهست

که جای فتنه گر آخربه چــاهست

تجسس کردن از گناهان بزرگ می‌باشد

تجسس کردن در اسرار مردم از گناهان بزرگ است که غالبا زنان به آن مبتلا هستند قرآن‌کریم: ﴿وَلَا تَجَسَّسُوا﴾ [حجرات: ١٢]

و جاسوسی نکنید.

رسول اکرمﷺ فرمودند: «از گمان پرهیز نمایید زیرا گمان دروغ‌ترین گفته‌ها است و جاسوسی همدیگر را ننموده و هم چشمی نکنید وهم با همدیگر

حسد ودشمنی نورزیده و به یکدیگر پشت مکنید وهمان طوری که شما را امر نموده ای بنده گان خدا برادر باشید» مسلم.

ونیز به یکی از یارانش فرمودند: «هرگاه تو به دنبال افشا کردن عیوب مسلمانان باشی ایشان را فاسد کردهٔ یا نزدیک است که ایشان را فاسد نمائی» ابو داود.

آزار واذیت نمودن مسلمانان به هر صورتی که باشد حرام است خواه بصورت غیبت، تجسس، مسخره کردن یا افشای اسرار ایشان باشد.

رسول اکرمﷺ فرمودند: «مسلمان کسی هست که مسلمانان از دست وزبانش درامان باشند و مهاجر کسی هست که آنچه را خدا نهی فرموده ترک نماید» متفق علیه.

لازم است که ما رفتار و گفتار خود را که پیوسته با آن با مسلمانان بر خورد می‌کنیم از آئینهٔ این حدیث بنگریم؛ آیا با وجود این رفتار ناشایسته که با مسلمانان داریم شرم آور نیست که باز هم خود را مسلمان بدانیم افسوس که گوش‌های ما از شنیدن فرموده‌های رسول اکرمﷺ کر شده است.

استهزاء نمودن حرام می‌باشد

استهزاء و مسخره نمودن یکی از گناهان کبیره است که غالباً زنان به آن عادت دارند.

قرآن‌کریم: ﴿يَاَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لاَ يَسخَر قَومٌ مِن قَومٍ عَسى اَن يَكُونُوا خَيرًا مِنهُم وَ لاَ نِسَاء مِن نِسَاء عَسى اَن يَكُنّ خَيرًا مِّنهُنّ وَلاَ تَلمِزُوا اَنفُسَكُم وَلاَ تَنَابَزُوا بِالاَلقَابِ بِئسَ الاِسمُ الفُسُوقُ بَعدَ الاِيمَانِ وَمَن لَم يَتُب فَاُولَئِكَ هُمُ الظّالِمُونَ﴾ [حجرات: ۱۱]

ای اهل ایمان مسخره نکنند گروهی گروه دیگر را شاید که آنها بهتر ازایشان باشند ونه زنان زنانی دیگر را مسخره کنند شاید که آنها بهتر ازایشان باشند وعیب مکنید در میان خویش ویکدیگر را به لقب‌های بد مخوانید بد نامی است فاسقی بعد از ایمان آوردن و هر که تو به نکرد پس آن گروه ایشانند ستمگاران.

بسیاری از زنان عادت دارند برای اینکه عیب‌های خود را بپوشانند و نزد مردم پاک ومقدس جلوه کنند دائما مردم را مورد استهزاء و مسخره قرار می‌دهند چه خوب بود که آنها به عیب‌های خود مشغول شده در صدد رفع آن برمی آمدند در حقیقت بیشتر آدم‌های پست و ذلیل به مسخره و عیب جوئی مردم می‌پردازند. رسول اکرمﷺ فرمودند: «با برادرت دعوا مکن و او را مورد استهزاء و مسخره قرار مده و چنان وعدۀ به او مده که خلاف آن عمل کنی». ترمذی.

مسلما اگر ما به فرموده‌های رسول اکرمﷺ توجه می‌نمودیم هیچگاه به رذائل اخلاقی مبتلا نمی‌شدیم.

حقوق همسایه در اسلام

قرآن‌کریم: ﴿وَاعبُدُوا اللّهَ وَلاَ تُشرِكُوا بِهِ شَيئًا وَبِالوَالِدَينِ اِحسَانًا وَبِذِی القُربَی وَاليَتَامَی وَالمَسَاكِين وَالجَارِ ذِی القُربَی وَالجَارِ الجُنب وَالصَّاحِبِ بِالجَنبِ وَابنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَت اَيمَانُكُم اِنّ اللّهَ لاَ يُحِبُّ مَن كَانَ مُختَالاً فَخُورًا﴾ [نساء: ٣٦]

و خداوند را بپرستید وچیزی راشریک او قرار مدهید وبه پدر ومادر وخویشان ویتیمان وگدایان وهمسایۀ خویشاوند وبه همسایۀ بیگانه وبه همنشین در پهلو نشسته وبه مسافر وبه آنچه دست شما مالک او شده نیکی واحسان کنید براستی خداوند دوست ندارد آنرا که متکبر وخود پسند باشد.

به حقوق همسایه در اسلام خیلی تأکید شده است ولی بیشتر مردم به آن توجهی ندارند رسول اکرمﷺ فرمودند: «خوب‌ترین یاران در نزد خداوند خوبترین ایشان برای یار خودش است وخوب‌ترین همسایه‌گان در نزد خداوندﷻ خوب‌ترین ایشان برای همسایه اش می‌باشد». ترمذی

ونیز فرموده است: «پیوسته جبرئیل مرا در مورد همسایه سفارش می‌نمود تا اینکه گمان کردم شاید همسایه از همسایه میراث ببرد». متفق علیه

ونیز فرمودند: «به خدا سوگند او مؤمن نیست به خداسوگند اومؤمن نیست به خدا سوگند او مؤمن نیست». سؤال شد یا رسول اللهﷺ در بارهٔ چه کسی چنین می‌فرمایید، فرمودند: «در بارهٔ کسی که همسایه گانش از دست وزبان او ایمن نباشند». مسلم ونیز فرمودند: «داخل بهشت نمی‌شود کسی که همسایه اش از شر او ایمن نباشد». مسلم

اول درین احادیث خوب غور وتأمل نماییم سپس درمورد چگونه گی رفتار خود با همسایه گان دقیقا فکر نموده خود ما قضاوت نماییم که آیا ما با این رفتاری که با همسایه گان خود داریم مسلمان شمرده می‌شویم؟ شخصی از رسول اکرمﷺ پرسید یا رسول اللهﷺ فلان زن به دلیل بسیاری نماز، روزه وصدقه بین مردم مشهور است لیکن در عین حال همسایه گانش را به زبان آزار می‌دهد. فرمودند: «او در دوزخ است». آن شخص گفت یا رسول اللهﷺ فلان زن نماز ، روزه وصدقات بسیار کم انجام می‌دهد ولی پنیر و لبنیات صدقه می‌کند وهمسایه گان از زبان او در امان هستند. فرمودند: «او دربهشت است». شعب الایمان

ما شب و روز انواع و اقسام آزار و اذیت نثار همسایگان خود می‌کنیم و با این کار کوچک‌ترین احساس گناه هم نمی‌کنیم وبا این حال خود را مسلمان

ومتدین هم به حساب می‌آوریم حقوق همسایه به این محدود نمی‌شود که ما تنها آزار واذیت خودرا از او باز داریم بلکه باید تا حد توان در حق او احسان ونیکی نماییم. رسول اکرمﷺ فرمودند: «کسی که ایمان به خداوند وروز آخرت دارد باید با همسایه اش احسان کند وکسی که ایمان به خداوند وروز آخرت دارد باید مهمانش را اکرام کند وکسیکه ایمان به خداوند وروز آخرت دارد باید سخن خیر بگوید یا آنکه سکوت اختیار نماید». مسلم

ونیز فرمودند: «ای زنان مسلمان هرگز زن همسایه برای زن همسایۀ خود کوچک نشمارد اگر چه سم گوسفندی هم باشد» متفق علیه

یعنی از دادن هیچ چیزی به همسایه اگر چه به نظر شما کوچک ونا چیز باشد مثلا سم گوسفندی هم باشد نباید شرم کنید ونیز فرمودند: «ای ابوذر چون شور با پختی آب آن را بسیار نما وهمسایه ات رایاد کن» مسلم

ونیز فرمودند: «مسلمان نیست کسیکه سیر باشد وهمسایه اش در پهلوی او گرسنه باشد» شعب الایمان

ونیز فرمودند: «به یکدیگر هدیه بدهید زیرا هدیه کینه‌ها را می‌برد». مشکوة

آیا همۀ همسایه گان حقوق مساوی دارند یا بعضی در اولویت قرار دارند حضرت عا یشۀ صدیقهؓ می‌گوید که از رسول اکرمﷺ پرسیدم دو همسایه دارم هدیه را برای کدام یک بفرستم فرمودند: «برای آنکه در خانه اش با تو نزدیکتر است». مشکوة

یعنی اگر کسی چیز اندکی دارد نمی‌تواند آن را به تمام همسایه گان خود بدهد باید آنرا به همسایۀ بدهد که درش از همه به او نزدیک‌تر است ما کجا واین سفارشات گهربار رسول اکرمﷺ کجا همسایه باید در غم وشادی همسایه اش شریک باشد اگر به همسایه اش شادی برسد مثلا ازدواج وعروسی داشته باشد

ویا فرزندی برایش متولد شده باشد باید با او مبارکباد گفته اظهار خوشحالی نماید واگر احیانا همسایه اش به مصیبتی گرفتار شود باید در غمش شریک گشته او را دلداری وتسلی بخشد رسول اکرمﷺ فرمودند: «مثل مسلمانان در محبت ورحمت ومهربانی شان به همدیگر مانند یک جسد است که هرگاه عضوی ازآن به دردآید دیگراعضای جسد درتب وبیدارخوابی باآن همراهی می‌کند». متفق علیه

پس باید درهرحال باهمسایه‌های خود چه درغم باشند چه درشادی شریک وهمدم باشیم.

قهرنمودن وترک سخن بامسلمانان حرام است

قهر نمودن باهمنشینان وهمسایگان از خصلت‌های بدی است که دربین زنان طرفداران زیادی دارد رسول اکرمﷺ فرمودند: «بایکدیگرقطع رابطه نکنید وپشت ندهید و باهم دشمنی وحسد نورزید وای بنده‌گان خداوند برادرباشیدروانیست برای مسلمان که بیش ازسه روزبرادرش راترک کند» متفق علیه

و نیز فرمودند: «برای مسلمان روانیست که بیش ازسه شب برادرش راترک کند وباهم روبرو شوند و از همدیگر روی گردانند و بهتر ایشان کسی است که به سلام آغاز کند) متفق علیه

سه شب کجا ورفتارجاهلانهٔ ماکجا بسیاردیده شده است که دوزن دررابطه بایک مسئلهٔ کوچک تاچندین سال ویاحتی تادم مرگ باهم قهرکرده اند رسول اکرمﷺ فرمودند: «برای مسلمان روانیست که بیش ازسه شبانه روزبرادرش راترک کندآنکه بالاتر از سه شبانه روز ترک کند و بمیرد به دوزخ داخل می‌گردد» ابوداود

اگر دو زن با هم قهر باشند هر یک این را در شأن خود کسر وخواری می‌شمارد که با دیگری آغاز به سلام ویا سخن زدن بکند بنا برین تا آخر عمر در گناه قهر کردن می‌ماند. رسول اکرمﷺ فرمودند: «برای مؤمن روانیست که مؤمنی را بیش از سه شبانه روز ترک کند واگرسه شبانه روزگذشت باید با او دیدار نموده و بر او سلام کند واگر جواب سلامش را داد در واقع هر دو در مزد شریک هستند واگر جواب سلامش را نداد به گناه باز گشته ومسلمان از گناه قهر کردن بر میاید». ابوداود

یک مسلمان همیشه بایدازدستورات نجات بخش اسلام پیروی نموده وپشت به خواسته‌های نفسانی خود بکند تا در دنیا و آخرت موفق شود.

نوحه کردن برمردگان حرام است

مسلما گریه ونوحه کردن برمرده گان ازگناهانی است که دربین زنان عمومیت ورواج دارد که به هیچ پند واندرزی نمی‌شود ایشان را از این کار بازداشت این گناه وقتی بزرگ‌تر می‌شود که درحین گریه کردن ازمیت تعریف وتحسین کنند و آواز خود را مانند شعر خواندن بکشانند روایت است که رسول اکرمﷺ لعنت فرستاده است به زن نوحه گر وبر زنی که به نوحه گوش دهد. بسیاری از زنان عادت دارند برای اینکه دوستی وهمدلی خود را باخانوادۀ میت اظهار نمایند به خانۀ آنها رفته با آنها یکجا هم آواز شده به گریه ونوحه سرای می‌پردازند متاسفانه بسیاری ازین زنان ظاهرا متدین وپرهیز گار هم هستند که با ارتکاب این گناه خود را در تیررس لعن ونفرین رسول اکرمﷺ قرار می‌دهند رسول اکرمﷺ فرمودند: «دو کار است که در مردم وجود دارد واین خصلت در ایشان کفر است طعنه در نسب ونوحه بر مرده». مسلم

ونیز فرمودند: «اگر نوحه گر پیش از مرگش توبه نکند روز قیامت ایستاده کرده می‌شود در حالی که بر او پیراهنی از قیر وجامهٔ که در آتش زود شعله ور می‌گردد پوشانده شود». مسلم

ونیز فرمودند: «براستی خداوند به اشک چشم وبه اندوه قلب عذاب نمی‌کند ولیکن به این عذاب می‌کند اشاره به زبان خود نمود». بخاری

زیرا بیرون کردن اندوه از دل وخود داری نمودن از ریزش اشک کاری است که از تاب وتوان انسان بیرون است ولی خود داری کردن از گفتار بیهوده کاری ممکن است.

قرآن‌کریم: ﴿لاَ يُكَلِّفُ اللّٰهُ نَفسًا اِلاّ وُسعَهَا﴾ خداوند هیچ نفسی راجزبه اندازهٔ توان وطاقتش تکلیف نمی‌کند.

درواقع نه تنها اشک ریختن گناه ندارد بلکه نشانهٔ رحمت هم است وقتی یکی ازنوه‌های رسول اکرمﷺ وفات نمود چشمان مبارکش اشکبار گردید یکی از یاران سؤال نمود یا رسول اللهﷺ این چیست؟ یعنی شما که مارا از گریه کردن بر مرده گان باز می‌داشتید چرا شما گریه می‌کنید رسول اکرمﷺ فرمودند: «این رحمت است که خداوند آنرادر دل بنده گانش قرار داده است». همان گونه که نوحه کردن بر میت گناه محسوب می‌شود مسلمابر روی زدن، خاک بر سر ریختن وجامه دریدن نیز گناه شمرده می‌شود. رسول اکرمﷺ فرمودند: «از ما نیست کسی که بر روی خود تپانچه زند وگریبان خود را چاک کند وچیز های بگوید که درجاهلیت گفته می‌شد». بخاری

و نیز فرمودند: «من بیزارم از کسی که (مو یش را) بتراشد (برای نوحه) آوازش را بلند کند و (لباسش را) پاره کند». متفق علیه

مسلما انسان با بی صبری ونوحه کردن نمی‌تواند چیزی را که از دست داده است به دست بیاورد وبر عکس با جزع وفزع کردن بهترین هدیهٔ را که خداوندﷻ به او عطا فرموده است یعنی اجر صبر بر مصیبت‌ها را از دست می‌دهد

رسوم جاهلی که در رابطه با میت اجرا می‌شود

قطعا بسیاری از مراسم که خانوادۀ میت انجام می‌دهد هیچ اصالت شرعی ندارد بلکه گناه شمرده می‌شود که اکثریت زنان این را نمی‌دانند مثلا وقتی که میت را جهت دفن کردن از خانه می‌برند یکی از زنان سنگ بزرگی را میاورد در خانه بجای میت می‌گذارد برین باور که به این زودی‌ها دیگر کسی از خانوادۀ میت نمیرد دیگر این که خانوادۀ میت بعد از دفنش تا سه روز خانهٔ خود را جارو نمی‌کند وکارهای ازین قبیل وهمچنان برای زنان عادت شده است که اگر یکی از بستگان ایشان بمیرد آنها برای چندین ماه یا سال آرایش را ترک می‌کنند لباس نو نمی‌پوشند؛ زیرا این رفتار خود را نشانهٔ وفاداری خود به میت می‌دانند اگر چه زنان شوهر دار هم باشند که باید همیشه خود را آراسته داشته باشند رسول اکرمﷺ فرمودند: «برای زنی که به خدا و روز رستاخیز ایمان دارد جایز نیست که بیش از سه روز برای کسی سوگواری کند جز برای مرگ همسرش که همانا چهار ماه وده روز است» مسلم

ونیز فرمودند: «زنی که شوهرش در گذشته باشد در ایام عدت لباس معطر ورنگین نپو شد واز زیور آلات سرمه وحنا استفاده نکند» سوگواری ترک آرایش را می‌گویند نه گریه ونوحه کردن همان طور که قبلا هم گفته شد گریه ونوحه کردن بر هبچکس جایز نیست حتی بر شوهر توضیح اینکه اگر کسی از اعضای خانوادۀ زن فوت نمود حتی فرزندش هم باشد برای آن زن جایز نیست که بعد از سه روز آرایش معمولی خود را ترک کند مثلا نظافت کردن، سرمه نمودن، حنا

بستن ویا جامهٔ نو پوشیدن جز به مرگ همسرش که باید تا چهارماه وده روز غیر از نظافت کردن انواع آرایش را ترک نماید که این نشانهٔ پیوند محکم رشتهٔ زوجیت می‌باشد که لازم است زن تا مدتی بعد از مرگ همسرش نسبت به آن وفادار بماند.

زیارت قبور برای زنان ممنوع است

زیارت قبور اگر از حدودی که اسلام آنرا مجاز قرار داده است فراتر رود، قطعا حرام است یعنی اگر در هر جمعه ویا هر چند هفته یک بار با حجاب کامل وبدون آرایش به نیت دعا واستغفار بر سر قبور اقربای خود رفته برای آنها از خداوند ﷻ طلب آمرزش بکند کار مستحب محسوب می‌شود ولی اگر ازین حد تجاوز نمود بدون شک حرام است روایت است که رسول اکرم ﷺ «لعنت کرده زنانی را که به قبرستان می‌روند وکسانی را که قبر را سجده می‌کنند ویا روی قبر چراغ روشن می‌کنند». ابو داود

ونیز فرمودند: «بار الها! قبر مرا بتی که عبادت شود قرار مده وغضب شدید خداوند بر کسانی که قبور پیامبران علیهم السلام را سجده گاه قرار دادند». مؤطا

وقتی که احترام وتعظیم بیش از حد قبور انبیاء علیهم السلام ممنوع وحرام باشد بطور مسلم احترام وتعظیم بیش از حد مجاز شریعت در رابطه با قبور اولیاء وشهیدان ممنوع است اکثر زنان عادت دارند که برای مراد ویا حاجت خواهی بر سر قبور اولیاء وشهیدان شمع روشن می‌کند ویا بر سر قبور آنها سنگ آویزان می‌کنند به این نیت که صاحب فرزند شوند ویا سنگ‌های مخصوصی را دور قبر می‌چرخانند ویا به نیت بستن مریضی اطراف قبر میخ می‌کوبند ویا جهت شفای مریضی از خاک قبر می‌خورند ویا برای روا شدن حاجت دور قبر طواف می‌کنند ویا برای شفای مریضی گاو یا گوسفندی را گرد قبر می‌چرخانند بعد آنرا ذبح

می‌کنند ویا برای صاحب قبر نزدیک قبر نماز می‌خوانند ویا برای صاحب قبر کلماتی می‌گویند بدین مضمون که یا پیرو یا شهید اگر فلان حاجتم را روا کنی ویا بیماریم را شفادهی من گوسفندی برایت قربانی می‌کنم ویا چیزی برای تو نذر می‌کنم وکلماتی مشابه به آن که مسلما همهٔ این رفتارها شرک آمیز بوده ونوعی بت پرستی محسوب می‌شود. رسول اکرمﷺ فرمودند: «خداوند یهود ونصاری را لعنت کند که قبور پیامبران خود را سجده گاه قرار دادند». بخاری

رفتن بر سر قبرها اگر جنبهٔ تفریحی هم داشته باشد حرام است مثلا عید گاه قرار دادن قبور یعنی در روزهای عید یا جشن با سر ووضع آراسته برسرقبرها بروند وبا خورد ونوش روز خود را به شادی به سر ببرند در حالی که زیارت قبور باید مارا به یاد مرگ وآخرت بیندازد نه آنکه آنرا محل تفریح وخوشگذرانی خود قرار دهیم.

اینجا لازم دیدم کمی توضیح دهم برای کسی این اشتباه فکر نشود که رفتن بر سر قبور انبیاء علیهم السلام و اولیاء رحمهم الله دعا نمودن در حق خود و یا طلب دعای خیر از آنها جایز نمی باشد زیرا در این اواخر زمزمه های از جانب عالم نماهای کم علم به گوش میرسد که طلب دعای خیر را از قبور انبیاء علیهم السلام جایز نمیدانند بلکه در این باره تبلیغات وسیعی براه انداخته اند حتی این عمل را مترادف به شرک میدانند به این سبب بین مسلمانان شگاف و تزلزل ایجاد نموده است پناه به خداوند جل جلاله از این اشتباه بزرگ ما اینجا به این آیهٔ کریمه توسل جسته برای آنها نیز طلب هدایت مینماییم قرآن کریم ﴿ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب﴾ آل عمران آیة ۸.

بدون شک صحابهٔ کرام رضی الله عنهم، تابعین، امامان مذاهب چهار گانه و عموم مسلمانان همه بر این عقیده و باور بوده اند که طلب دعای خیر از قبور انبیاء علیهم السلام و اولیاء رحمهم الله جایز میباشد حتی این عمل ایشان به طور متواتر به ما رسیده

است یعنی آنها بر سر قبور بزرگان رفته از آنها طلب دعای خیر مینمودند وقتیکه عقیده اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان در تمام قرون و اعصار چنین بوده و میباشد این اجماع امت گفته میشود که مسلما این اجماع امت بر ما حجت میباشد به دلیل این حدیث که حضرت عبدالله بن عمر رضي الله عنهما گفت که رسول خدا صلى الله عليه وسلم فرمودند ((براستی که خداوند جمع نمیکند امت مرا یا امت محمد صلى الله عليه وسلم را بر گمراهی و کسیکه جدا شد (از امت من) جدا شد به سوی آتش)) ترمذی و نیز حضرت عبدالله بن عمر رضي الله عنهما گفت که رسول خدا صلى الله عليه وسلم فرمودند ((پیروی کنید از سواد اعظم (اکثریت مسلمانان) پس کار این است کسیکه جدا شد (از گروه بزرگ مسلمانان) جدا شد بسوی آتش)) ترمذی ما اینجا به سفارشات گهربار رسول اکرم صلى الله عليه وسلم عمل نموده خود را از پیکر امت اسلامی جدا نمی سازیم بلکه عقیده و راه و روش آنها را ادامه میدهیم اکنون به چند نمونه از عمل و عقیده صحابه کرام رضي الله عنهم، تابعین و علمای بزرگ اسلام اکتفا مینمایم زیرا اگر وارد این بحث شوم این مطلب خیلی به طول میانجامد چنانچه قبلا هم گفته ام که تمام سعیم بر این است که مطالب این کتاب خیلی خلاصه و کوتاه نوشته شود.

در زمان عمر ابن خطاب رضي الله عنه خشکسالی شد بلال بن حارث المزنی رضي الله عنه صحابی رسول خدا صلى الله عليه وسلم آمد کنار قبر پیامبر صلى الله عليه وسلم و فرمود یا رسول الله صلى الله عليه وسلم از خداوند برای امت خود طلب باران کن زیرا آنها دارند هلاک میشوند رسول الله صلى الله عليه وسلم در خواب برایش ظاهر شد و فرمود که برو به نزد عمر رضي الله عنه و سلام مرا به او برسان و برایش بگو که باران برای شما می آید و نیز بگو که متوجه امور مردم باش آن صحابی نزد عمر رضي الله عنه آمد؛ سفارش و خبر پیامبر صلى الله عليه وسلم را برایش رساند عمر گفته خداوندا از هیچ تلاشی کوتاهی نمی کنم مگر اینکه از توانم بیرون باشد این حدیث را حافظ ابن کثیر در البدایة و النهایة خود به نقل از بیهقی آورده

و گفته که سندش صحیح میباشد و جایگاه ابن کثیر در تفسیر و علم الرجال برای کسانیکه اندکی سواد دارند پوشیده نیست چنانچه آلبانی در کتاب خود به نام (تمام المنة) میگوید که علامه ابن کثیر از متخصصین علم حدیث میباشد.

و نیز از امام شافعی رحمه‌الله نقل است که او میگفت قبر امام موسی کاظم رحمه‌الله تریاک مجرب است یعنی رفتن بر سر قبر او جهت قبولی دعا خیلی مؤثر میباشد همچنین در کتاب در المختار آمده است که امام شافعی رحمه‌الله به قبر امام ابوحنیفه رحمه‌الله تبرک میجسته و میگفت من به ابی حنیفة رحمه‌الله تبرک میجویم وقتی حاجتی برایم پیش آید نزد قبر او رفته دو رکعت نماز میخوانم و نزد خداوند جل‌جلاله دعا میکنم حاجتم زود روا میشود این قضیه را امام ذهبی در کتاب تاریخ الاسلام خود آورده و توضیح میدهد که علت آمدن امام شافعی رحمه‌الله کنار قبر امام ابوحنیفة رحمه‌الله برای دعا این است که چنانچه اوقات برای قبول شدن دعا تفاوت دارد مانند وقت سحر و آذان اماکن نیز متفاوت اند و اضافه میکند که بقعه های مبارکه از جمله قبور صالحین محل نزول رحمت خداوند جل‌جلاله است و قبول شدن دعا در آنجا نزدیکتر اند.

خود کشی یکی از گناهان بزرگ محسوب می‌شود

مسلما خود کشی از گناهان بسیار بزرگ است که بیشتر بین زنان رواج دارد که ما شاهد بسیاری ازین حوادث بوده ایم. قرآن‌کریم: ﴿وَلاَ تُلقُوا بِاَیدِیکُم اِلی التَّهلُکَةِ﴾ وخود را به دست‌های خود به هلاکت می‌ندازید. معمولا دنیا پر ازغم، رنج وسختی می‌باشد بنابرین کسانی که صبر وحوصلهٔ کمتری دارند ویا به عبارت بهتر ایمان ضعیف دارد وقتی با غم ویا مصیبتی دچار می‌شوند صبر وتحمل خود را از دست داده بلا فاصله اقدام به خود کشی می‌نمایند آنها به گمان خود با این کار خود را از آن غم ومصیبت نجات می‌دهند غافل از اینکه با رهای ازین مصیبت زود گذر خود را به عذاب آخرت که به مراتب سخت‌تر

وبزرگ‌تر است دچار می‌نمایند. رسول اکرم ﷺ فرمودند: «کسی که خود کشی کند در روز قیامت همین عذاب به او داده می‌شود که او مرتب خودش را می‌کشد طوری که او خودش رادردنیا کشته باشد همان طور خودش را مرتب در دوزخ خواهد کشت کسی که خود را از بالای کوه پرتاب کرده باشد مرتب خود را از بالای کوه پرتاب می‌کند کسی که زهر خورده باشد به او مرتب زهر می‌خورانند وکسی که خود را با کارد کشته باشد او را مرتب با کارد می‌کشند». متفق علیه

و نیز فرمودند: «کسی که خودش را خفه کرد در دوزخ نیز خفه کرده می‌شود و کسی که به خودش زخم زد در دوزخ نیز به او زخم زده می‌شود». بخاری

و همچنان یکی از صحابه رضی الله عنه گفت که وقتی یک نفر خود کشی کرد رسول خدا ﷺ از خواندن نماز جنازه اش انکار فرمودند در حقیقت انسانهای ضعیف و بی اراده هستند که در مقابل سختی‌ها و مشکلات خود را زود باخته ودست به کارهای غیر عاقلانه می‌زنند که برای شان نتیجۀ جز حسرت و پشیمانی در بر ندارد

مزد صبر نمودن در مقابل مصیبت‌ها

از اول بنای کارم بر این بود که تنها از رفتارهای منفی و یا به عبارت بهتر رفتارهای ضد اخلاقی که غالبا بین زنان رواج دارد بنویسم ولی اینجا لازم دیدم که کمی از اجر صبر وتحمل در مقابل مصیبت‌ها را بنویسم باشد که خواهران ما در مقابل مشکلات بیشتر از خود صبر و پایداری نشان دهند.

قرآن‌کریم: ﴿وَ لَنَبلُوَنَّكُم بِشَیءٍ مِّنَ الخَوفِ وَالجُوعِ وَنَقصٍ مِّنَ الَاموَالِ وَالَانفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِینَ الَّذِینَ اِذَا اَصَابَتهُم مُصِیبَةٌ قَالُوا اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیهِ رَاجِعُونَ اُولَئِکَ عَلَیهِم صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِم وَ رَحمَةٌ وَ اُولَئِکَ هُمُ المُهتَدُونَ﴾ [بقره: ۱۵۷ـ ۱۵۵]

همانا شما را به چیزی از ترس وگرسنگی وکمی مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها آزمایش می‌کنیم و مژده بده صبر کننده گان را آنانکه چون برسد به ایشان سختی گویند به راستی ما از خدا هستیم وبه راستی ما بسوی او باز خواهیم گشت این گروه بر ایشان است درودها از پروردگار ایشان و بخشایش وایشانند راه یافته گان.

توضیحش اینست که اگر غم و مصیبتی برای انسان پیش بیاید بدون حساب و کتاب نیست وبه عبارت بهتر بدون حکمت نیست حقیقتا خداوندﷻ مسلمانان را به انواع سختی‌ها آزمایش می‌کند تا کسانی راکه ایمان قوی دارند از انسان‌های ضعیف الایمان متمایز گرداند. خداوندﷻ کسانی راکه در مقابل حوادث ناگوار از خود صبر و پایداری نشان می‌دهند اجر و پاداش بزرگی عطا می‌کند. قرآن‌کریم: ﴿إِنَّ اللّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ براستی خداوند با صابران است ﴿إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجرَهُم بِغَيرِ حِسَاب﴾ جز این نیست که به تمام داده شودصابران را مزد ایشان بی حساب .یعنی در دنیا ایشان را توفیق دهدتا راه تسلیم و رضا را بپیمایند تا در آخرت در جوار رحمتش بیارامند. رسول اکرمﷺ فرمودند: «کسیکه خداوند ارادۀ خیر به او داشته باشد او را به مصیبتی گرفتار سازد». بخاری

و همچنان فرمودند: «براستی پاداش بزرگ در برابر ابتلای بزرگ است و چون خداوند گروهی را دوست بدارد آنها را (به بلا) آزمایش می‌کند و آنکه (به بلای خداوند) راضی شود خداوند از او راضی می‌شود و هر که ناخشنود شود خداوند از او ناخشنود گردد». ترمذی

و نیز فرمودند: «مسلمان در برابر هر گونه درد، ناراحتی، بیماری، غم تا اینکه در برابر خاری که به پایش می‌خلد و یا گزیدن مورچه اجر می‌برد و همۀ

اینها وسیلۀ بخشیدن گناهان او خواهد شد». کسانی که متدین هستند در دنیا هم از دیانت خود سود می برند زیرا هر حادثۀ که برای ایشان رخ می‌دهد آنرا از جانب خداوندﷻ برای خود خیر دانسته و با صبر نمودن در مقابل آن از خداوندﷻ امید اجر و پاداش دارند که این عمل سبب آرامش روحی ایشان نیز می‌گردد.

دخترم ای میوه باغ دلم

ای که روشن گشته از تو منزلم

ای که هستی بهره مند از هر کمال

هم ز علم و معرفت بر تو مدال

گر چه خام هستی به عمر خویشتن

لیک گوش خود بنه بر پند من

با تو گویم پندهای جاودان

تا شوی خوشبخت در هر دو جهان

ای به خوشخوی چو حوران بهشت

طینت تو پاک و هم نیکو سرشت

گوهر علم است چون در جان تو

با عـــمل کامل شود ایمان تو

چون ترا علم است در سینه دفین

پس تو علمت با عمل میکن قرین

هم به این اندرز من میکن تو گوش

چون عمل کردی تو در اخلاص کوش

نرم شو چون گل به مخلوق خدا

تا فلاح آری تو در روز جزا

شو تو تسلیم رضای کردگار

دین و دنیا را به او یکسر سپار

ای که هستی در مصائب استوار

بر وجودت میکنم من افتخار

زنده گی کن در رضای کردگار

تا شوی بر مسند شاهی سوار

جز به درگاهش منه روی نیاز

جز به سوی او مکن کف را دراز

سیر کن بر کوره غم چون خلیل

تا شوی در زمرۀ نیکان دخیل

صبر باشد هدیۀ از مستعان

هدیه را از کف مده تو رایگان

صبر باشد قوت ایمان و دین

صبر باشد درکفت حبل المتین

صبر باشد کار ایوب نبی علیه‌السلام

بی صبوری نگذرد بر تو شبی

صبر باشد افتخار انبیاء

صبـــر باشد اقـــتدار اولیاء

گفت این را خاتم پیغمبران

نیم ایمان صبر و نیمی شکر دان

صبر میباشد کلید مشکلات

رهنمای تو بود اندر حیات

صبر باشد آتش افروخته

غش ایمان را نماید سوخته

حنظلی کز دوست آید خوشتر است

زان عسل کز دیگری آید بدست.

پاداش صبر بر مرگ فرزندان

رسول اکرمﷺ فرمودند: «نیست هیچ دو مسلمانی (پدر و مادری) که سه فرزند از ایشان بمیرند مگر اینکه خداوند به فضل و رحمت خود آن دو را داخل بهشت گرداند سؤال شد اگر دو تا بمیرند فرمودند: «اگر دو تا هم باشند» باز سؤال شد اگر یکی بمبرد فرمودند: «اگر یکی هم باشد قسم به آنکه جانم در ید قدرت اوست بدون شک جنین سقط شده هم به وسیلهٔ بند نافش مادرش را به بهشت می کشاند اگر مادرش صبر کند». احمد

و نیز فرمودند: «اگر زنی سه فرزندش بمیرند آنها برایش سپری از دوزخ میباشند» زنی گفت اگر دو تا باشند فرمودند: «اگر دوتا هم باشد» بخاری. در واقع مرگ فرزند بزرگترین ناراحتی و صدمهٔ روحی را به والدین خود وارد می کند که اگر والدین در مقابل این مصیبت بزرگ از خود صبرنشان دهند و از خداوندﷻ امید صواب و پاداش داشته باشند بزرگترین اجر اخروی را خواهند برد رسول اکرمﷺ فرمودند: «هرگاه فرزند یکی از بنده گان بمیردخداوندﷻ به فرشته گان می‌گوید آیا شمافرزند بنده ام را موت دادیدفرشتگان می‌گویند آری

ما چنین کردیم بعد خداوند ﷻ می‌گوید شما میوۀ دل او را بردید آنها می‌گویند آری چنین کردیم. بعد خداوند ﷻ می‌گوید بندۀ من چه گفت آنها می‌گویند بندۀ تو گفت «الحمد لله و انا لله و انا الیه راجعون». آنگاه خداوند ﷻ به فرشتگان می‌گوید برای این بندۀ من خانۀ در بهشت بنا کنید و آنرا «بیت الحمد» نامگذاری کنید». ونیز فرمودند: «مؤمن خواه زن باشد یا مرد پیوسته در ناراحتی‌ها وگرفتاری‌های جانی، مالی و اولادخواهد بود تا اینکه او در حالی خداوند را ملاقات می‌کند که هیچ گناهی بر او نیست». ترمذی

ونیز فرمودند: «خداوند چنین می‌گوید اگر فرزند جگرگوشه ومحبوب بنده ام را مرگ بدهم واو در برابر این مصیبت وارده انتظار ثواب واجر را داشته باشد پاداشی جز بهشت به او نخواهد رسید». بخاری. یکی از ویژه گی‌های مسلمان واقعی اینست هنگامی که در رفاه وآسایش باشد حمد وستایش خداوند ﷻ را می‌گوید وهمچنان زمانی که به غم وسختی دچار می‌شود صبر و استقامت را پیشه ساخته واز خداوند ﷻ امید پاداش دارد که در هر دو حالت به او اجر اخروی داده می‌شود پس حیف است از یک مسلمان که در مقابل مصیبت خود را ببازد که درین صورت مزدی به او تعلق نمی‌گیرد.

جـــهان را اژدهـــای دان به نقش آن مشو شـــیدا

زنـــــیش آن مکن شکوه ززهر آن مکن پروا

بـــــود دنیا سرای امتحان و درد و رنــج و غـــم

خـــوشا آنکس که شد راضی زحکم وقسمت مولا

نــــــه دنیا جای عیش وشادی وراحت بودهشدار

نـــبینی مـردلی را شاد اندر عرصۀ دنیــــا

بـــــه عیشش اعتباری نی به ملکش اعتمادی نی

بـــه زورش افـــتخاری نی بمانی عاقبت تنهـا

الا ای ناز پرورده مشو مغرور ایـن دنیا

کـــه طـــوفان حوادث مر ترا سربشکند هم پا

دریـــن مهـــنت سراآخر چراجویای عیش هستی

که زندانیست بیشک این جهان مرمردمؤمن را

بـــــه بین فخر دوعالم را شکست اوراسرودندان

حـــسین فاطمه بـــنگر که خونین شد ازوصحرا

مـــشو پـــران بسان پر ززور صرصرغمـــــها

زنـــفخش تابکی پایین روی گاهی روی بـــالا

بـــسان کـــوه ثابت باش در طوفان عالم گیـــــر

شـــناور باش همچون بط به دریای مصیبتها

درین دنـیای پـرآشوب ره صبرو رضابگزین

کـــه ازصبرصدف لؤلؤ شود یک قطرۀ دریـا

بیا جــــام صبوری نوش تاحنظل ننوشا ننـــــد

بـــیا راه رضا پیما که با زورت کشد آنجـــا

صـــبوری هـــدیۀ بـاشد تراازجانب رحمـــان

نـــباشد هدیۀ بـــــهتر زصبر ای مؤمن دانـــا

دوبـــال تـــوبودصبرورضادرکورۀ دنیـــــــــا

بـــکن با آن دو تا پرواز سوی جنت المـــــاوی

رواج خرافات و اوهام درمیان زنان

اگر بخواهم که تعداد خرافات و باورهای راکه بین زنان رواج دارد بطور کامل بنویسم یک کتاب قطوری به دست می‌آید اما اینجا خلاصۀ از این خرافات را می‌نویسم تا برای خواننده گان ملال آور نباشد یکی از خرافات وبه عبارت بهتر گناهان بزرگ که امروزه بین زنان رواج فراوان پیدا کرده است فال گرفتن وتوسل جستن به تعویذات و طلسماتی است که معمولا معنی و مفهوم آن برای همه نا مشخص ونا معلوم است مسلما همه می‌دانند که تبرک جستن و شفا خواستن از آیات قرآن‌کریم و نامهای خداوندﷻ امری است مستحب و پسندیده قرآن‌کریم: ﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرآنِ مَا هُوَ شِفَاء وَ رَحمَة لِلمُؤمِنِينَ﴾ [اسراء: ۸۲] و فرود می‌آریم از قرآن آنچه وی شفاء و رحمت است مسلمانان را.

اما اگر کسی حاجت و یا شفاء بیماری خود را از تعویذاتی غیر از قرآن کریم و نامهای خداوندﷻ بخواهد مسلما مرتکب گناهی بزرگ می‌شود که اکثر زنان این را نمی دانند باید به آنها تفهیم گردد که اکثر این تعویذات سحر و جادو می باشد که اگر کسی متوسل به این گونه تعویذات شود ویا معتقد به اثر بخشی آن باشد بی شک مرتکب گناهی کبیره می شود و همچنان اگر کسانی دانسته به این عمل دست می زنند ونیز برین باور هستند که با سحر و جادو کردن و توسل جستن به نامهای شیطان و سران کفر و الحاد مانند فرعون ،هامان و نمرود به هدف دنیوی خود میرسند بدون شک در نزد خداوندﷻ کافر محسوب می‌گردند اگر چه نامشان مسلمان باشد کسانی هستند که برای نیل به یک هدف دنیوی دین و دنیای خود را به فروش می‌رساند و برای این کار پول زیادی را به مصرف می‌رسانندکه مسلما به مقصدش هم نمی‌رسند زیرا هیچ کاری در عالم بدون اذن و خواست خداوندﷻ صورت نمی‌گیرد و بدون ارادۀ او برگی از درخت بر زمین نمی‌افتد اگر ما مسلمان واقعی هستیم چرا حاجت و یا شفاء

بیماری خود را از خداوندﷻ نخواهیم که نیک وبد عالم در قبضهٔ قدرتش مقهور است خداوندﷻ دین مبین اسلام را به ما ارزانی داشته است دین مقدسی که با ظهور خود با تمام اوهام، خرافات و رسوم اهل جاهلیت سخت به مبارزه بر خواسته و خط بطلان بر روی آن کشیده است و پیروانش را از نزدیک شدن به خرافات و رسوم جاهلیت اکیدا بر حذر داشته است قرآن‌کریم: ﴿وَقُل جَاءَ الحَقُّ وَزَهَقَ البَاطِلُ اِنّ البَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ [اسراء: ۸۱]

وبگو آمد حق و نابود شد باطل بدرستی باطل است نابود شونده ـ حیف است از یک مسلمان با وجودی که خودرا پیرو قرآن‌کریم می‌داند باز هم دست به کارهای می‌زند که دین مقدس اسلام آنراصریحا باطل اعلان نموده است متأ سفانه اکثریت قریب به اتفاق زنان سخت پایبند امور خرافی و رسوم جاهلی می‌باشند. رسول اکرمﷺ فرمودند: «از هفت چیز که باعث هلاکت می باشد پرهیز نمایید شریک قرار دادن برای خداوند، سحر کردن، کشتن کسی به نا حق، خوردن سود، خوردن مال یتیم، فرار کردن در میدان جهاد و تهمت بستن به زنان پاکدامن ، مؤمن و بی خبر از گناه». متفق علیه

و نیز فرمودند: «براستی تعویذ بستن و طلسم کردن شرک است». ابن حبان

طلسم چیزی را می‌گویند که زنان برای دفع چشم زخم و یا شفاء بیماری بر خود می بندند مانند بستن مهرهٔ آبی رنگ به گردن و یا شکستن تخم مرغ بر سر مریض که به گمان ایشان چشم زخم برداشته است و یا گذاشتن کارد وچاقو بر بالین زنی که تازه بچهٔ تولد نموده است تا از آمدن جن و پری جلو گیری کنند وچیزهای ازین قبیل حقیقتا کسانی که این اعمال جاهلانه را انجام میدهند نه تنها چیزی عاید آنها نخواهد شد بلکه عملادین خود را به نابودی و هلاکت

می‌کشانند رسول اکرمﷺ فرمودند: «کسی که طلسم ببندد برای خداوند شریک قائل شده است» احمد و حاکم

در واقع شرک آوردن به خداوندﷻ اقسام زیادی دارد که طلسم بستن و جادو کردن هم یکی از اقسام آن است زیرا عامل آن معتقد به تأ ثیر گذاری طلسم وجادو در امور می‌باشد که این عقیده شرک محسوب گردیده و نوعی بت پرستی است. رسول اکرمﷺ با مردی که مهرهٔ را به گردن آویخته بودبیعت ننمود آن مرد متوجه شده آن مهره رادورانداخت سپس رسول اکرمﷺ با او بیعت نمودند قرآن‌کریم نیز ما را از نزدیک شدن به طا غوت منع می‌نماید؛
﴿وَلَقَد بَعَثنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولاً أَن اعبُدُوا اللّهَ وَاجتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ [نمل: ٣٦]

و براستی فرستادیم در هر گروهی پیامبری را که عبادت خداوند کنید و احتراز کنید از بتان.

طاغوت تنها بتهای سنگی را نمی‌گوید که در گذشته مورد پرستش قرار می‌گرفت در حقیقت هر چیزی که بدون خداوندﷻ مورد احترام و پرستش قرارگیرد و مردم معتقد به اثر بخشی آن در امور باشند طاغوت نام دارد طاغوت در هر زمان چهرهٔ جدیدی به خود می گیرد که مردم به طورنا خودآ گاه به پرستش آن روی می‌آورند واقعا شرم آور است که ما با وجودی که خود را مسلمان میدانیم باز هم معتقد به چیزهای می‌باشیم که دین اسلام ما را به شدت از آن منع نموده است کافران عهد رسول اکرمﷺ هم می‌گفتند ما خداوند یکتا را قبول داریم ولی بتها را نیز احترام و پرستش می‌کنیم تا ما را نزد خداوندﷻ شفاعت کند و همچنان تا مشکلات را از ما دور سازد فعلا هم اگر بطور محترمانه به کسی گفته شود که این امور خرافی در اسلام هیچ پایه و اساسی ندارد بلکه گناه

شمرده می‌شود با کمال سر سختی می‌گوید که من این کار را جهت دفع چشم زخم و یا شفاء بیماری انجام می‌دهم قصد دیگری ندارم یکی دیگر از رسوم جاهلیت که سخت بین زنان ریشه دوانده است فال گرفتن است رسول اکرمﷺ فرمودند: «کسی که پیش فالگیری برود و از او سؤال کند و گفته اورا باور کند تا چهل روز عبادات او پذیرفته نمی‌شود». مسلم

ببینید دین اسلام با چه صراحتی این امور خرافی را باطل اعلام نموده است ولی ما با ز هم دست از این کارها بر نمی‌داریم واقعا تأسف آور است که خواهران ما بی پروا به نزد فالگیرها می‌روند و به گمان خود خود را از آینده خود با خبر می‌سازند غافل از اینکه تا چهل روز نماز و عبادات ایشان مورد قبول واقع نمی‌شود حقیقتا علم غیب خاصهٔ خداوندﷻ است هیچکس از امور آینده آگاهی ندارد حتی پیامبران علیهم‌السلام و ملائکهٔ مقرب جز آنکه به وسیلهٔ وحی با خبر شوند چه رسدبه فالگیر و کاهن که جزدروغ چیزی در فکر ایشان خطور نکرده و در زبان ایشان نمی‌آید. قرآن‌کریم: ﴿لَهُ غَيبُ السَّمَاوَاتِ وَالَارضِ﴾ [کهف: ٢٦]

برای اوست (علم) غیب آسمان‌ها و زمین.

امروزه عدهٔ فالگیرهای که در دهات و شهرهای ما زنده گی می‌کنند و برای مردم فال می‌گیرند و پیشگوئ می‌کنند کم نیستند آنها برای پر کردن جیب‌های خود از هیچ دروغی ابای ندارند و با مهارتی که در این کار پیدا نموده اند چند دروغی را با هم می‌بافند و به مشتریان خود تلقین می‌کنند تا از این طریق دل آنهارا خوش ساخته و در عوض مبالغ هنگفتی را از آنها می‌گیرند و همچنان از گناهان دیگری که بین زنان طرفداران زیادی دارد شوم و بد فال دانستن اشیاء

است که اسلام آنرا نیز باطل اعلان نموده است. رسول اکرمﷺ فرمودند: «فال بد گرفتن شرک است». مشکوة

و نیز فرمودند: «از ما نیست کسیکه چیزی را شوم بداند یا به حرف کسی دیگر آنرا شوم بداند ویا کسی غیبگوی کند یا برایش غیبگوی کند ویا کسی سحر کند یا برایش سحر کند». طبرانی

و نیز فرمودند: «من فرستاده شدم تا امور جاهلیت را نابود سازم». شوم دانستن انسان، حیوان یا چیز دیگری جزء باورهای غلطی است که بیشتر زنان به آن معتقد هستند مثلا می‌گویند فلان عروس بد قدم است به محض اینکه پا به خانهٔ شوهرش نهاد یکی از اعضای خانوادهٔ شوهرش فوت کرد ویا شوهرش در کسب و کارش ضرر کرد و غیره و نیز اگر کسی حیوانی بخرد بعدکدام صدمهٔ جانی و مالی به او برسد آن حیوان را به فال بد گرفته آنرا می‌فروشد و یا ذبح می‌کند و خرافاتی از این قبیل.

دیگر گفتن سخنانی که کفرآمیزمحسوب می‌شود

بسیاری از زنان عادت دارند در حالت عادی و یا هنگامی که خشمگین می‌شوند سخنان کفرآمیزی برزبان می‌آورند مثلا می‌گویند من مسلمان نباشم اگر فلان کار را نکنم یا من یهودی باشم یا مؤمن به چهار کتاب نباشم یا من کافر باشم یا بی ایمان باشم ویا سوگند به غیر خداوندﷻ می‌خورند مثلا به پدرم سوگند یا به جان پسرم سوگند یا به جانم سوگند یا به جان تو سوگند یا به فلان پیر سوگند و غیره که گفتن چنین سخنانی از نظر اسلام شرک آمیز محسوب می‌شود باید مسلمانان از گفتن چنین سخنانی به شدت اجتناب نمایند کسانی که از گفتن چنین سخنانی ابا ی ندارند در واقع به دست خود تیشه بر ر یشهٔ ایمان خود می‌زنند.

رسول اکرمﷺ فرمودند: «خداوند شما را منع میکندازین که به پدران خود سوگندبخورید پس کسیکه سوگند یاد کند باید به خداوند سوگند خورد یا خاموش شود». متفق علیه

و نیز فرمودند: «آنکه سوگند به امانت خورد ازما نیست». ابوداود

ونیز فرمودند: «آنکه سوگند خورده و گفت من از اسلام بیزارم پس اگر دروغگو باشد او چنان است که گفته و اگر راستگو باشد پس هرگز سلامت به اسلام باز نمی گردد». ابوداود

یعنی اگر او سوگند دروغ خورده باشد او طبق گفته اش از اسلام بیزاراست که این خود معلوم است هر کس از اسلام بیزاری جوید کافر محسوب می‌شود واگر سوگند راست خورده باشد باز هم دینش به سلامت نمی‌ماند و همچنان فرمودند: «آنکه به غیر خداوند سوگند خورد در حقیقت کافر شده یا شرک آورده است». ترمذی

یعنی اگر کسی به چیزی غیر نام خداوندﷻ سوگند یاد نماید این بدان معنی است که آن چیز را تعظیم کرده و بزرگ دانسته است که این شرک محسوب می‌شود پس اگر کسی احیا نا سوگند خورد باید تنها به نام خداوندﷻ سوگند یاد نماید که او در ذات وصفاتش از هر گونه نقص و عیبی مبرا می‌باشد نه مخلوقش که از خود هیچ ایرادهٔ ندارد و محکوم به فنا است و همچنان نسبت کفر به کسی دادن حرام است رسول اکرمﷺ فرمودند: «هر کس به برادر خود بگوید ای کافر پس این به منزلهٔ کشتن اوست» البزار

و نیز فرمودند هرکس شخص مسلمانی را با کلمهٔ ای کافر یا دشمن خدا صدا کرد و آن شخص در واقع چنین نبود این کلمات به خود گوینده بر می‌گردد». متفق علیه

یعنی اگر کسی با مسلمانی کافر ویا دشمن خدا بگوید و آن شخص هم چنین نباشد یعنی معلوم است که شخص مسلمان کافر و یا دشمن خداوندﷻ نیست پس این کلمات به خودش بر می‌گردد یعنی در واقع خودش کافر محسوب می‌شود شاید این را برای مبالغه گفته باشد تا که مسلمانان را از گفتن چنین کلماتی بر حذر دارد.

لعنت فرستادن و دعای سخت نمودن ممنوع است

رسول اکرمﷺ فرمودند: «مؤ من بسیار طعنه زننده و لعنت گر و بد گفتار و بد کردار نیست». ترمذی

لعنت فرستادن و یا دعای بد نمودن از جمله خصلتهای بسیار بدی است که بیشتر در بین زنان رواج دارد همین که زنی در رابطه با فرزندش و یا کسی دیگر خشمگین شود شروع می‌کند به دعای بدعلیه او که گفتن دعا ی بد در اسلام ممنوع قرار دا ده شده است رسول اکرمﷺ فرمودند: «لعنت کردن مسلمان مانند کشتن اوست». مسلم

و نیز فرمودند: «بر دوزخ اطلاع یافتم دیدم بیشتر اهل آن زنان هستند برای اینکه بسیار لعنت فرستند و ناسپاسی شوهر کنند»

و همچنان فرمودند: «هیچ یک از شما به لعنت خداوند و غضبش و دوزخ بر دیگری دعا نکند». ترمذی

باید مسلمان از گفتن دعای بد علیه خود و فرزندانش خودداری نماید؛ زیرا اکر دعایش با ساعت قبولی دعا موافق افتد مستجاب می‌شود که مسلما به ضررش تمام می‌شود و پشیمانی هیچ سودی برایش ندارد.

گفتن فحش و سخنان توهین آمیز حرام است

رسول اکرمﷺ فرمودند: «چهار خصلت است که اگر در کسی موجود باشد منافق خالص است و آنکه در او خصلتی ازین خصلتها باشد در او خصلتی از نفاق است تا آنرا ترک کند چون امین شمرده شود خیانت کند و چون سخن گوید دروغ گوید و چون پیمان بندد پیمان شکنی کند و چون دعوا کند دشنام دهد». متفق علیه

بعضی اوقات خواه ناخواه بین اعضای خانواده، شریکان ویا همسایه‌ها جنگ ودعوا می‌شود که این کار منجر به گفتن فحش و سخنان تو هین آمیز علیه یکدیگر می‌شود. رسول اکرمﷺ فرمودند: «دشنام دادن مسلمان فسق وجنگ با او کفر است». متفق علیه

ونیز فرمودند: «دو دشنام دهنده آنچه گفتند گناهش بر آغاز گر ایشان است تا اینکه مظلوم از حد تجاوز کند». مسلم

یعنی گناه هر دو دشنام دهنده بر آغاز کننده جنگ است این حکم تا وقتی است که مظلوم از اندازهٔ که ظالم در باره اش توهین نموده است بگذرد یعنی دشنام دادن مظلوم بیشتر شود.

ایا زن اُسوهٔ تو هست زهرا

زوی کن گوش این گفتار شیوا

به زن بهتر از آن چیزی نباشد

که او مردی نه بیند مرد اورا

تو را فرمان دهد آن رهبـرکل

جهاد المراة حـــسن الـتــبــعــل

اگر تو خوب شوهـر دار باشی

به روز و شب پی تیمارباشی

جهاد غازیان بر تـو نـویـسند

اگر در خواب و یا بیدار باشی

ترا فرمان دهد آن رهبـر کـل

جهاد المرأة حـسـن التـبـعـل

بـتوفـخر آورد سـردار عـالم

بـــتو آرام گیـــرد نـــسل آدم

فروزان اختــران داری بـــدامن

بدرد بی کسی هستی تو مرهم

تــرا فرمان دهد آن رهبـر کـل

جهاد المرأة حـسـن التـبـعـل

تو می باشی چـــراغ زنـــدگانی

گلی در صحن بـــاغ زنـــدگانی

چولاله در چمن آتش فـــروزی

بـــدل داری تـــو داغ زندگانی

ترا فرمان دهد آن رهبـر کـــل

جهاد المرأة حـســـن التـبـعـل

عفاف تو حصار ملت ماســـــت

حجاب تو نشان غیرت ماســـت

خدانا کرده گر طغیان کنی تـــو

نـــماد از ظـــهور ذلـت ماست

تـــرا فرمان دهد آن رهبــر کــل

جـهاد المرأة حـــســن التــبــعــل

اگرشب درقیام هستی تو ای زن

وروزاندرصیام هستی توای زن

زتوچون شوهرت راضی نباشد

بــدوزخ تلخ کام هستی توای زن

ترا فرمان دهد آن رهبــر کـــل

جـهاد المرأة حـــســن التــبــعــل

اگر علم وخرد بـاشد تـــرا یـــار

شـــوی فـــرمان احمد را خریدار

بگوش خویش آویز این دُرر را

ترا به زین نـباشد هیـــچ کر دار

ترا فرمان دهد آن رهبــر کـــل

جـهاد المرأة حـــســن التــبــعــل

الا ای شـــاهـــکار کــــبریائی

کـــه آیـــد از تـــو بوی آشنائی

تـــرا شـــــد سینه کانون محبت

مـــزن دم از فـــراقُ وز جدائی

ترا فرمان دهد آن رهبــر کــل

جـهاد المرأة حـســن التــبـعـل

چوهستی مظهر ذات خداونـــد

دل مــــلت بمهر توست پیونــد

وجود خویش صیقل کن د ما دم

نشینی در یم زنگار تــا چـــــند

ترا فرمان دهد آن رهبــر کــل

جـهاد المرأة حـســن التــبـعـل

اگرخواهی بنوشی ز آب کوثر

بکن سرمشق خود زهرای اطهر

بدریای عفاف ار غرق گـردی

بکف آری دوصد خروار گوهــر

ترا فرمان دهد آن رهبــر کــل

جـهاد المرأة حـســن التــبـعـل

بخوان ای خواهرمن سورهٔ نور

زولیضربن گیر این حسن دستور

زدست اجنبی محفوظ گـــردی

بــزیر چادر ار گردی تو مستــور

ترا فرمان دهد آن رهبــر کــل

جـهاد المرأة حـســن التــبـعـل

اگر تو چون زن نوح پیمبر علیه السلام

ویـــا چون زوجهٔ فرعون کافـــر

خدا ایمان ودینت را بسنجـــــد

نــه گیرد مر ترا در کیش همسـر

ترا فرمان دهد آن رهبــر کــل

جــهاد المرأة حــســن التــبــعــل

زفـــن خانه داری کار بهتـــر

نــــباشد مـــر تـــرا کاری میسر

مرو بیرون زخانه بی مـــحابا

که چون گل عاقبت گردی توپرپر

ترا فرمان دهد آن رهبــر کــل

جـــهاد المرأة حــســن التــبــعــل

ترا من میـدهم این لحظه پیغام

بـراه غربیان هرگز مـزن گـــام

مــــرو انـــدر لجن زار تباهی

کـه گردی عاقبت رسوا وبد نـام

ترا فرمان دهد آن رهبــر کــل

جــهاد المرأة حــســن التــبــعــل

لجام خود مده در دست شیطان

که گردی بیگمان مغضوب یزدان

مـــکن تقلید از رسم زمانــه

شـوی آخـر غریق بحر عصیان

ترا فرمان دهد آن رهبـر کـل

جـــهاد المرأة حـــسن التـبـعـل

زنا محرم بپوشان چشمهایــت

کــه مـــیباشد نـــگاه تو بلایت

چو عنقا از اجانب دور میباش

نـــگه زنـگ خطر بـــاشد برایت

ترا فرمان دهد آن رهبـر کـل

جـــهاد المرأة حـــسن التـبـعـل

اگر شوهر ترا در راه شیطان

بـــرد اورا مبـــر هرگز تو فرمان

زحـــق آمد بما پیغام روشـــن

بمعروفست طاعت نی به عصیان

ترا فرمان دهد آن رهبـر کـل

جـــهاد المرأة حـــسن التـبـعـل

بتن کن جوشن حجب و نجابت

بـــه پوی اندر ره حق با صداقت

بـــسان مرد در راه خدا کوش

سـمندت ران بـــه مـیدان سعادت

ترا فرمان دهد آن رهبر کـل

جـهاد المرأة حـسـن التـبـعـل

بروی خویش افگن چادرت را

نهان از چشم بـد کن اخترت را

نـگاه اجنبی بـاشد گزندت

مـنه بـهر نـمایش گوهرت را

ترا فرمان دهد آن رهبـر کـل

جـهاد المرأة حـسـن التـبـعـل

زتـو روشن بـود کاشانهٔ ما

زمـهرت لـب به لـب پیمانهٔ ما

بـه فـرق ما کشی بال ترحم

پـر از شـادی کـنی تو لانهٔ ما

ترا فرمان دهد آن رهبـر کـل

جـهاد المرأة حـسـن التـبـعـل

تـو گـنج شایگان ملت هستـی

تـو مـام مـهربان ملت هستی

زدامـن گـل بـیفشانی فراوان

تـو بـیشک باغبان ملت هستی

ترا فرمان دهد آن رهبـر کـل

جـهاد المرأة حـسـن التـبـعـل

حیا کن از خداو از پیغمبر علیه السلام

مــرو جــز راه قــرآن راه دیگر

مــنه در جادهٔ غربی قـــدم را

که گردی چون بت اندر دست آذر

ترا فرمان دهد آن رهبــر کـل

جــهاد المرأة حـســن التـبـعـل

چومریم پاک جیب وباصفاباش

لــبالب سینه از عــشق خدا بـاش

گلی هستی به باغستان عــفت

زخــار بــی حـیائی ها جدا باش

ترا فرمان دهد آن رهبــر کـل

جــهاد المرأة حـســن التـبـعـل

زجسم پاک تو باشد ســـرشتم

بــزیر پــای تــو بـــاشد بهشتم

کنم شکر ترا ای رحمت حــق

بــمهدم حــب تــو در دل نوشتم

ترا فرمان دهد آن رهبــر کـل

جــهاد المرأة حـســن التـبـعـل

تــرا شرم وحیا گردید زیــور

نــباشد زیـــنت تو ســیم و یا زر

زایمان طوق اندر گردن افگن

بــه گوش آویزازعــرفان تــو گوهر

ترا فرمان دهد آن رهبــر کــل

جــهاد المرأة حــســن التــبــعــل

هــمه شب تا سحر بیدار باشی

زبـــهر کــودکان غمخوار بـاشی

رخ زردت نشان محنت توست

هـــمه آســـوده تــو افگار باشی

ترا فرمان دهد آن رهبــر کــل

جــهاد المرأة حــســن التــبــعــل

مـــیان ملت خود بس عزیزی

ادیـــب و نــکته دان وبا تــمیزی

مـــشو بـــازیچهٔ دست هوسها

مـــبادا آبـــروی مـــا بـــریزی

ترا فرمان دهد آن رهبــر کــل

جــهاد المرأة حــســـن التــبــعــل

چــوداری عــقل ودین وفهم ووجدان

به توحیف است باشی دام شیطان

اگـــر در حصن اسلام آرمیدی

رهـــیدی از دم طـــاغوت دوران

ترا فرمان دهد آن رهبر کل

جهاد المرأة حسن التبعل

اگر صد گردش ایام باشد

پناه تو فقط اسلام باشد

مرو اندر پی فرهنگ غربی

که آن زالوی خون آشام باشد

ترا فرمان دهد آن رهبر کل

جهاد المرأة حسن التبعل

همین بی بند وباری ورذالت

تمدن نام کردند از جهالت

درآن فرهنگ زن چیزی نباشد

به دست اهرمن گردید آلت

ترا فرمان دهد آن رهبر کل

جهاد المرأة حسن التبعل

بجای مام باشد مار منزل

وجود خویش کرده شمع محفل

ندیده کودک از وی مهر مادر

ازو انسانیت گردید زائل

ترا فرمان دهد آن رهبر کل

جهاد المرأة حسن التبعل

به مجلسها چراغ تابناک است

بـــه خانه اژدهای هولناک است

سیه رویست وبس آلوده دامــن

دل شـــوهر زبـــهرش چاک چاک است

ترا فرمان دهد آن رهبـر کـــل

جـــهاد المرأة حــســن التـبـعـل

فـــساد زن فـــساد امـــتان است

صـــلاح او فـــلاح دو جهان است

اگرشایسته هست و پاک طینت

کـــه جـــای این چنین زن در جنان است

ترا فرمان دهد آن رهبـر کـــل

جـــهاد المرأة حــســن التــبـعـل

زمین ار خوب باشد حاصل آرد

وگـــر بـــد هست خار باطل آرَد

اگرزن کودن وبی بند وباراست

بـــه مـــثلش کـــــودکان جاهل آرد

ترا فرمان دهد آن رهبـر کـــل

جـــهاد المرأة حــســن التــبـعـل

وجـــود خویش ابر دُرفشان کن

بـــجوی خشک ما آب روان کــن

به آن مهر خدادادی که داری

زشفقت بر سر ما سایبان کن

ترا فرمان دهد آن رهبر کل

جهاد المرأة حسن التبعل

توهستی حافظ ناموس امت

زتو روشن بود فانوس امت

مشو هان منحرف ازراه یزدان

که آنگه می شوی کابوس امت

ترا فرمان دهد آن رهبر کل

جهاد المرأة حسن التبعل

زفرهنگ خودی رویت مگردان

بود سر چشمه اش قانون قرآن

حصار تو بود فرهنگ پاکت

رهاند مر تو را از چنگ دیوان

ترا فرمان دهد آن رهبر کل

جهاد المرأة حسن التبعل

اگر هستی تو بانوی مسلمان

اگر داری تو خوی خوب انسان

مکن تقلید از فرهنگ غربی

که زن باشددر آن فرهنگ حیوان

ترا فرمان دهد آن رهبـر کـل

جـهاد المرأة حـسـن التـبـعـل

دلم بهر زن غربی غمین است

که صدآلوده گیش اندر کمین است

خدایا کی نجات حاصل کنـد او

که روح اوبه ناپاکی عجین است

ترا فرمان دهد آن رهبـر کـل

جـهاد المرأة حـسـن التـبـعـل

زن آن چونکه بگسسته عنان است

به نقش دل فریب خودچنان است

به گردد کوی وبرزن چون گـدایـان

گهی از این بود گاهی ازآن است

ترا فرمان دهد آن رهبـر کـل

جـهاد المرأة حـسـن التـبـعـل

خاتمه کتاب توسط مولوی ابوالحسن صاحبزاده

﴿مَن عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفسِهِ وَ مَن اَسَاءَ فَعَلَیهَا﴾

این جهان کوهست و فعل ما ندا   ســــوی ما آیـــد نداهارا صدا

هرچه در دنیا از ما افعال سر می‌زند روز جزا عائد به ما خواهد بود حاشیه ۱۰ مثنوی صفحه ۲۲ ج۱.

«بشنوید ای دوستان این داستان   خود حقیقت نقد حال ماست آن»

ج۱ مثنوی.

داستان پادشاه و کنیزک و زرگر

(مولانا محمد افضل چنین افاده کرده اند که پادشاه اشاره بحق تعالـی است و کنیز کنایت از دل و بیماری کنایت از زنگ گرفتن آئینۀ دل بحب دنیا مانند بیماری کنیز بحب زرگر و اطباء عاجز از شناخت مرض کنیز کنایت از مدعیان طریقت که از معرفت مرض دل عاجز اند و حکیم کنایت از مرشد که رنگ حب دنیا بصیقل ارشاد از آئینه دل زائل گرداند و دل را به تنویر و اضاءت بحالیکه مرضی و محبوب حق تعالی است رساند).

یا (روح پادشاه بدن عاشق بر عقل جزئی شده که مملوک اوست تا اورا صرف کند در اکتساب کمالات خود از حسن معاد و مشاهدۀ حق لیکن او بجهت رضای نفس که محبوب اوست میخواهد که لذات حاصل کند سالک را باید که ازالۀ این عشق کند تا خلاص شده بکار روح آید پس مرشد باید از او این کار برآید پس طبیب حاذق باید و پیش مدعیان نرود که از آنها حاجت بر نیاید بلکه پیش مرشد کامل رود از حق التجاء نماید تا که مرشد کامل را با او رساند پس از تدبیر مرشد کامل نفس را بکُشد و از عقل برخوردار شود تا استعمال در اکتساب

مرضیات حق کند و بعضی نفس را به منزلهٔ کنیز و دنیا را معشوق کنیز قرار داده و باقی بحال خود است).

حاصل آنکه چون زنگار در دل مستولی است اسرار نمیتواند فهمید پس دل را از زنگ پاک باید کرد چنانچه پادشاه آن کنیزک را زرنج خلاص نمود که تعلق به زرگر داشت بدریافت طبیب الهی. ج۱ حاشیه ۱۰ مثنوی.

ذکر اشعاری چند از علامه اقبال لاهوری

ای که گل چیدی منال از نیش خار

خار هم می روید از باد بهار

اقبال صـ۲۷۲.

اگر تقلید بودی شیوه ی خوب

پیمبر هم ره اجداد رفتی

اقبال صـ ۲۷۲.

وای بر دستور جمهور فرنگ

مرده تر شد مرده از صور فرنگ

گر چه دارد شیوه های رنگ رنگ

من بجز عبرت نگیرم از فرنگ

ای بتقلیدش اسیر آزاد شو

دامن قرآن بگیر آزاد شو

اقبال صـ۳۱۰و۳۱۱.

وحی حق بیننده ی سود همه

در نگاهش سود و بهبودِ همه

اقبال صـ۳۱۰.

عقل خود بین غافل از بهبود غیر

سود خود بیند نه بیند سود غیر

اقبال صـ۳۱۰.

دیگرگون کرد لا دینی جهان را

ز آثار بدن گفتـــــند جان را

از آن فقری که با صدیق دادی

بسوزی آور این آسوده جان را

اقبال‌صـ ٤٤٤.

تُرک و ایران و عرب مست فرنگ

هرکسی را در گلو شست فرنگ

روح در تن مرده از ضعف یقین

نا امید از قوت دین مبین

کار مغرب آن سراپا مکر و فن

اهل دین را داد تعلیم وطن

او بفکر مرکز و تو در نفاق

بگذر از شام و فلسطین و عراق

تو اگر داری تمیز خوب و زشت

دل نه بندی با کلوخ و سنگ و خشت

چیست دین برخاستن از روی خاک

تا ز خود آگاه گردد جان پاک

اقبال صـــ۳۰٤.

متاع معنی بیگانه ز دون فطرتان جوئی

ز موران شوخی طبع سلیمانی نمیآید

گریز از طرز جمهوری غلام پخته کاری شو

که از مغز دو صد خر فکر انسانی نمیآید

اقبال صـــ۲۳۹.

بگوشم آمد از خاک مزاری

که در زیر زمین هم می توان زیست

نفس دارد و لیکن جان ندارد

کسی کو بر مراد دیگران زیست

اقبال صـــ۲۱۲.

آدم از بی بصری بندگی آدم کرد

گوهری داشت ولی نذر قباد و جم کرد

یعنی از خوی غلامی ز سگان خوار تر است

من ندیدم که سگی پیش سگی سر خم کرد

اقبال صـــ۲۳۹.

شرق را از خود برد تقلید غرب

باید این اقوام را تنقید غرب

قوت مغرب نه از چنگ و رباب

نی ز رقص دختران بی حجاب

نی ز سحر ساحران لاله روست

نی ز عریان ساق و نی از قطع موست

محکمی او را نه از لا دینی است

نی فروغش از خط لاتینی است

قوت افرنگ از علم و فن است

از همین آتش چراغش روشن است

حکمت از قطع و برید جامه نیست

مانع علم و هنر عمامه نیست

علم و فن را ای جوان شوخ و شنگ

مغز میباید نه ملبوس فرنگ

اندرین ره جز نگه مطلوب نیست

این کله یا آن کله مطلوب نیست

فکر چالاکی اگر داری بس است

طبع دراکی اگر داری بس است

اقبال‌صــــ۳٦۹.

ای اسیر رنگ پاک از رنگ شو

مؤمن خود کافر افرنگ شو

اقبال صـ۴۱۰.

اهل حق را زندگی از قوت است

قوت هر ملت از جمعیت است

رای بی قوت همه مکر و فسون

قوت بی رای جهل است و جنون

اقبال صـ۴۱۱.

تعویذ و رقیه

قال الله جَلَّ جَلَالُهُ ﴿عَالِمُ الغَيبِ فَلاَ يَظهَرُ عَلَى غَيبِهِ اَحَداً اِلاّ مَن ارتَضَى مِن رّسُولٍ فَاِنّهُ يَسلُكُ مِن بِينِ يَدَيهِ وَ مِن خَلفِهِ رَصَداً﴾ [جن: ۷۲ ج ۲۹].

علم غیب خاص از خدا است مگر اینکه بخواهد به بعضی از رسل بعضی از مغیبات را اطلاع دهد و یا به بعضی از افراد امت او از جهت پیروی از او بعضی از مغیبات را اطلاع دهد کرامةً للولی معجزةً للرسول ﷺ «لاَ بَأسَ بِالرُّقِيِّ بِمَا كَان فی القرآن و ما كان من ذكر الله فاما ما كان لا يعرف من الكلام فلا ينبغی ان يُرقى به» امام مؤطا صـــ۳۷۲.

(قوله فی القرآن آه) ای بآياته و حروفه و هكذا مطلق الذكر بشرط ان يكون بلسان عربی او غيره و يعرف معناه و كذا يجوز ان يكتب بشئ من القرآن او غيره مما قلنا على شئ و يغسل به و يسقى المريض و لآيات الشفا الواردة فی القرآن و القرآن كله شفاءو لسورة الفاتحة فی هذا الباب تأثير بليع مجرب و لا يجوز ان يكتب شئ من القرآن بالدم او غيره من النجاسات و من حكم بجوازه فقد اتى ما يرضى به الشيطان و اما ما كان لا يعرف معناه بان يكون فيه الفاظ مجهولة المعنى غريبة المبنى فلا يجوز ان يرقى به لاحتمال ان يكون فيه كلمة كفرا و شرك مما يتضمنه رقى اكثر ارباب الرقى الا ان يكون عرض على النبی ﷺ و اجازه و زيادة التفصيل فی هذا البحث فی مدارج النبوة و المواهب اللدنية و شرحه و الحصن الحصين و شرحه. حاشيه ۱ مؤطا صفحه ۳۷۲ (هذا كله) بشرط اعتقاد ان الرقية لا توثر بنفسها بل بتقدير الله الخ حاشيه مؤطا ٦ صــ۳۷۱.

قوله (اخبره ان رسول اللهﷺ دخل بيت ام سلمة و فى البيت صبى يبكى فذكروا ان به العين فقال له رسول اللهﷺ أفلا تسترقون له من العين) قال محمد و به ناخذ لا نرى بالرقية باسا اذا كانت من ذكر الله تعالى قوله افلا تسترقون له من العين هذا و امثاله مصرح بجواز الرقية و ورد فى الروايات المنع من الرقية فعن ابن مسعود مرفوعا ان الرقا جمع رقية و التمائم جمع تميمة و هى ما يعلق فى العنق او ينشد فى العضد من التعويذات و التوله بالكسر ثم الفتح هى شئ من انواع السحر او شبيه به تفعله النساء للمحبة الازواج شرك اخرجه ابن حبان و الحاكم و قال صحيح الاسناد و هو و امثاله محمول على الرقى و التمائم على اعتقاد انها تدفع البلاء و ان لها تأثيرا بنفسها كاعتقاد ارباب الطبائع و الجهالة و ما خلا عن هذا الاعتقاد فلا بأس به و قيل المنهى عنه ما كان بغير لسان العرب فلم يدر ما هو فلعله قد دخل فيه سحر او كفر فاما اذا كان معلوم المعنى و كان فيه ذكر الله فيستحب الرقى به و يجوز تعليقه كذا حققه الخطابى فى حواشى سنن ابى داوُد و غيره فى حاشية٦ بعد ذكر ادعية قال المحشى و هذه الادعية الواردة فى هذا الروايةو امثالها مما هو مذكور فى كتب الحديث و جمع كثيراً منها صاحب المواهب و غيره من الادوية الروحانية الآلهية نافعة جداً بل لا اثر للادوية الطبيعية تاما بدونها و قد جربت نفعها و اخذت بحظها و قد عرض لى مرات امراض مهلكة اعجزت الاطباء فعالجت بهذه فكانى نشطت من عقال و لله الحمد على ذلک و من كمل ايمانه و حسن اعتقاده وجد مثل ما وجدته مؤطا صـ۳۷۲ حاشيۀ ٦.

مسئلهٔ استمداد از قبور انبیاء و اولیاء

امام محمد غزالی و شیخ عبدالحق محدث دهلوی و غیره از بزرگان فرموده است کسانیکه از آنها در زندگی دعا خواسته می‌شود که خداوند بدعاء آنها مشکلات ما را مرفوع کند بعد از مرگ هم همین حکم را دارد اما این عدهٔ که می گویند استمداد از اهل قبور و لو انبیاء باشد شرک است این فکر را از محمد بن عبدالوهاب و تابعان آن نقل می‌کنند و اکثر کم علمان آنرا زمزمه می‌کنند و در بین مردم سردرگمی ایجاد نموده است غرض ایشان را نمیدانیم چیست چون هیچ مسلمانی و لو عامی ترین آنها باشد از غیر خدا چیزی را اصالة نمی خواهند و کسی را شریک خدا نمی‌دانند و لو پیغمبر باشد والسلام ابوالحسن صاحب زاده مهتمم تفصیل این مسئله در جای آن یاد شده[۱].

۱ـ اشعة اللمعات، شرح فارسی مشکات، شیخ عبدالحق محدث دهلوی به نقل از امام محمد غزالی باب زیارة القبور، ص ۷۶۲